



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نماز در سیره علما

نویسنده:

مهدی محمدی صیفار

ناشر چاپی:

حوزه علمیه قم - مرکز مدیریت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	نماز در سیرهٔ علما
۱۱	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۷	فهرست
۲۷	مقدمه
۲۹	پیش‌گفتار
۳۱	فصل اول: نماز اهمیت و عظمت آن
۳۱	اشاره
۳۳	اهمیت و عظمت نماز
۳۳	اشاره
۳۶	۱. ارزش نماز
۳۶	۲. نماز نور چشم
۳۷	۳. نماز کشف حقایق است
۳۸	۴. جشن تکلیف
۳۹	۵. نماز در آخرین لحظه‌های عمر
۳۹	۶. اسباب در خدمت نماز گزار
۴۱	۷. دو رکعت عشق
۴۱	۸. مدام در نماز
۴۲	اهمیت ندادن به نماز
۴۲	اشاره
۴۲	۱. عمر بی برکت
۴۳	۲. بی‌مبالا شدن نسبت به نماز
۴۵	فصل دوم: آداب نماز و حالات نماز گزار

۴۵	اشاره
۴۷	الف) آداب نماز
۴۹	ب) حالات نمازگزار
۴۹	اشاره
۵۰	۱. لذت عبادت در جوانی
۵۰	۲. اخلاص در نماز
۵۱	۳. عبادت عارفانه
۵۲	۴. حالت انقطاع
۵۳	در نماز، خطورات ممنوع
۵۳	اشاره
۵۳	۵. مکاشفه در نماز
۵۴	۶. حضور قلب در نماز
۵۶	حضور قلب مداوا می خواهد
۵۶	باید قلب انسان در نماز پیش نماز باشد
۵۷	رُخ به رخ با خدا
۵۸	غرق در نماز
۵۹	خرید خربزه در نماز
۶۱	فصل سوم: نماز اول وقت
۶۱	اشاره
۶۳	نماز اول وقت و اهمیت آن
۶۶	۱. نماز اول وقت پاسخ به خدا
۶۶	۲. سفارش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به نماز اول وقت
۶۷	۳. انتظار برای نماز اول وقت
۶۸	۴. ساعت چنده؟
۶۹	۵. علاقه ی عاشقانه به نماز
۷۲	نماز اول وقت در شرایط سخت

۷۲ اشاره
۷۲ ۱. بیماری و نماز اول وقت
۷۳ ۲. اول نماز بعد امور دیگر
۷۴ ۳. نماز اول وقت شرط کار
۷۵ ۴. اول نماز، بعد جلسه
۷۷ ۵. اول نماز بعد کار
۷۸ ۶. اول نماز، بعد درس
۷۸ ۷. اول نماز بعد مصاحبه
۷۹ ۸. اول نماز، بعد غذا
۸۱ ۹. اول نماز بعد پرواز
۸۲ آثار نماز اول وقت
۸۲ اشاره
۸۳ الف) آثار معنوی و اخروی
۸۳ رسیدن به مقامات عالی
۸۴ ب) آثار دنیوی
۸۴ اشاره
۸۴ ۱. شاه کلید خواسته ها و نیازها
۸۵ ۲. رفع تنگ دستی و گرفتاری
۸۶ ۳. تأمین زندگی آینده
۸۷ آثار بی توجهی به نماز اول وقت
۸۷ اشاره
۸۷ بی ارزش شدن عبادت ها
۸۹ فصل چهارم: نماز جماعت
۸۹ اشاره
۹۱ اهمیت نماز جماعت
۹۳ حضور همیشگی در نماز جماعت

۹۳ اشاره
۹۳ ۱. چرا فرادا می خوانید؟
۹۴ ۲. در جست وجوی نماز جماعت
۹۵ ۳. برنامه ی منظم نمازهای جماعت
۹۵ ۴. سه وقت نماز جماعت
۹۷ ۵. نماز جماعت حتی در سختی
۹۹ فروتنی در برپایی نماز جماعت
۹۹ اشاره
۹۹ اقتدا به شاگرد
۱۰۲ نماز جماعت و آباد کردن مسجد
۱۰۵ پرهیز از ریا در نماز جماعت
۱۰۵ اشاره
۱۰۶ ۱. سی سال در صف اول نماز جماعت
۱۰۶ ۲. عمل به احتیاط
۱۰۸ رعایت حقوق مردم در نماز جماعت
۱۰۸ اشاره
۱۰۸ ۱. نباید کفش ها را لگدمال کرد
۱۱۰ ۲. استیفای حقوق انسانی
۱۱۱ ۳. خرج آبرو برای فقرا
۱۱۳ فصل پنجم: نماز شب
۱۱۳ اشاره
۱۱۵ وقت نماز شب
۱۱۵ کیفیت نماز شب
۱۱۶ اهمیت نماز شب
۱۱۹ در انتظار نماز شب
۱۱۹ اشاره

- ۱۱۹ ۱. اولین شب اقامت در پاریس -
- ۱۱۹ ۲. ما بیدار بودیم -
- ۱۲۱ ترغیب برای خواندن نماز شب -
- ۱۲۱ اشاره -
- ۱۲۱ ۱. تعطیلی درس برای ترغیب به نماز شب -
- ۱۲۲ ۲. بیدار بمان -
- ۱۲۳ ۳. برخیز برای نماز شب! -
- ۱۲۵ آرامش حضور -
- ۱۲۵ اشاره -
- ۱۲۵ ۱. نماز پناهگاه سختی ها -
- ۱۲۶ ۲. شکستن یخ حوض -
- ۱۲۷ ۳. آرام ترین نماز -
- ۱۲۹ ۴. بیماری و شیدایی -
- ۱۲۹ ۵. زیارت یک عالم نورانی -
- ۱۳۰ شیدای حضور -
- ۱۳۰ اشاره -
- ۱۳۱ ۱. وصف ناپذیر -
- ۱۳۲ ۲. چشمان اشکبار -
- ۱۳۴ ۳. چشمان مجروح از گریه -
- ۱۳۵ ۴. شب های پرشور مناجات -
- ۱۳۵ ۵. عبادت با قامت سفیدپوش -
- ۱۳۶ ۶. تضرع و زاری فراوان -
- ۱۳۷ ۷. صدای العفو -
- ۱۳۷ ۸. آه و ناله در دل شب -
- ۱۳۸ ۹. تضرع و تذلل -
- ۱۳۹ ۱۰. آتش عشق -

- ۱۴۰ ۱۱. عطش نماز
- ۱۴۱ مراعات حال دیگران
- ۱۴۱ اشاره
- ۱۴۲ شیدای بیست ساله
- ۱۴۳ فیوضات انفاس سحرخیزان
- ۱۴۳ اشاره
- ۱۴۳ ۱. نماز شب و نورافشانی خانه ها
- ۱۴۳ ۲. سپاس از دعای نماز شب
- ۱۴۴ ۳. انفاس سحر خیزان
- ۱۴۶ ۴. نیل به مقامات از برکت نماز شب
- ۱۴۷ هم نوا با شیداییان
- ۱۴۷ اشاره
- ۱۴۸ ۱. سبوح قدوس
- ۱۴۸ ۲. ایها العالم العامل
- ۱۵۱ منابع
- ۱۵۱ الف) کتاب ها
- ۱۵۸ ب) مقاله ها و مصاحبه ها
- ۱۵۹ ج) سایت ها و روزنامه ها
- ۱۶۰ درباره مرکز

سرشناسه محمدی صیفار، مهدی، 1352

عنوان و نام پدیدآور: نماز در سیره علما/ مهدی محمدی صیفار؛ به سفارش و نظارت مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

مشخصات نشر: قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1397

مشخصات ظاهری: 144ص.

شابک: 5-12 - 6163-622-978.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.

یادداشت: کتابنامه

موضوع: نماز.

موضوع: مجتهدان و علما -- دیدگاه درباره نماز

موضوع: Ulama--Views on salat

موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- خاطرات.

موضوع: Ulama -- Iran -- diaries

شناسه افزوده: مرکز مدیریت حوزه های علمیه مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی

شناسه افزوده: مرکز مدیریت حوزه های علمیه

رده بندی کنگره: 1397 3737/م BP18

رده بندی دیویی: 297/53

شماره کتاب شناسی ملی: 5441771

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 1

اشاره

نماز در سیره علما

مهدی محمدی صیقل

ص: 3

سرشناسه محمدی صیفار، مهدی، 1352

عنوان و نام پدیدآور نماز در سیره علما/ مهدی محمدی صیفار؛ به سفارش و نظارت مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

مشخصات نشر: قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1397

مشخصات ظاهری: 144ص.

شابک: 5-12-6163-622-978.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.

یادداشت: کتابنامه

موضوع: نماز.

موضوع: مجتهدان و علما -- دیدگاه درباره نماز

موضوع: Ulama--Views on salat

موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- خاطرات.

موضوع: Ulama -- Iran -- diaries

شناسه افزوده: مرکز مدیریت حوزه های علمیه مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی

شناسه افزوده: مرکز مدیریت حوزه های علمیه

رده بندی کنگره: 1397 3737/م BP18

رده بندی دیویی: 297/53

شماره کتاب شناسی ملی: 5441771

نماز در سیره علما

به سفارش و نظارت:

مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

مؤلف: مهدی محمدی صیفار

طرح جلد و صفحه آرایی: فرهود مقدم

ناشر: مرکز مدیریت حوزه های علمیه

نوبت چاپ: چاپ اول تابستان 1398

شمارگان: 1000 نسخه

قیمت:

*تمامی حقوق برای معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه محفوظ است *

نشانی: قم، جمکران خیابان، انتظار مجتمع دارالولاية

معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

www.tahzib-howzeh.ir

مراکز پخش:

قم، مدرسه علمیه دارالشفاء، فروشگاه انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه

تلفن: 025-37748383

قم، خیابان معلم میدان روح الله، روبروی مجتمع ناشران، نمایندگی دائمی حوزه های علمیه

تلفن: 025-37735547

ص: 4

مقدمه...11

پیش گفتار...13

فصل اول: نماز اهمیت و عظمت آن

اهمیت و عظمت نماز...17

1. ارزش نماز...20

2. نماز، نور چشم...20

3. نماز کشف حقایق است...21

4. جشن تکلیف...22

5. نماز در آخرین لحظات عمر...23

6. اسباب در خدمت نمازگزار...24

7. دو رکعت عشق...25

8. مدام در نماز...25

اهمیت ندادن به نماز...26

1. عمر بی برکت...26

2. بی مبالا شدن نسبت به نماز...27

فصل دوم: آداب نماز و حالات نمازگزار

الف) آداب نماز...31

ب) حالات نمازگزار...33

1. لذت عبادت در جوانی...34

2. اخلاص در نماز...34

3. عبادت عارفانه...35

4. حالت انقطاع...36

ص: 5

در نماز، خطورات ممنوع...37

5. مکاشفه در نماز...37

6. حضور قلب در نماز...38

• حضور قلب، مداوا می خواهد...40

باید قلب انسان در نماز، پیش نماز باشد...40

• رُخ به رُخ با خدا...41

• غرق در نماز...42

• خرید خریزه در نماز...43

فصل سوم: نماز اول وقت

نماز اول وقت و اهمیت آن...47

1. نماز اول وقت، پاسخ به خدا...50

2. سفارش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به نماز اول وقت...50

3. انتظار برای نماز اول وقت...51

4. ساعت چنده؟...52

5. علاقه ی عاشقانه به نماز...53

نماز اول وقت در شرایط سخت...56

1. بیماری و نماز اول وقت...56

2. اول نماز، بعد امور دیگر...57

3. نماز اول وقت شرط کار...58

4. اول نماز بعد جلسه...59

5. اول نماز، بعد کار...61

6. اول نماز، بعد درس...62

7. اول نماز، بعد مصاحبه...62

8. اول نماز، بعد غذا...63

9. اول نماز، بعد پرواز...65

آثار نماز اول وقت...66

ص: 6

الف) آثار معنوی و اخروی...67

رسیدن به مقامات عالی...67

ب) آثار دنیوی...68

1. شاه کلید خواسته ها و نیازها...68

2. رفع تنگ دستی و گرفتاری...69

3. تأمین زندگی آینده...70

آثار بی توجهی به نماز اول وقت...71

• بی ارزش شدن عبادت ها...71

فصل چهارم: نماز جماعت

اهمیت نماز جماعت...75

حضور همیشگی در نماز جماعت...77

1. چرا فرادا می خوانید؟...77

2. در جست و جوی نماز جماعت...78

3. برنامه منظم نمازهای جماعت...79

4. سه وقت نماز جماعت...79

5. نماز جماعت حتی در سختی...81

فروتنی در برپایی نماز جماعت...83

• اقتدا به شاگرد...83

نماز جماعت و آباد کردن مسجد...86

پرهیز از ریا در نماز جماعت...89

1. سی سال در صف اول نماز جماعت...90

2. عمل به احتیاط...90

رعایت حقوق مردم در نماز جماعت...92

1. نباید کفش ها را لگدمال کرد...92

2. استیفای حقوق انسانی...94

3. خرج آبرو برای فقرا...95

ص:7

فصل پنجم: نماز شب

وقت نماز شب...99

کیفیت نماز شب...99

اهمیت نماز شب...100

در انتظار نماز شب...103

1. اولین شب اقامت در پاریس...103

2. ما بیدار بودیم...103

ترغیب برای خواندن نماز شب...105

1. تعطیلی درس برای ترغیب به نماز شب...105

2. بیدار بمان...106

3. برخیز برای نماز شب!...107

آرامش حضور...109

1. نماز پناهگاه سختی ها...109

2. شکستن یخ حوض...110

3. آرام ترین نماز...111

4. بیماری و شیدایی...113

5. زیارت يك عالم نورانی...113

شیدای حضور...113

1. وصف ناپذیر...114

2. چشمان اشک بار...116

3. چشمان مجروح از گریه...118

4. شب های پر شور مناجات...119

5. عبادت با قامت سفیدپوش...119

6. تضرع و زاری فراوان..120

7. صدای العفو...121

8. آه و ناله در دل شب...121

ص: 8

9. تضرع و تذلل...122

10. آتش عشق...123

11. عطش نماز...124

مراعات حال دیگران...125

شیدای بیست ساله...126

فیوضات انفاس سحرخیزان...127

1. نماز شب و نورافشانی خانه ها...127

2. سپاس از دعای نماز شب...127

3. انفاس سحر خیزان...128

4. نیل به مقامات از برکت نماز شب...130

هم نوا با شیداییان...131

1. سبّوح قدّوس...132

2. ایها العالم العامل...132

منابع...135

(الف) کتب...135

(ب) مقاله ها و مصاحبه ها...142

(ج) سایت ها و روزنامه ها...143

ص: 9

آیت الله میرزا علی آقا قاضی طباطبایی تبریزی رحمه الله: دو سه روزی است که فکر می کنم اگر در بهشت نگذارند ما نماز بخوانیم چه کنیم؟

(محمّدی ری شهری، زمزم عرفان، ص 89)

ص: 10

سلوک و منش بزرگان و برگزیدگان هر جامعه ای الگوی مناسبی برای شیوه ی رفتار مردمان آن جامعه است بر اساس آیات شریفه ی، قرآن برترین الگوی ما مسلمانان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و در مرتبه ی بعدی معصومین علیهم السلام می باشند. عالمان ربانی و بزرگان و اولیای الهی به عنوان رهروان راستین معصومین علیهم السلام نیز تا حد زیادی می توانند آینه تمام نمای راه روشن این بزرگواران باشند. از این رو، مقام معظم رهبری دام ظلّه بر امر تدوین و ترویج سیره ی علمای ربانی و قله های تهذیب تأکید می کند و می فرماید:

ما قله های تهذیب داریم... رفتار این ها شناخت زندگی این ها حرف های این ها خودش یکی از شفا بخش رین چیزهایی است که می تواند انسان را آرام کند به انسان آرامش بدهد روشنایی، بدهد دل ها را نورانی کند... (1)

و نیز می فرماید:

... یکی از کارهایی که خیلی تأثیر دارد، بیان شرح حال بزرگان اهل تهذیب و اهل اخلاق است درباره این ها کتاب بنویسید و همین ها را بین طلبه ها پخش کنید. (2)

ص: 11

1- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با طلاب فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، 1389/07/29

2- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی حوزه 1389/8/5

براین اساس، معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه با هدف ترویج و گسترش اخلاق و آداب اسلامی در میان حوزویان، تألیف و تدوین مجموعه کتاب هایی در زمینه سیره ی عملی و رفتاری علما و بزرگان حوزه را در دستور کار خود قرار داده است.

مجموعه ی پیش رو قطره ای از دریای بیکران فضایل و ارزش های اخلاقی و رفتاری اندیشمندان و بزرگان حوزه در اهتمام به نماز است که به سفارش و نظارت مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت به نگارش درآمده است. امیدواریم مطالعه ی این اثر، زنگار از دل خوانندگان زودده جان خسته و رنجور مشتاقان و تشنگان حقیقت و معرفت را شفا بخشیده و زمینه را برای انس هر چه بیشتر با نماز فراهم سازد.

در پایان از پژوهشگر محترم حجت الاسلام والمسلمین آقای مهدی محمدی صیفار که کتاب حاضر به همت وی تدوین شد و نیز از حجت الاسلام والمسلمین کاظم علی محمدی که بازبینی اصلاح و ویرایش نهایی اثر را بر عهده داشت قدردانی می شود

معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی

نماز معبر اصلی برای سلوک انسان در راهی است که ادیان الهی در برابر آدمی نهاده اند تا بتواند از آن به هدف و غایت اصلی حیات یعنی رستگاری و خوشبختی دنیا و آخرت دست یابد نماز اولین قدم سلوک الی الله است؛ ولی ظرفیت این عامل الهی به اندازه ای ست که در اوج کمال بشری نیز می تواند بال پرواز انسان عرشی شود تا آن جا که برترین انسان تاریخ، یعنی پیامبر گرامی اسلام [صلی الله علیه و آله] می فرماید: "نماز نور چشم من" است و در هنگام فرارسیدن وقت نماز از مؤذن خود می خواهد که با سردادن بانگ، اذان جان او را کامیاب و سرشار از راحت و امنیت سازد. شاید بتوان گفت که هیچ عامل عبادی دیگری این گونه در همه مراحل تکامل معنوی انسان برای او کارگشا و نیرو بخش و پیش برنده نیست. (1)

و به همین دلیل است که، انبیا اولیا و اوصیای الهی برای سیر مقامات معنوی، به آن چنگ زده اند و جز با نماز به خدا نرسیده اند. از همین منشأ اوج است که علمای ربانی و عرفای الهی مقامات شناخت خدا و رسیدن به او را طی نکرده اند، مگر با بزرگ شمردن نماز هیچ عبادتی، مثل نماز نیست و هیچ وسیله ای مانند نماز به اوج معنویت، عرفان و کشف حجاب ها نمی رساند.

ص: 13

اهمیت دادن به خود، نماز وقت اول نماز و با جماعت خواندن نماز و توجه بسیار به نماز شب یا سایر نمازهای مستحبی، با تأکید فراوان در روایات آمده است اما فراتر از مرحله ی سخن به وسیله ی مقربان درگاه الهی به منصفه ی ظهور رسیده است سیری در زندگی معصومین علیهم السلام و علمای ربانی (رضوان الله تعالی علیهم) نشان آشکاری بر نقش بسیار سترگ نماز در سیرالی الله از اول تا آخر است؛ به طوری که هیچ مقامی از مقام های معنوی و گام های سلوک بدون نماز تحقق نمی یابد.

بنابراین چه بجاست که با مطالعه ی «نماز در سیره ی علما»، چراغ های راه هدایت را دریابیم و انگیزه ی خود را برای دست یابی به این معجون الهی ارتقا دهیم و معنویت خود را با آن به اوج رسانیم.

مهدی محمدی صیفار

ص: 14

فصل اول: نماز اهمیت و عظمت آن

اشاره

ص: 15

نماز، معشوق دلدادگان و سالکان است آنان که به جایی رسیده اند به نماز چنگ زده اند و در نماز خود و خدای خود را یافته اند. عارفان، انس با خدا را در نماز می جویند و از آن لذت می برند حضرت آیت الله بهجت رحمه الله می فرمود:

از یکی از اساتید ما نقل شده که حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل [تهرانی] - از علمای نجف - در حالی که ناهار می خورد، فرمود: «می دانی ناهار خوردن من مثل چیست؟ مثل این است که کیسه ای را پر کنم. فعلاً از هیچ چیز لذت نمی برم، جز نماز!»

کلام ایشان با مقام مرجعیتی که داشته هیچ محمول بر غرض و مرض نبود؛ ولی ما کاملاً به عکس ایشان از همه چیز لذت می بریم به جز از نماز. (1)

نماز در نظر علما و بزرگان دین جایگاه بسیار سترگ و با عظمتی دارد و در چشم آنان، آن قدر بزرگ است که باید برای فرارسیدن زمان آن، به انتظار نشست و لحظه شماری کرد اگر برخی نسبت به نماز بی مبالاتی می کنند و آن را به تأخیر می اندازند ناشی از آن است که اهمیت آن را درک نکرده اند. در احوالات مرحوم آیت الله شیخ محمد کوهستانی نقل شده است که:

روزی به خاطر اختلاف بر سر یکی از مزارع روستاهای کوهستان نزاع و کش مکش بین دو روستای همجوار رخ داد از باب این که حق با اهالی محل بود، معظم له

ص: 17

از آنان جانب داری کرد و معتقد بود مزرعه متعلق به اهالی روستا است. این مسأله موجب شد عده ای از طرف های درگیر به آقا اهانت کنند ایشان در جواب آنان فرمود: من دو رکعت نماز قبول شده را به تمام دنیای شما نمی دهم، بلکه حتی یک حمد را هم معاوضه نمی کنم. (1)

چنین است که اولیای الهی هنگام فرارسیدن وقت نماز، بلکه از قبل منتظرند تا ندای الهی سر داده شود و آنان سراپا به نماز مشغول شوند.

نماز خواندن، سخن گفتن مستقیم بنده با معبود و یاری خواستن از اوست و چه جایگاهی بالاتر از این با این حال راه های کج دنیا برای فریفتن انسان زیاد است و این ذکرها و استمدادهای او در نماز است که همواره از خدا می خواهد در صراط مستقیم ثابت قدم بماند در بیان آیت الله نخودکی اصفهانی رحمه الله آمده است:

وقتی متفکر بودم در این که در هر شبانه روز پنج نوبت نماز می گزارم و در هر نماز دو بار سوره ی حمد می خوانم؛ یعنی در هر شبانه روز ده مرتبه می گویم: (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)؛ چون به قلبم خطور کرد که هر عملی که از ما سر می زند توسط پنج حواس ظاهر و پنج حواس باطن است که جمعاً ده حس می شود؛ بنابراین ما نیز هر روز از خداوند استعانت می جوئیم و می خواهیم که ما را در این ده حس کمک و اعانت فرما و هر یک از حواس مرا به راه راست هدایت کن! (2)

نماز در نظر سید مرتضی رحمه الله از چنان اهمیت و جایگاهی برخوردار است که در اواخر عمر وصیت می کند دوباره نمازهایش را قضا کنند

ص: 18

1- کوهستانی بر قله پارسایی، ص 98

2- مقدادی اصفهانی، نشان از بی نشان ها ص 379

در وصیت ایشان آمده است تمام نمازهای مرا که در طول عمرم خوانده ام، به نیابت از من دوباره بخوانید. وقتی از علت آن سؤال کردند این طور جواب فرمودند:

من علاقه مند به نماز و عاشق راز و نیاز با خدا بودم و از آن لذت فراوان می بردم و همیشه قبل از رسیدن وقت نماز برای آن لحظه شماری می کردم به همین دلیل شاید نمازهای من صد در صد خالص برای خدا نبوده و لذت روحی خودم در به جا آوردن آن ها نقش داشته و نمازی که یک درصد هم برای غیر خدا، باشد شایسته درگاه خدا نیست. (1)

برای بزرگان دین مقدمات نماز نیز بسیار اهمیت دارد. به نظر آنان، توجه به، مقدمات موجب حضور قلب در نماز می شود. وضویکی از مقدمات نماز است که علما همواره تلاش می کنند آن را با آداب و مستحبات مربوط به جا آورند. بعضی از نمازگزاران در به جا آوردن مقدمات، نماز به ویژه در وضو، افراط دارند و مدت ها وضو گرفتن آن ها طول می کشد؛ به طوری که هنگام وضو، آب زیادی نیز مصرف می کنند و موجب اسراف می شوند علما معمولاً تلاش داشتند با کم ترین مقدار آب وضو بگیرند و از اسراف پرهیز نمایند. حضرت امام خمینی قدس سره بهترین نمونه ی چنین انسانی است در خاطرات یکی از یاران امام قدس سره آمده است که در هنگام وضو گرفتن امام تنش آب اضافه مصرف نمی کردند حتی در فاصله ی بین مسح و شست و شوی دست راست و چپ شیر آب را می بستند و یک قطره از آن به زمین نمی ریخت. (2)

ص: 19

1- شریفی سید مرتضی پرچمدار علم و سیاست، ص 63

2- قوچانی خاطرات سال های نجف، ج 1، ص 143

1. ارزش نماز

مرحوم شیخ غلام رضا یزدی به نمازهای مستحبی بسیار اهمیت می داد و از هر فرصتی برای نماز خواندن استفاده می کرد؛ به طوری که در روز چندین ساعت مشغول نماز بود. وقتی دوستان ایشان می گفتند ما نمی دانیم شما در نماز چه چیزی دیده اید که این قدر نماز می خوانید؟ می فرمود: اگر شما بدانید از این جا تا چند کیلومتر راه روی زمین اشرفی (1) ریخته است؛ اولی را که برداشتید، دومی را هم بر می دارید و تا به آخر همین کار را می کنید نماز ارزشش خیلی بالاتر از اشرفی است نماز گنج است. ارتباط بنده با خداست؛ آن هم ارتباط مستقیم. ایشان هر وقت منتظر کسی بود در همان جا مشغول نماز می شد و از وقتش برای نیایش با معبود استفاده می کرد. (2)

2. نماز نور چشم

اگر فرزند نور چشم پدر و مادر است به سبب محبتی است که والدین به فرزند دارند و او را بزرگ می شمارند. نماز در چشم بعضی این گونه است و آن چنان شدید به نماز عشق می ورزند که نور چشم آنان می شود. از این روست که هرگاه هنگامه ی نماز می رسد شاد و چشمانشان روشن می گرد. آیت الله بهجت رحمه الله می فرماید:

ص: 20

1- نوعی سکه طلا و واحد پول در زمان قدیم بود.

2- فهری زنجانی، پرواز در ملکوت، ص 114

برخی از علما به راستی وضع نمازشان طوری بود که شایسته است درباره ی آنان گفته شود نماز نور چشم آنان بوده است. «قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (1) از بعضی از آن ها تصریح به این امر را هم شنیده ایم. ما در مقایسه ی با آن ها، که مانند بچه هایی هستیم به بازی مشغولیم. (2)

3. نماز کشف حقایق است

نماز در هر مرتبه ای اثر و فایده دارد برای، بعضی رفع تکلیف است و برای عده ای دیگر که به نماز عشق می ورزند رهایی از دنیای فانی و سیر در عالم دیگر. آیت الله ملکی تبریزی رحمه الله از جمله عرفایی است که لذت نماز را چشیده و به حقایقی دست یافته است که گوشه ای از آن را چنین بازگو می کند:

گاه روح نمازگزار رو به سوی عالم بالاتر می نماید و خود را از یاد دنیای بی ارزش، تهی می سازد. بدین گونه اندیشه و فکرش را از بعضی بندها رها می کند و تحت تأثیر عوالم نورانی بالا قرار می گیرد و در این حال، گاه پرده از روی بعضی حقایق قرآنی برداشته می شود و آن حقایق کشف شده بر دل او آشکار می گردند و او از این کشف و تجلّی چنان فایده ای می برد که با سال های سال عبادت به آن فایده نمی رسد.

گاه حقیقت نام های خداوند متعال هنگام قرائت برای بنده مکشوف می گردد و جسم بنده نمی تواند بار آن را تحمل کند؛ در نتیجه از هوش می رود. (3)

ص: 21

-
- 1- قال رسول الله صلى الله عليه و اله : (حُبَّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: النِّسَاءُ، وَالطَّيِّبُ، وَجُعِلَتْ قَرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ)؛ از دنیای شما سه چیز مورد علاقه ی من است: زنان عطر و نور چشم من در نماز است. (مجلسی، بحار الانوار، ج 76، ص 141)
 - 2- رخشاد در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت، ج 2، ص 87.
 - 3- ملکی تبریزی اسرار الصلوة، ص 328

مردم، گروه گروه به طرف منزل «سید بن طاووس» می رفتند. کوچه ها شلوغ بود و شاگردان سید نمی دانستند که این جشن، به چه مناسبتی برگزار می شود هر کدام در ذهن خود گمانی می داشت؛ اما از آن مطمئن نبود. یکی می گفت: لابد «عید» است و ما نمی دانیم. آن دیگری مناسبت دیگری را حدس می زد؛ اما همگی سید را خوب می شناختند و می دانستند که حتماً آن جشن مناسبتی دارد.

منزل سید از جمعیت موج می زد ذکر صلوات و قرائت شعر در مدح ائمه علیهم السلام فضای خانه را پر کرده بود و در این میان تنها سید بود که می دانست آن جشن برای چیست؟

سکوت سید، طاقت شاگردان را طاق کرده بود. سرانجام یکی از آنان پرسید: اگر مناسبت جشن را بدانیم بیشتر خوشحال خواهیم شد.

تبسم شیرینی بر چهره ی سید نقش بست و گفت: امروز یکی از بهترین روزهای عمر من است. چندین سال پیش در چنین روزی من به سن تکلیف رسیدم و لیاقت آن را پیدا کردم که مورد خطاب خداوند رحمان باشم و به ادای تکلیف الهی پردازم؛ از این جهت من هر سال این روز را جشن می گیرم. (1)

ص: 22

1- علم الهدی، نماز سرود ایمان، ص 33 مرحوم آیت الله ملکی تبریزی در کتاب «المراقبات»، ص 256-257 نیز به آن اشاره کرده است.

5. نماز در آخرین لحظه های عمر

لذت نماز برای عاشقان آن تا حدی است که در همه حال می خواهند در نماز باشند. حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد فهری در مقدمه ی کتاب شریف «رساله لقاء الله» کیفیت رحلت آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی را در حال نماز چنین بیان می کند:

شنیدم از زاهد عابد، ورع مرحوم آقای حاج آقا حسین فاطمی قمی رحمه الله که از دوستان مرحوم ملکی بود که فرمود: از مسجد جمکران بازگشتم در منزل به من گفتند که آقای حاج میرزا جواد جوئیای حال تو شده است. فرمود: من با سابقه ی کسالتی که از ایشان داشتم با عجله به خدمتش رفتم (و به گمانم فرمود عصر جمعه بود). دیدم ایشان استحمام کرده و خضاب بسته و پاک و پاکیزه در بستر بیماری افتاده و آماده ی ادای نماز ظهر و عصر است. در میان بستر شروع به گفتن اذان و اقامه کرد و دعای تکبیرات افتتاحیه را خواند و همین که به تکبیرة الاحرام رسید و گفت الله گفت الله اکبر، روح مقدسش از بدن اقدسش به عالم قدس پرواز کرد. (1)

6. اسباب در خدمت نمازگزار

سال های پیش از پیروزی انقلاب روزی به اتفاق یکی از پسر عموهایم در یکی از خیابان های تهران ایستاده منتظر تاکسی بودیم. قریب نیم ساعت ایستادیم. هر چه تاکسی می آمد، یا پر از مسافر بود یا نگه نمی داشت. خسته شدیم. ناگاه یک تاکسی آمد و توقف کرد و به ما گفت: بفرمایید سوار شوید. هر جا می خواهید بفرمایید تا شما را برسانم. ما سوار شدیم و مقصدمان را گفتیم. در میان راه من به پسر عمویم گفتم شکر خدای را که

ص: 23

در تهران یک راننده ی مسلمانی پیدا شد که به حال ما رقت کرد و ما را سوار نمود راننده شنید و گفت: آقایان تصادفاً من مسلمان نیستم و ارمنی هستم: گفتم پس چطور ملاحظه ی ما را نمودی گفت: اگر چه مسلمان نیستم؛ اما به کسانی که عالم مسلمان ها هستند و لباس اهل علم در بردارند عقیده مند و احترامشان را لازم می دانم؛ به واسطه ی امری که دیدم. پرسیدم: چه دیده ای؟ گفت: سالی که مرحوم آیت الله حاج میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی را به عنوان تبعید از تبریز به کردستان سنندج حرکت دادند من راننده اتومبیل ایشان بودم در میان راه نزدیک به درخت و چشمه ی آبی شدیم آقا فرمودند این جا نگهدار تا نماز ظهر و عصر را بخوانم سرهنگی که مأمور ایشان بود به من گفت: اعتنا نکن و برو. من هم اعتنایی نکرده، رفتم تا نزدیکی آب رسیدم ناگهان ماشین خاموش شد. هر چه کردم، روشن نگردید. پیاده شدم تا سبب خرابی آن را بدانم هیچ نفهمیدم ماشین عیب و ایرادی نداشت؛ اما روشن نمی شد. آقا فرمود: حالا که ماشین متوقف است، بگذارید نماز بخوانم. سرهنگ ساکت شد و آقا مشغول نماز گردید. من هم سرگرم باز کردن آلات ماشین شدم. هنگامی که آقا از نماز فارغ شد و در ماشین نشستند با یک استارت، ماشین روشن گردید و راه افتادیم (1)

ص: 24

7. دو رکعت عشق

دکتر محمود بروجردی داماد حضرت امام می گوید خاطره ای که خود امام در مورد دستگیریشان در 15 خرداد برای ما تعریف کردند، این بود که می فرمودند: به آن ها [مأموران] گفتم: ماشین را نگه دارید تا من نماز بخوانم - وقتی ایشان را سوار اتومبیل کردند، قبل از نماز صبح بود - گفتند: نمی شود. به آن ها گفتم حالا چرا این قدر متوحش هستید و می ترسید؟ گفتند: آخر، مردم خیلی به شما علاقه دارند. اگر ما را بگیرند، تکه تکه ما می کنند.

اتومبیل هایی هم که بایستی مراقب این اتومبیل باشند، عقب مانده بودند و این ها متوحش بودند که مبادا آن ها گیر مردم افتاده باشند. من اصرار کردم، نگه دارید نماز بخوانم. نگه نداشتند. گفتم نگه دارید تیمم بکنم نگذاشتند. یک مرتبه اتومبیل پنجره شد من هم از اتومبیل پایین آمدم و تیمم کردم. بعد به اتومبیل برگشتم و نماز خواندم و به تهران آمدم.

امام اضافه فرمودند: شاید در تمام عمرم همان دو رکعت نماز را که پشت به قبله با تیمم و در ماشین خواندم، خداوند قبول کرده باشند. (1)

8. مدام در نماز

یکی از یاران آیت الله حاج آقا بزرگ عراقی (2) نقل می کند که خانه ی آن ها از پشت چسبیده به خانه حاج آقا بود در شب های تابستان ، ایشان بر پشت بام ساعت ها به نماز می ایستاد و پی در پی نماز می خواند... . ساعت ها پشت سر هم به نماز می ایستاد و خسته نمی شد. در شب های

ص: 25

1- رجایی برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 52 .

2- آیت الله محمد باقر محمدی عراقی (اراکي) ، ملقب به حاج آقا بزرگ عراقی.

احیا با وجود کهولت سن 102 رکعت نماز می خواند. (1)

اهمیت ندادن به نماز

اشاره

عالم ربانی جناب شیخ جعفر شوشتری رحمه الله سبک شمردن نماز را بر پنج قسم می داند:

اول) آدمی نماز را قبول نداشته باشد که این موجب کفر است؛

دوم) نماز را ترک کند؛

سوم) مسائل نماز را نداند و به فکر یادگیری آن ها نباشد؛

چهارم) نمازها را به وقت خود نخواند؛

پنجم) نماز قضا بر عهده اش باشد و در صدد به جا آوردن آن نباشد و سال به سال تأخیر اندازد. (2)

حال خود باید بسنجیم که از کدام قسم هستیم و نماز را سبک می شماریم. اهمیت ندادن به نماز دارای آثار و پیامدهایی است که به دو مورد از آن در سیره ی علما اشاره می شود:

1. عمر بی برکت

عمری برکت ، یکی از آثار سبک شمردن نماز است. آیت الله مجتهدی رحمه الله می فرماید:

الآن دیگر کسی پیر نمی شود برکت از عمرها رفته است چون مردم به نماز اهمیت نمی دهند عمرهایشان برکت ندارد در روایت آمده است کسی که به نماز اهمیت ندهد به پانزده بلا مبتلا می شود یکی از آن بلاها این است که برکت از عمرش می رود (3)

ص: 26

1- اکبرنژاد، امیر شهر، ص 33.

2- دیلمی هزار و یک نکته درباره نماز ص 137

3- محمودی، گلپایگانی در محضر مجتهدی، ج 2، ص 190.

2. بی مبالا شدن نسبت به نماز

هر اندازه غیرت دینی و توجه به مسائل دینی فرد مسلمان زیاد باشد به نماز که از مسائل بسیار مهم دینی است اهمیت فراوان می دهد و در نظرش بزرگ جلوه می نماید؛ از این رو نسبت به نماز بی مبالا تی نمی کند. در بیانات آیت الله مجتهدی رحمه الله آمده است:

[در قدیم این طور بود که ... اگر نماز شبشان قضا می شد، می نشستند گریه می کردند و ناراحت می شدند حالا نماز صبح هم قضا می شود طرف ککش نمی گزد و هیچ غصه ای نمی خورد اگر هزار تومان پولش گم شود دایم دست در این جیب و آن جیبش می کند و ناراحت می شود؛ اما نماز صبحش که قضا شده، غصه ای نمی خورد کسی که غصه نخورد خیلی بی عار است! خیلی بی عار است! خیلی بی عار است! (1)]

ص: 27

فصل دوم: آداب نماز و حالات نمازگزار

اشاره

ص: 29

الف) آداب نماز

موارد زیر جزء آداب نماز است:

1. استفاده از انگشتر عقیق؛

2. پوشیدن لباس پاکیزه؛

3. شانه کردن موها؛

4. مسواک کردن قبل از نماز؛

5. خود را برای نماز خوشبو نمودن؛

6. خواندن نماز در اول وقت؛

7. خواندن نماز به جماعت؛

8. گفتن اذان و اقامه به گونه ای که بین اذان و اقامه به اندازه ی يك سجده فاصله بیندازد و دعاهای وارده را بخواند؛

9. همراه داشتن عمامه با تحت الحنك در نماز؛

10. پوشیدن لباس سفید و عبا برای نماز؛ [\(1\)](#)

مطالعه ی زندگی علمای ربانی نشان می دهد که همواره تلاش فراوان داشته اند تا آداب نماز را به خوبی مراعات کنند و معتقد بودند که مراعات آداب، نماز در حضور قلب تأثیر زیادی دارد درباره ی رعایت آداب نماز

ص: 31

1- موسوی خمینی رساله توضیح المسائل، ص 115؛ ولی ابرقوئی آداب معنوی (2000 عمل مستحب و مکروه)، آداب نماز

توسط امام خمینی قدس سره در آمده است:

در هر، نماز امام تمام مستحبانی را که در رساله شان فرموده اند رعایت می نمودند ایشان برای هر نماز حتی در بستر و روی تخت بیمارستان عمامه مختصری می بستند و آن گونه که در تلویزیون پخش شد، ریش خود را به دقت شانه می زدند و پس از آن در آینه کوچکی که داشتند خود را کاملاً و رانداز می کردند. در آینه عمامه شان را دو سه بار جابه جا می کردند و ابروهایشان را در آینه می دیدند و صاف می کردند و پس از این که سر و وضع خود را مرتب می کردند عطر استعمال می نمودند.

حتی بیماری مانع نمی شد که ایشان ریش خود را شانه نزنند ... امام در هر، نماز اذان و اقامه می گفتند و در، نماز عمامه را تحت الحنک می بستند و... (1)

هم چنین نقل شده است که «امام حتی در هنگام بیماری و در عین خون ریزی و با وجود زخم بزرگ در شکم در موقع نماز، تمیزترین جامه ها را که بدون آلودگی بود به تن می کردند». (2)

درباره ی نماز استاد شهید مطهری رحمه الله نیز آمده است:

هنگام ظهر بود. تازه به منزل استاد مطهری رسیده بودیم که صدای اذان فضای اتاق را فرا گرفت. به همراهان گفتم: «بهتر است به امامت استاد، نماز را به جماعت برگزار کنیم. همگی وضو گرفتیم و آماده شدیم. چند دقیقه ای گذشت. منتظر استاد بودیم که ایشان در حالی که لباسشان را عوض کرده بودند با ظاهری پاکیزه وارد شدند تازه یاد آمد که ایشان هرگز با لباس خانه همان لباس معمولی که در خانه می پوشند نماز نمی خوانند؛ خصوصاً نماز صبح را هنگام نماز صبح نیز لباسی پاکیزه می پوشند، عمامه شان را بر سر

ص: 32

1- رجایی برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 64.

2- همان، ص 75.

می گذارند و به نماز می ایستند. (1)

تصویری که از روزهای آخر عمر پربرکت آیت الله مرعشی نجفی، هنگام نماز خواندن از تلویزیون پخش شد، نشان می داد که آن مرحوم پس از وضو گرفتن چگونه محاسن خود را شانه زد به سر عمامه بست و روی سجاده ی پهن شده آماده نیایش با خدای خود گردید.

سایر علمای ربانی، نیز از آن جایی که نماز را بزرگ شمرده و آن را سخن گفتن مستقیم با خدا می دانستند تلاش داشتند با ظاهری زیبا، مرتب، معطر، لباسی تمیز و با رعایت مستحبات به محضر حضرت دوست بار یابند.

ب) حالات نمازگزار

اشاره

نمازگزار با چه حالتی در نماز حضور می یابد؟ آیا در نماز حضور قلب و خشوع دارد؟ آیا می داند به حضور چه کسی شرفیاب می شود؛ می خواهد با چه کسی سخن بگوید و چه کسی را پرستش کند؟

آن چه از حالات نمازگزاران واقعی دیده یا شنیده شده است، وصف ناشدنی است. دیدن و شنیدن به معنای درک کردن نیست و کسانی آن حالات را در می یابند که خود عاشقانه و با حضور قلب تمام در محضر دوست حاضر شوند؛ حضوری پاک و خالص و بدون آرایش چنین حضوری نیاز به تمرین های مکرر دارد.

بنابر توصیه ی بزرگان اهل معرفت در جوانی باید کوشید تا بی آرایش در محضر یار حاضر شد. وقتی سن از جوانی رو به پیری گذارد، جسم، آن توان سابق را

ص: 33

به تدریج از دست می دهد و دیگر یارای عبادت و لذت بردن از آن را ندارد.

1. لذت عبادت در جوانی

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین توسلی از اعضای بیت حضرت امام خمینی قدس سره نقل می کند:

قبل از کسالت حضرت امام قدس سره، شب ها یکی از بچه های پاسدار پشت در اتاقشان می خوابید روزی از او پرسیدم شما که مدتی است شب ها مراقب امام بوده اید، هیچ خاطره ای از ایشان ندارید؟ گفت چرا دارم امام قدس سره معمولا دو ساعت مانده به اذان صبح بیدار می شدند. یک شب متوجه شدم دارند با صدای بلند گریه می کنند متأثر شدم و شروع کردم به گریه کردن مدتی بعد امام برای گرفتن وضو از اتاق بیرون آمدند مرا که با آن حال، دیدند گفتند تا جوانی، قدر خودت را بدان و خدا را عبادت کن لذت عبادت در جوانی است آدم وقتی پیر می شود، دلش می خواهد عبادت کند؛ ولی حال و توانی برایش نمانده است. (1)

2. اخلاص در نماز

اخلاص نیت و به پا داشتن نماز تنها برای خدا نماز را لذت بخش می کند آیت الله رضا استادی در مورد نمازهای حضرت امام قدس سره می گوید:

نمازی که امام در بیابان های بین کویت و عراق با چند نفر از یاران خود خواند با نمازی که در جماران همراه چند رئیس جمهور و سران کشورهای اسلامی خواند و آخرین نمازهایی که ایشان در بیمارستان خواند از لحاظ توجه و اخلاص یکسان بود. (2)

امام از لحاظ مقامات عرفانی و سیر و سلوک در مراتبی قرار داشت که مقام و موقعیت دنیایی و امور مادی ذره ای در دریای وجودش تلاطم نمی کرد.

ص: 34

1- «مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین توسلی»، مجله حوزه شماره 45، مرداد و شهریور 1370.

2- ستوده پایه پای آفتاب، ج 2، ص 230.

به راستی که عارفان واصل به حق و وارسته از خلق همواره چنین اند.

«روزی ملا عبدالله شوشتری به دیدن شیخ بهایی رفت. ساعتی با وی به گفت و گو پرداخت. در این موقع صدای اذان بلند شد. شیخ بهایی فرمود: در همین جا نماز بخوانید تا ما هم به شما اقتدا کنیم و از فیض نماز جماعت بهره مند گردیم. ملا عبدالله مقداری تأمل کرد؛ پس از جا برخاسته، بدون آن که در منزل شیخ نماز جماعت بخواند، به خانه خود رفت. یکی از دوستان و شاگردان خاص او که حضور داشت، پرسید شما که این قدر مقید هستید، نماز را اول وقت بخوانید چرا خواسته ی شیخ را اجابت نکردید و همان جا نماز نخواندید؟

پاسخ داد: در آن موقع که شیخ چنین پیشنهادی کرد، با خود فکر کردم، آیا هرگاه شیخ پشت سر من نماز بخواند، تغییری در من ایجاد نمی شود. دیدم چنان نیست که نفس من تغییری در خود احساس نکند؛ لذا نماز نخوانده، از خانه او بیرون آمدم.» (1)

3. عبادت عارفانه

وقتی حالت خشوع و خضوع در نماز گزار پدید خضوع در نماز گزار پدید آمد، سر به سجده های طولانی می گذارد و با حالتی، گریان معبود خود را می ستاید درباره ی آیت الله شاه آبادی رحمه الله نقل شده است:

به دفعات می دیدم وقتی ایشان سر از سجده برمی داشت، اشک از چشمانش سرازیر می گشت، طوری که همه صورتش خیس بود و نورانیت عجیبی در

ص: 35

چهره اش مشاهده می شد. (1)

فیلسوف و عارف بزرگ، حاج شیخ محمد حسین غروی کمپانی در منزل خود، حکمت و عرفان تدریس می کرد برای این کلاس خود بیش از شش نفر را قبول نکرده بود که یکی از آن ها مرحوم ایروانی بود. ایروانی می گوید:

یک شب که برای حضور در درس عرفان شیخ کمپانی به خانه ی ایشان رفته بودیم شیخ در اتاق دیگر مشغول نماز بود از اتاق درس ناله و مناجات او را می شنیدیم به قدری خاضعانه در استغاثه و انابه بود که حس کردم تمام اشیای اطراف ما نیز هم آواز با شیخ به تسبیح و عبادت خدا مشغولند. (2)

4. حالت انقطاع

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی خیلی خسته و وقتی خیلی خسته می شد بلال حبشی را صدا می کرد و اگر بلال در مجلس، نبود به دنبالش می فرستاد و به او می فرمود: «أرحنا یا بلال!» (3) وقتی بلال می آمد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به او می فرمودند: خسته و کوبیده ام، به من قدری راحتی و آسودگی ببخش! بلال هم می دانست پیغمبر اسلام چه می گوید. با همان گلوی ملکوتی، شروع به خواندن قرآن یا گفتن اذان می کرد و پیغمبر با شنیدن صدای او دوباره نشاط و سرزندگی می یافت. (4)

این حالت برای همه پیش نمی آید کسانی که عاشق نمازند چنین شیفته و بی قرار می شوند. آیت الله حق شناسه رحمه الله در توضیح می گوید:

نبی اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمود: «أرْحَنًا يَا بلال!» یعنی وقتی من نماز می خوانم، باید تمام تعلقات منقطع باشد تمام توجه به ساحت مقدس پروردگار باشد. به

ص: 36

1- بنیاد علوم و معارف اسلامی دانش پژوهان؛ عارف کامل ص 93؛ نظری آن مرد آسمانی، ص 29.

2- کارگر محمدیاری، نماز بهترین پناهگاه، عنوان «عبادت عارفانه شیخ کمپانی».

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 79، ص 193؛ شیخ بهایی مفتاح الفلاح، ص 182

4- پایگاه اطلاع رسانی استاد حسین انصاریان کد مطلب: 50855، تاریخ: 1391/3/10

عظمت و جمال پروردگار آگاه باشم دل را از ماسوای پروردگار خارج کنم و بدانم در مقابل مالک الملوک ایستاده ام و نفس خودم را مقصّر بدانم. (1)

در نماز، خطورات ممنوع

اشاره

هنگامی که دیگران از او [حاج سیدهاشم حداد رحمه الله، عارف و شاگرد علامه آقا میرزا علی قاضی رحمه الله] می پرسند: چه کنیم نماز را بهتر بخوانیم؟ می گوید:

علاوه بر توجه سعی کنید خطورات [به ذهن] نیاید. اگر خطوری، آمد او را رد کنید حیف است کسی نتواند دو رکعت نماز بدون خطور بخواند توجه کامل و یک سره به سوی حق و انقطاع از غیر او و پاکی و طهارت سر، لازمه ی نماز است. و از قول مرحوم قاضی می گوید:

چنان نماز کنید که اگر کسی با شما حرفی زد متوجه نشوید. (2)

5. مکاشفه در نماز

زمانی که حالت انقطاع برای عاشقان پیش آید، آن چه را که برای دیگران نادیدنی است، مشاهده می کنند. درباره ی آیت الله عبدالکریم کشمیری رحمه الله نقل شده است

در اتاق به تنهایی مشغول نماز بودم در رکوع که مستحب است بین دو پا را نگاه کردن؛ بین دو پایم را نگاه کردم دیدم عده ای با لباس سفید پوشیده به من اقتدا کردند متوجه شدم اینان فرشتگان می باشند. (3)

ص: 37

1- بخشی ز ملک تا ملکوت دفتر دوم ص 44

2- شمس الشموس، دلشده، ص 99

3- در روایت هم آمده است کسی که برای نماز اذان تنها بگوید یک صف ملائکه به او اقتدا کنند و اگر اقامه هم بگوید، دو صف ملائکه به نمازگزار اقتدا می کنند. (صداقت، روح وریحان و صحبت جانان، ص 182)

حضور قلب، حاضر شدن با تمام اعضا و جوارح در برابر خداوند متعال هنگام نماز است؛ به طوری که اندیشه ذهن روح و روان او کاملاً متوجه رب العالمین باشد. آیت الله نخودکی اصفهانی رحمه الله می فرماید:

ای عزیز! این نهایت ارتفاع سیر هر سالک و رهرو است که بلاواسطه با خداوند خطاب می کند و جمله ی مبارکه ی: (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) را در هر نماز تکرار می کند!

اینک ملتفت باش که در این مقام غافل نباشی و حواس و اندیشه ی خویش را تنها به سوی او داری. (1)

هم چنین در بیان دیگری ایشان می گوید:

همین قدر بدانید که همچنان که اگر کسی بخواهد خوشنویس شود، به آسانی ممکن نیست و باید زحمت بکشد و مواظبت نماید تا درست شود و از همان اول مرتبه ممکن نیست هم چنین حضور قلب برای انسان از ابتدا مشکل است. باید مقید شد که نماز در اول وقت گزارده شود و برای انجام نمازها در اول وقت باید از هر کاری دست کشید سپس لازم است که معانی کلمات نماز را درک، کرد آن گاه نکات و مزایای دیگر باری سعی کنید که معانی نماز را خوب بفهمید و در هنگام قرائت به معانی مزبور توجه نمایید و در طریقه ی، حقیر اصل همه ی کارها توجه به معانی نماز است، بعد چیزهای دیگر. (2)

وقتی راه های مذکور در کلام آیت الله نخودکی طی شد، روح نمازگزار آماده پذیرش حقایق دیگری می گردد. در کلام آیت الله ملکی تبریزی رحمه الله آمده است:

گاه روح نمازگزار رو به سوی عالم بالاتر می نماید و خود را از یاد دنیای بی ارزش، تهی می سازد بدین گونه اندیشه و فکرش را از بعضی بندها رها می کند و تحت

ص: 38

1- مقدادی، اصفهانی نشان از بی نشان ها ص 327

2- همان، ص 116-117.

تأثیر عوالم نورانی بالا قرار می گیرد و در این حال، گاه پرده از روی بعضی حقایق قرآنی برداشته می شود و آن حقایق کشف شده بر دل او آشکار می گردند و او از این کشف و تجلی چنان فایده ای می برد که با سال های سال عبادت، به آن فایده نمی رسد.

گاه حقیقت نام های خداوند متعال هنگام قرائت برای بنده مکشوف می گردد و جسم بنده نمی تواند بار آن را تحمل کند؛ در نتیجه، از هوش می رود. (1)

شهید مطهری نیز در بیان زیبایی توضیح می دهد:

می گوئیم آقا در نماز حضور ذهن داشته باش می گوید نمی شود! اگر نمی شد، نمی گفتند داشته باش مراقبه نداری اگر مراقبه، کنی می توانی در نماز حضور قلب داشته باشی مراقبه، کن خیال تو در اختیار تو قرار می گیرد، خیال یعنی خاطر ذهنی بدون اجازه ی توبه ذهنت نمی آید تا چه رسد به قسمت های دیگر. (2)

در کتاب «زمزم عرفان» آمده است: از آیت الله بهجت رحمه الله پرسیدم:

-راه رسیدن به حضور قلب در نماز چیست؟

-ایشان پاسخ دادند:

دو کار در کنار هم:

1. [نمازگزار] به وسوسه های شیطانی که غیر اختیاری پیش می آید، کاری نداشته باشد؛

2. هر وقت در نمازش توجه پیدا کرد اختیارا به غیر خدا توجه نکند.

سپس در توضیح این مطلب فرمودند:

شیطان می خواهد اختیارا انسان را متوجه غیر خدا کند وقتی دید که در حال، اختیارا به غیر خدا توجه نمی کند او را رها می کند. (3)

ص: 39

1- ملکی تبریزی اسرار الصلوه، ص 328

2- مطهری گفتارهای معنوی، ص 261

3- محمدی ری شهری، زمزم عرفان، ص 86

حضور قلب مداوا می خواهد

آقای ری شهری در خاطره ای دیگر نقل می کند که «نکته ی جالب توجه این که در سال 1376 با آیت الله بهجت رحمه الله داشتم، از ایشان تقاضا کردم که دعا کنند تا بتوانم در نماز، حضور قلب داشته باشم. ایشان در پاسخ فرمودند:

دوایی است، دعایی نیست.

کلام ایشان اشاره به این بود که دعا بدون برنامه ریزی و تلاش نتیجه ای ندارد؛ نه این که دعا در این مورد بی اثر است بنابراین، بر اساس رهنمودهای آیت الله بهجت رحمه الله رعایت چند چیز در به دست آوردن حضور قلب در نماز مؤثر است:

1. مقید بودن به خواندن نمازهای پنجگانه در اول وقت؛

2. توجه نکردن به غفلت های غیراختیاری؛

3. لحظات توجه را عمدا از دست ندادن؛

4 اجتناب از لغو (سخنان و کارهای بیهوده). (1)

باید قلب انسان در نماز پیش نماز باشد

از دیدگاه شهید بهشتی انسان باید قلب خود را در نماز متوجه خدا و از هر آن چه غیر اوست، خالی سازد.

فرزند شهید بهشتی می گوید: «پدرم ... وقتی اقامه نماز را می خواندند حالتشان عادی بود؛ ولی وقتی تکبیره الاحرام را می گفتند، به وضوح می دیدیم رگ های گردن ایشان متورم می شود قبل از تکبیره الاحرام عادتشان این بود که

ص: 40

چشم هایشان را می بستند و تمرکز عجیبی پیدا می کردند که معلوم بود، دارند همه اعضا و جوارحشان را متوجه حضور در محضر حق تعالی می کنند تکیه کلام ایشان این بود که در موقع نماز باید قلب انسان پیش نماز باشد و بقیه جوارح و اعضای انسان به قلب نمازگزار اقتدا کنند. (1)

رُخ به رخ با خدا

نماز آیت الله سید محمد تقی خوانساری رحمه الله حدیث شگفتی دارد. نماز او رهایی روح از کالبد جسم بود و چه زیبا بود...! او حضور خدا را با همه ی وجود خود احساس می کرد نشاط حضور در نمازش نمود چشمگیری داشت. آیت الله اراکی رحمه الله که از نزدیکان آن فقیه مجاهد بود در مورد نماز ایشان اظهار داشته اند:

آن چه من فهمیدم درباره ی حالت های ویژه اش در نماز، که وقتی جمعی از ایشان در این مورد پرسیدند او در جواب گفت من در نماز که می ایستم مثل این که با خدا شفاهی دارم صحبت می کنم؛ گانه رُخ به رُخ. هستم سرو کارش با خالق بود با پروردگار آسمان و زمین بود و می دانست که این نماز چه معنایی دارد و معنای نماز چیست. (2)

حضور قلب در نماز یعنی این که انسان به جایی برسد که بداند رخ به رخ با خدا دارد حرف می زند

ص: 41

1- سایت تبیان «در نماز قلب باید پیش نماز باشد» کد: 95578

2- انصاریان خوانساری، مرزبان ایمان و یقین آیت الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری، ص 45

یکی از شاگردان آیت الله شیخ محمد شاه آبادی رحمه الله، نقل می کند:

روزی درس او در مسجد حجتیه بود و شاگردان دیرتر از استاد به جلسه درس آمده بودند و استاد به نماز ایستاده بود ما از در ورودی که روبه روی محل نماز خواندن ایشان بود وارد شدیم و در محل درس که پشت سرایشان بود به انتظار نشستیم و فکر می کردیم که استاد از ورود ما باخبر شده است؛ اما استاد با اتمام نماز اول دوباره به نماز ایستاد بعد فهمیدیم که ایشان آن قدر در یاد خدا و توجه به حضرت حق تعالی غرق بوده اند که حتی ورود شاگردان را متوجه نشده بودند. (1)

خادم مسجد بازار تهران نقل می کند که مشغول اقامه ی نماز در شبستان بوم از بالای محراب از یک پنجره ی باز ماری جلوی سجاده ی آقای شاه آبادی رحمه الله (2) افتاد جماعت [از ترس] پراکنده شد؛ اما ایشان نماز را ادامه دادند و مار بعد از نماز از آن جا دور شد و ایشان از شدت حضور قلب متوجه مار نشدند». (3) همچنین به نقل از مکبر آقا در مسجد آمده است:

من بچه که بودم، مکبر مرحوم آیت الله العظمی شاه آبادی در مسجد جامع بازار بوم ایشان به قدری در خواندن حمد و سوره در نماز حالت روحانی و ملکوتی پیدا می کردند که من با همان عالم کودکی که داشتم جذب این حمد و سوره خواندن ایشان می شدم و معنویت و روحانیت ایشان در نماز فوق العاده مرا مجذوب می کرد؛ به گونه ای که یادم می رفت تکبیر را بگویم. (4)

ص: 42

1- جمعی از پژوهشگران گلشن ابرار، ج 12، ص 623

2- آیت الله محمد علی شاه آبادی استاد عرفان حضرت امام خمینی

3- شمس الشموس، آسمانی، ص 37.

4- همان، ص 45

حضور قلب مستلزم آن است که انسان پیش از اقامه ی نماز هر آن چه در ذهن خود از اتفاق های پیشین دارد به کناری نهد و خود را آماده ی حضور در محضر خدا یابد. اگر چنین نباشد خطورات ذهنی در نماز به انسان هجوم می آورند و ذهن را از تمرکز و حضور باز می دارند.

مرحوم حاج شیخ الاسلام فرمود شنیدم از عالم بزرگوار و سید عالی مقام امام جمعه بهبهانی که در اوقات تشریف به مکه معظمه، روزی به عزم تشریف به مسجد الحرام و خواندن نماز در آن مکان مقدس از خانه خارج شدم. در اثنای راه خطری پیش آمد و خداوند مرا از مرگ نجات داد و با کمال سلامتی از آن خطر رو به مسجد آمدم. نزدیک در مسجد، خربزه ی زیادی روی زمین ریخته و صاحبش مشغول فروش آن ها بود قیمت آن را پرسیدم، گفت: آن قسمت فلان قیمت و قسمت دیگر ارزان تر و فلان قیمت است. گفتم: پس از مراجعت از مسجد، مقداری می خرم و به منزل می برم. پس به مسجد الحرام رفتم و مشغول نماز شدم در حال، نماز در این خیال شدم که از قسمت گران آن خربزه بخرم یا قسمت ارزان ترش و چه مقدار بخرم و خلاصه تا آخر نماز در این خیال بودم و چون از نماز فارغ شده و خواستم از مسجد بیرون، روم، شخصی از در مسجد وارد و نزدیک من آمد و در گوشم گفت خدایی که امروز تو را از خطر مرگ نجات بخشید آیا سزاوار است که در خانه ی او نماز خربزه ای بخوانی؟ فوراً متوجه عیب خود شده و بر خود لرزیدم خواستم دامنش را بگیرم اما او را نیافتم. (1)

ص: 43

فصل سوم: نماز اول وقت

اشاره

ص: 45

نماز اول وقت و اهمیت آن

نماز اول وقت نزد معصومین علیهم السلام و علمای ربانی از آن چنان اهمیتی برخوردار است که یکی از ملاک های شیعیان امیر مؤمنان علیهم السلام دانسته شده است. در روایتی از امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است:

(اِخْتَبِرُوا شَيْعَتِي بِخَصِّ مَلَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتَا فِيهِمْ فَهُمْ شَيْعَتِي مُحَافِظَتُهُمْ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ وَ مُوَاسَاتُهُمْ مَعَ إِخْوَانِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ بِالْمَالِ وَإِنْ لَمْ تَكُونَا فِيهِمْ فَأَعْرَبُ ثُمَّ اغْرُبُ ثُمَّ اغْرُبُ) (1)

با دو خصلت شیعیان مرا آزمایش کنید پس اگر این دو خصلت در آن ها بود شیعه ی واقعی هستند یکی رعایت اوقات نماز است (به این معنا که نماز را در اول وقت آن به جای آورند). دیگر در مال خود با برادران ایمانی به مواسات رفتار کنند اگر دو خصلت فوق در آن ها نبود پس [از آن ها] دوری کن، دوی کن و دوری کن.

اما نماز اول وقت را در بعضی از مواقع می توان به تأخیر انداخت. این موارد در حدیثی بدین صورت آمده است:

1. کسی که چهار رکعت از نافله ی شب را خوانده اذان صبح می شود. مستحب است نماز صبح را به تأخیر بیندازد تا نماز شب را کامل کند؛

2. روزه داری که ضعف بر او غلبه کرده باشد یا جمعی منتظر او باشند بهتر است نماز را تا بعد از افطار به تأخیر اندازد؛

3. کسی که در حال خودداری از بول [ادرار] و غائط [مدفوع] است، مکروه

ص: 47

1- الشعیری جامع الاخبار الفصل السابع في فضائل شیعه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، ص 35.

است نماز بخواند؛ پس باید برای قضای حاجت نماز را به تأخیر بیندازد؛

4. مسافری که می داند تا چند لحظه ی دیگر به جایی می رسد که برای نماز مناسب تر است؛

5. امام جماعتی که منتظر مأموم است یا برعکس؛ مستحب است نماز را تا رسیدن هر کدام به تأخیر بیندازد؛

6. جایی که اگر نماز را به تأخیر بیندازد به مکان شریفی (مثل مسجد، حرم امام زاده و...) می رسد یا این که در آن مکان حضور قلب بهتری پیدا می کند مثلاً تأخیر کردن مغرب و عشا برای کسی که از عرفات به مشعر کوچ کند تا رسیدن او به مشعر و اگر چه یک چهارم شب بگذرد؛

7. تأخیر نماز ظهر و عصر برای نافله گزار تا از نافله فارغ شود؛

8. تأخیر نماز عشا تا وقتی که سرخی مغرب برطرف شود؛

9. صاحب استحاضه کثیره هر يك از نماز ظهر و مغرب را تا آخر وقت فضیلت تأخیر بیندازد تا میان نماز ظهر و عصر و میان نماز مغرب و عشا به يك غسل جمع کند؛

10. کسی که مشغول قضای نمازهای واجب باشد که از او فوت شده است. مستحب است که نماز ادا را تا آخر وقت تأخیر بیندازد؛

11. زنی که مربی یا نگه دارنده ی کودک است، نماز ظهر و عصر را تا آخر وقت به تأخیر می اندازد تا نماز را در لباس پاک یا لباسی که نجاستش کم تر است، بخواند؛

12. هرگاه نسبت به داخل شدن وقت نماز ظن داشته باشد و راهی برای

اثبات آن نداشته باشد مستحب است که نماز را تأخیر کند تا وقت نماز معلوم شود؛

13. کسی که به آب دست رسی ندارد و وظیفه اش تیمم است می تواند نماز را به تأخیر بیندازد؛

14. مبطون و سلسل البول نماز را به تأخیر می اندازد تا نمازها را باهم بخواند؛

15. کسانی که عذر دارند به امید برطرف شدن غدر و خواندن نماز به صورت بهتر و کامل تر نماز را به آخر وقت می اندازند؛

16. کسی که مسائل نماز و شکایات و سهویات را نمی داند می تواند برای یاد گرفتن نماز را به تأخیر بیندازد.

17. به خاطر رسیدگی به حاجت، مؤمنی نماز به تأخیر بیفتد. (1)

بزرگان هیچ گاه نماز را سبک نمی شمردند و تمام تلاش خود را می کردند تا موانع نماز اول وقت را برطرف نموده و در زمان خود، به اقامه ی آن پردازند. خانم فاطمه طباطبایی (همسر سید احمد خمینی رحمه الله) و عروس حضرت امام خمینی قدس سره می گوید:

یک بار به امام عرض کردم: «سبک شمردن نماز شاید به این معنا باشد که شخص، نمازش را یک وقت بخواند و یک وقت نخواند. امام فرمودند: نه، این که خلاف شرع است که کسی نمازش را نخواند. منظور امام صادق علیه السلام (2) این بوده است که مثلاً وقتی ظهر می شود و فرد در اول وقت نماز نمی خواند

ص: 49

1- نراقی، تحفه الرضویه، ص 287؛ موسوی خمینی رساله توضیح المسائل و سایر رساله های توضیح المسائل احکام وقت نماز

2- اشاره به این حدیث امام صادق علیه السلام است: (الَاتِنَالُ شَفَاعَتُنَا مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ)؛ «کسی که نماز را سبک بشمارد هرگز به شفاعت ما اهل بیت نخواهد رسید.» (مجلسی، بحار الانوار، ج 47، ص 2)

در واقع به چیز دیگری رجحان داده است و به دلیل این رجحان نماز را سبک شمرده است. (1)

1. نماز اول وقت پاسخ به خدا

باید دانست که نماز، سخن گفتن با خداست و نماز اول وقت، پاسخ به خداست که با اذان، ما را به سوی خود می خواند آیت الله مجتهدی رحمه الله می گوید:

اگر سر ظهر پدرت تو را صدا بزند و تو همان موقع بگویی بله، می گوید: «بیا پدرجان! کارت دارم. ولی اگر بعد از ظهر بروی بگویی: پدرجان ظهر مرا صدا کردید چه کار داشتید؟» پدر می گوید: «الان جواب می دهی؟ من ظهر تو را صدا زدم». نماز هم چنین است؛ یعنی خداوند اول ظهر صدا می زند: (قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ)؛ ولی تو بعد بروی و بگویی: (الله اکبر) (2)

2. سفارش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به نماز اول وقت

یکی از افرادی که با آیت الله حق شناس رحمه الله مأنوس بود و نزدیک به چهل سال در مسجد امین الدّوله [تهران] و در محضر ایشان رفت و آمد داشت، نقل می کند

در یکی از سال های خیلی، دور ... آیت الله حق شناس در قسمتی از یکی از موعظه های هفتگی درباره ی جماعت و نمازهای اول وقت مطالبی را بیان فرمود ... حاج آقا می فرمود: «توجه و التزام به نمازهای جماعت و اول وقت از تأکیدات و دستورات معنوی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. یکی از رفقا به محضر حضرت بقیّة الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شرفیاب می شود در این تشرف، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این شخص را به نمازهای اول وقت و نمازهای جماعت توصیه می فرمایند.»

حاج آقا این قضیه را با این عنوان بیان می کرد: «یکی از رفقا...». این عنوان

ص: 50

1- ستوده، پابه پای آفتاب، ج 1، ص 181.

2- برخوردار، فرید آداب الطلاب، ص 380.

خیلی مرا کنجکاو کرده بود معنایش این بود ما او را می شناسیم. بدون تردید مشاهده ی فردی که به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرف شده باشد، برای هر شیعه لذت بخش است. من هم بسیار دوست داشتم بدانم آن شخص کیست. البته از پیش حدس زده بودم او چه کسی می تواند باشد؟!

در همان ایام در فرصتی مناسب با اصرار و سماجت جویای افشای نام آن شخص از سوی حاج آقا شدم عاقبت معلوم شد حدسم درست بوده و آن بزرگواری که به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شرفیاب می شود و به نمازهای جماعت و اول وقت توصیه می گردد خود آیت الله حق شناس بوده است. (1)

خود علما همواره عامل به حدیث فوق بودند و دیگران را نیز با عمل و، گفتار سفارش می کردند که نماز را در اول وقت به جا آورند یکی از فرزندان امام خمینی قدس سره می گوید:

امام قدس سره پیش همیشه می فرمودند: «در مورد نمازتان اهمال نکنید و به ما می گفتند: همین که شما می گوید اول این کار را بکنم بعد نماز بخوانم، این خلاف است. نگوئید این حرف را به نمازتان اهمیت دهید؛ اول نماز. (2)

همان طور که هر کاری وقت و زمانی، دارد نماز هم دارای وقت مخصوصی است که باید در زمان خود انجام گیرد و در غیر آن ارزش و فضیلتش را از دست می دهد.

3. انتظار برای نماز اول وقت

آیت الله شیخ جعفر سبحانی از امام خمینی قدس سره پرسید: «چند سال میرزا جواد آقا را درک کردید؟» امام قدس سره فرمودند: «من سه سال ایشان (3) را در قم دیدم.

ص: 51

1- سیف اللهی عبد کریم، ص 244 - 245

2- رجایی برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 70

3- مرحوم آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی

همین قدر می دانم که وقتی او می آمد و در فیضیه می نشست، مثل کسی بود که در انتظار هاتقی بود تا او را صدا بزنند برخیزد و نماز بخواند. یک نوع حالت انتظار داشت که وقت لقاء الله فرا برسد و برخیزد و نماز بخواند.» (1)

خود حضرت امام قدس سره پیش نیز همواره در طول عمر خود، برای به جا آوردن نماز لحظه شماری می کردند از خانم فاطمه طباطبایی (همسر سید احمد خمینی رحمه الله) نقل است:

امام واقعا هنگامی که نزدیک نماز می شد سر از پا نمی شناختند به هر کس که در اتاق، بود صراحتاً می گفتند بروید که وقت نماز است و همیشه در این لحظات یک تبسمی پیدا می کردند که آدم احساس می کرد انتظار لحظات شیرینی را می کشند. (2)

4. ساعت چنده؟

هم چنین خانم فاطمه طباطبایی در خاطره ای دیگر می گوید: «همیشه توجه ایشان [حضرت امام] به وقت نماز بود؛ یعنی مثلاً از موقعی که ساعت یازده شد، مرتب می پرسیدند: ساعت چنده؟ ساعت چنده؟ برای این که مقید بودند اول ظهر نمازشان را بخوانند ایشان همواره مراقب و منتظر اول وقت نماز بودند. باور کنید از ساعت 10:30 تا 12 نگران وقت نماز بودند. نمازشان را که می خواندند، یک آرامشی پیدا می کردند و سپس چشم ها را می بستند.» (3)

ص: 52

1- علی مددی، سیر و سلوک، معنوی، ص 25

2- رجایی برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 67

3- سایت قنوت (مرکز تخصصی نماز)، «انس امام خمینی به نماز اول وقت»، کد: 648

5. علاقه‌ی عاشقانه به نماز

انتظار برای نماز به سبب شدت علاقه و اشتیاق به نماز است. کسانی که از روی عادت یا برای اسقاط تکلیف نماز می‌خوانند، منتظر نماز نیستند. یکی از نوادگان حضرت امام قدس سره می‌گوید:

علاقه‌ای که حضرت امام قدس سره به نماز داشتند عاشقانه بود، نه از روی عادت پس مدتی قبل از اذان خود را مهیای نماز می‌کردند و این کار را واقعاً عاشقانه انجام می‌دادند در این اواخر که برای نماز جماعت خدمت ایشان می‌رسیدیم خیلی راضی به این کار نبودند و می‌فرمودند: «چون من با سختی بلند می‌شوم و می‌نشینم شما ناراحت می‌شوید نمازتان را خودتان بخوانید.» البته دوست داشتند که با خدای خود خلوت کنند و تا شب آخر هم نمازهای مستحبی ایشان ترک نشد. من یاد ندارم که حضرت امام نماز اول وقت را به تعویق انداخته باشند. (1)

یکی از نواده‌های امام قدس سره تعریف می‌کند:

امام به نماز اول وقت خیلی علاقه داشتند در آخرین روز که تقریباً ساعت ده شب بود که این اتفاق افتاد نماز مغرب و عشا را با اشاره خواندند در حالت بیهوشی بودند. یکی از دکترها رفت بالای سرشان و برای این که آقا را شاید به وسیله نماز بشود به هوش بیاورد گفت: آقا وقت نمازه. همین که گفت وقت نمازه آقا به هوش آمدند آمدند و نمازشان را با اشاره دست خواندند. از صبح آن روز هم مرتب از ما سؤال می‌کردند که چقدر به ظهر مانده؟ چون خودشان ساعت دم دستشان نبود و آن قدرت را نداشتند که به ساعت نگاه کنند، یک ربع به یک ربع از ما می‌پرسیدند نه به خاطر این که نمازشان قضا نشود به خاطر این که نماز را اول وقت بخوانند. (2)

ص: 53

1- «نماز اول وقت»، مجله طوبی شماره 7 خرداد و تیر 1385

2- رجایی برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 79.

یکی از ویژگی های آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله، اهتمام به اقامه ی نماز به ویژه نماز صبح در اول وقت بود و ایشان کسی است که نماز جماعت صبح در حرم حضرت معصومه علیها السلام را بنیان گذارد خود ایشان در یادداشتی این گونه می فرماید:

هنگامی که در قم سکونت کردم (1343ق)، صبح ها در حرم حضرت معصومه علیها السلام اقامه ی نماز جماعت نمی شد و من تنها کسی بودم که این سنت را در آن جا رواج دادم و از شصت سال پیش به این طرف صبح زود و پیش از باز شدن درهای حرم مطهر و زودتر از دیگران می رفتم و منتظر می ایستادم.

در زمستان ها بیلچه ای کوچک به دست می گرفتم و راه خود را به طرف صحن باز می کردم تا خود را به حرم برسانم. در آغاز خود به تنهایی نماز می خواندم. تا پس از مدتی یک نفر به من اقتدا کرد و پس از آن افراد دیگر هم آمدند و به این ترتیب نماز جماعت را در حرم آغاز کردم. (1)

خواندن نماز در اول وقت از ویژگی های زندگی ایمانی و به ویژه طلبگی است و طلبه نباید از انجام این عمل پر خیر و برکت غافل شود. اگر کسی می خواهد هم چون علمای بزرگوار و وارسته ی شیعه مورد لطف و رحمت و عنایت خاص الهی قرار گیرد، بایستی هم چون آنان از نماز اول وقت هرگز غافل نشود.

یکی از یاران حضرت امام می گوید: گاهی اوقات بعضی از طلاب که سر درس حضرت امام شرکت می کردند، نماز ظهر و عصرشان به نزدیک غروب می افتاد و در پایان درس امام، برمی خاستند و نماز می خواندند حضرت امام خیلی جدی از بالای منبر با این گونه طلاب برخورد می کردند و می فرمودند: «برای اهل علم درست نیست که نمازشان را

ص: 54

در حالات آیت الله محمد ارباب رحمه الله آمده است که «نمازهای ایشان بدون استثنا در اول وقت بود. تنها در یک مورد نماز را تأخیر می انداختند، آن هم به هنگامی بود که مهمانانی از سنخ خود داشتند یا در جایی مهمان بودند که معممین دیگری نیز در آن جا بودند بی شک به خاطر آن که مبدا آن ها را در شرایطی قرار دهد که موظف به اقامه ی نماز جماعت با ایشان باشند از این کار کراهت داشتند» (2)

حضرت آیت الله بهجت رحمه الله می فرمود:

مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی با همه گرفتاری ها و اشتغالات، علمی، تدریسی و تألیفی، اکثر نوافل و دعاها و زیارات مستحبی را انجام می دادند و حتی در سفر هم اصرار داشتند که این اعمال و عبادات ترک نشوند از دعاهای همیشگی ایشان این بود که از خدا می خواهم این توفیق را تا آخرین لحظه ی عمر از من نگیرد عاقبت هم در حالی که مشغول نماز بودند، هنگامی که سر به سجده گاه گذاشته بودند در همان حال از دنیا رفتند. (3)

ص: 55

1- «نماز اول وقت» مجله طوبی شماره 7 خرداد و تیر 1385

2- جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج 3، ص 355

3- دفتر انتشارات، انصاری فریادگر توحید، ص 87

علمای ربانی مثل بقیه مردم در زندگی خود دچار مشکلات و گرفتاری هایی می شوند که شرایط سختی را برای آن ها به وجود می آورد. با این حال، آنان در این شرایط نیز از یاد خدا و سخن گفتن با معبود خویش غافل نمی شوند و به نماز پناه می برند.

1. بیماری و نماز اول وقت

یکی از یاران حضرت امام این خاطره را درباره ی اهمیت نماز اول وقت در سیره ی عملی ایشان نقل می کند:

ظهر آن روزی که امام رحلت کردند یک ساعت به اذان ظهر مانده بود. امام حالشان خوب نبود کمک کردیم ایشان وضو گرفتند. دکتر عارفی به من گفت: امام نمی تواند دستشان را حرکت بدهند. شما دست آقا را بگیر. چون سرم در دست امام بود موقع تکبیر نمی توانستند دستشان را بالا بیاورند. لذا کنار امام نشسته، دستشان را در دستم گرفتم. آقا با آن حال نامناسبی که داشتند، نماز می خواندند که تا ساعت یک بعد از ظهر نماز ایشان ادامه داشت. (1)

افراد مختلفی که به نوعی با حضرت امام قدس سره در ارتباط بودند، چنین خاطره هایی را از روزهای آخر عمر ایشان نقل می کنند رهبر معظم انقلاب می گویند: حضرت امام تا آخرین لحظه ی حیات شان ذکر و نماز و دعا را نیز فراموش نکردند حاج احمد آقا فرزند عزیز ایشان می گفت: پیش از ظهر روز آخر حیات، امام ایشان روی تخت دائم نماز می خواندند. مدتی گذشت، بعد پرسیدند: ظهر شده است؟ گفتم بلی آن وقت خواندن نماز ظهر و عصر با نوافلش را شروع کردند بعد از اتمام، نماز مشغول ذکر گفتن شدند و تا لحظاتی که در حالت اغما به سر می بردند مرتب پشت سر هم می گفتند: «سبحان الله

ص: 56

والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر.» این برای ما درس است. ما که رهبرمان را دوست داریم، باید به کارها و روحیات او توجه کنیم و از آن درس بگیریم. (1)

2. اول نماز بعد امور دیگر

وقتی خداوند در نظر بعضی از افراد دارای چنان عظمت بزرگی و اهمیت باشد، امور دیگر نزد آنان بسیار کوچک خواهد بود و به هیچ وجه حاضر نخواهند بود امور بی ارزش دنیایی را با حرف زدن با خدا جایگزین کنند؛ چراکه آنان، موفقیت در سایر کارها را هم در گرو توفیق خداوند می دانند و توفیق خداوند در کارها با اهمیت دادن به نماز به دست می آید.

بعضی از بزرگان برنامه ی روزانه ی خود را با نماز تنظیم می کردند و وقت نماز محور برنامه ها بود، درس، کار جلسه پژوهش و سایر کارها به پیش و پس از نماز تقسیم می شد آیت الله مصباح یزدی نسبت به نگاه شهید بهشتی به نماز می گوید

در هر جلسه ای وقت نماز که می شد از جا برمی خواست تا نماز را اول وقت بخواند ایشان مدتی تبعیدوار به تهران منتقل شدند من گاهی به منزلشان سر می زدم. یک روز با قیافه بشاش گفت: «یک چیز جالبی در نهج البلاغه دیدم.» گفتم چه؟ گفتند در یکی از سفارشات امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: همه چیز را تابع نماز قرار بده و من از این جا استفاده می کنم که حضرت برنامه هایشان بر اساس نماز تنظیم می شد مثلاً فلان کار چقدر مانده به نماز یا چقدر بعد از نماز باید انجام پذیرد این روحیه از ایمان قوی و معنوی او حکایت داشت. (2)

ص: 57

1- سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت فرماندهان کمیته های انقلاب اسلامی، 1368/3/18، کد مطلب: 46142

2- مصباح یزدی هفته نامه، پرتو چهارشنبه 8 تیر 1379، ص 4.

3. نماز اول وقت شرط کار

آیت الله حق شناس از جمله علمای ربانی است که به نماز فوق العاده اهمیت می داد تا جایی که حتی در سنین جوانی شرط کار کردن را اقامه ی نماز در اول وقت قرار می دهد.

«یکی از محل های کار آیت الله حق شناس رحمه الله در بازار حسابداری در یکی از کارگاه های جوراب بافی بود. ایشان در هنگام قرارداد جویای حقوق ماهیانه اش می شود صاحب کارگاه حقوق را بین بیست تا بیست و پنج تومان معین می کند؛ ولی آقای حق شناس فقط به یک شرط به حقوق ماهیانه ی سه تومان رضایت می دهد صاحب کارگاه ناباورانه و با ذوق زدگی این پیشنهاد را قبول می کند آقای حق شناس شرطش این بود که در وقت های نماز برای رفتن به مسجد آزاد باشد و در عوض برای این مرخصی های یکی دو ساعته به جای بیست و پنج تومان، سه تومان حقوق بگیرد.

... پس از مدّت ها کار در آن، کارگاه یک روز در نزدیکی های ظهر متوجه می شود هیچ کس در کارگاه نیست آن کارگاه چندین کارگر و کارمند داشته است؛ ولی در آن، لحظه همه ی آن ها برای کاری بیرون رفته بوده اند.

ایشان به ناچار همه ی درها را قفل می کند و به سوی مسجد به راه می افتد. بعد از نماز وقتی به جلوی کارگاه بر می گردد با داد و فریادهای صاحب کارگاه روبه رو می شود. آن آقا با یک دهم، حقوق، طمع کارانه انتظار داشت ایشان این چنین موقعیت هایی را استثنا بدانند.

به قول حاج آقا حق شناس، بسته شدن مغازه های بازار در چنین ساعاتی،

به معنای اتفاق ناگوار برای صاحبش بود صاحب کارگاه همان لحظه ایشان را اخراج می کند. ایشان نیز بدون هیچ ناراحتی و اعتراضی آن تصمیم را می پذیرد و فقط با خونسردی و لبخند می گوید: «طبق قرارمان در این ساعات، هیچ تکلیفی نسبت به شما نداشته ام. در عوض مکلف بوده ام در این اوقات هر کاری، دارم رها کنم و بروم نماز را بخوانم خداحافظ شما!» (1)

4. اول، نماز بعد جلسه

حضرت امام قدس سره به نماز اول وقت خیلی مقید بودند. در اوج اشتغالها و گرفتاریها یا جلسه های مهم کشوری و بین المللی، به نماز اول وقت مقید بودند. مرحوم آیت الله توسلی نقل می کند.

روزی که سران کشورهای اسلامی برای قضیه صلح ایران و عراق خدمت امام آمده بودند وسط جلسه بود که اذان ظهر گفته شد. امام بلند شده و فرمودند: «من می خواهم نماز بخوانم». و چون مقید بودند به هنگام نماز خود را با عطر و ادکلن خوش بو کنند در همان جلسه به من اشاره کردند که ادکلن مرا بیاور و پس از ادکلن زدن به نماز ایستادند دیگران هم پشت سرایشان نماز جماعت خواندند. (2)

حتی حضرت امام در جلسه های مهم امنیتی نیز نماز را مقدم می داشتند. شهید والا مقام امیر صیاد شیرازی نقل می کند:

یک بار در جمع شورای عالی دفاع مرکب از حضرت آیت الله خامنه ای و جناب آقای هاشمی رفسنجانی و وزیر دفاع و فرمانده محترم کل سپاه، خدمت امام بودیم امام روی صندلی خودشان نشسته بودند و ما دور ایشان به طور

ص: 59

1- سیف اللهی، عبد کریم، ص 31 - 32

2- «مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین توسلی» مجله حوزه شماره 45 مرداد و شهریور 1370، ص 59.

نیم دایره نشسته بودیم وسط صحبت های ما بود که ناگهان امام بلند شدند و به طرف قسمت دیگر اتاق رفتند. اولین کسی که پس از این حرکت امام صحبت کرد آقای هاشمی بود که عرض کرد: «آقا! کسالتی عارض شد؟» چون تنها چیزی که در آن موقع به ذهن ایشان می رسید، این بود که ممکن است برای امام کسالتی عارض شده باشد؛ ولی امام فرمودند: «خیر، وقت نماز است.» و این جمله را با چنان لحن قاطعی بیان فرمودند که من به ذهنم رسید مثل این که تا به حال این طور به فکر نماز نبوده ام. بعد به ساعت نگاه کردم دیدم هنوز چند دقیقه به اذان ظهر مانده است. (1)

یک بار جلسه ی ما با آقای بهشتی رحمه الله به اذان مغرب رسید. نظر آقای بهشتی این بود که نماز را بخوانیم و بحث را پس از آن ادامه دهیم؛ ولی بعضی از افراد کار داشتند و می خواستند بحث ادامه یابد. ایشان پیشنهاد کرد که رأی گیری شود پس از رأی گیری، اقامه ی نماز در اول وقت رأی نیاورد. آقای بهشتی گفتند:

به رغم این که نماز رأی نیاورده است؛ ولی ما چه کاری واجب تر از نماز سراغ داریم؟ خداوند برای انجام کار دیگری در وقت، نماز هیچ خیری قرار نداده است. (2)

حجت الاسلام و المسلمین آقای قرائتی در خاطره ای می گوید:

سال 58 در خدمت شهید بهشتی رحمه الله بودیم عده ای از مهمانان خارجی هم حضور داشتند و ایشان گرم صحبت بودند تا صدای اذان بلند شد شهید بهشتی از حضار معذرت خواهی کرد و گوش های سجاده اش را انداخت و مشغول نماز شد. (3)

ص: 60

1- رجایی برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 62؛ به نقل از صیاد شیرازی، امام و دفاع مقدس، ص 65

2- رجایی، سیره شهید بهشتی، ص 356.

3- بهشتی، خاطرات استاد، ص 129

این جمله ی معروف از شهید محمد علی رجایی است که گفته بود:

به نماز نگوئید کار، دارم به کار بگوئید وقت نماز است. (1)

یکی از دوست داران آیت الله حق شناس رحمه الله در خاطره ای تعریف می کند:

سال ها، پیش خانه ی ایشان به تعمیری ساده نیاز پیدا کرده بود. من مقداری وسایل ساختمانی - مانند گچ و سیمان- تهیه کرده بودم و مشغول درست کردن گچ بودم که صدای اذان بلند شد. در این هنگام، حاج آقا مرا صدا زد و گفت: «داداش علی! بیا بالا با هم نماز بخوانیم.»

با خودم گفتم: «تازه گچ درست کرده، ام اسراف می شود. بنابراین بهتر است تندتند این ها را مصرف کنم و بعد برای نماز بروم.» لحظاتی بعد دوباره حاج آقا مرا صدا زد این بار باز هم گفتم چشم و با عجله ای بیشتر دوباره مشغول به کار شدم.

پس از لحظاتی حاج آقا با صدای بلند و با کمی عصبانیت فرمود: «مگر به شما نمی گویم بیایی «نماز!» با این فریاد، بقیه ی گچ ها را رها کردم و با عجله دست هایم را شستم و رفتم داخل اتاق و عرض کردم: «مقداری گچ درست کرده بودم می خواستم آن را استفاده کنم و بیایم تا خراب نشود.» حاج آقا فرمود: «خراب می شود که بشود الان وقت نماز است.»

حاج آقا بلافاصله به نماز ایستاد و نماز را دو نفری به جماعت خواندیم. بعد از اقامه ی نماز آیت الله حق شناس بعد از معذرت خواهی به جهت بالا بردن صدایشان فرمود: «داداش جون! شما قبل از شروع شدن اذان، ناخواسته مرتکب اسراف شده اید نه در هنگام شروع وقت نماز شما باید پیش از اذان فکر و حسابش را می کردید و گچ درست نمی کردید؛ ولی زمانی که وقت نماز شد، باید به نماز ایستاد.» (2)

ص: 61

1- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت حبیب و محبوب، ص 35.

2- سیف اللهی، عبد کریم، ص 161 - 162.

6. اول نماز، بعد درس

آیت الله حق شناس رحمه الله در خاطره ای از دوران تحصیل خود چنین یادآوری می کند:

آن زمان که رسائل و مکاسب می خواندم بهترین معلم ها برای من پیدا شد، ولی گفت: «باید اول ظهر بیایی!» از بس این استاد خوب بود، اغفال شدم. نماز اول وقتم را هیچ وقت ترک نمی کردم ها؛ ولی به خاطر این که این استاد خیلی خوب بود نماز را عقب انداختم و به درس رفتم باز روز اول یک خورده درس را فهمیدم؛ ولی از آن جا که پروردگار می خواست مرا هدایت کند و نجات بدهد، روز دوم هیچ نفهمیدم! پروردگار به لحاظ لطف لایتناهی خودش از من سلب شعور کرد! به استاد گفتم: «آقا من نمی آیم!» (1)

یکی از شاگردان مرحوم آیت الله شیخ محمد کوهستانی می گوید:

روزی با یکی از طلاب مشغول مباحثه بودیم و آقا در حسینیه مشغول تدریس بود همین که صدای اذان ظهر را شنید کتاب را بست و فرمود: باباجان! من دیگر نمی توانم درس بگویم. باید بروم نماز (2)

7. اول نماز بعد مصاحبه

مردان، الهی پرستش و قرب به خداوند را بر هر چیزی مقدم می دارند. حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی رحمه الله (فرزند امام) نقل می کند:

روز اولی که شاه، رفت ما نؤفل لوشاتو بودیم نزدیک به سیصد الی چهارصد خبرنگار در اطراف منزل امام جمع شده بودند. تختی شده بودند. تختی گذاشتند و امام روی آن ایستادند. تمام دوربین ها کار می کرد قرار بود هر چند نفر خبرنگار یک سؤال کند. دو سه سؤال از امام بیشتر شد که صدای اذان ظهر شنیده شد. بلافاصله امام آن جا را ترک کردند و فرمودند: «وقت فضیلت نماز ظهر می گذرد.» تمام مردم از این که امام بدون جهت صحنه را ترک کردند، تعجب کردند! کسی از

ص: 62

1- حق شناس مواعظ حق شناس، ج2، ص166 - 167.

2- کوهستانی برقله پارسایی، ص98

امام خواهش کرد چند دقیقه ای صبر کنید تا حداقل چهار پنج سؤال دیگر بکنند؛ ولی امام با عصبانیت به او فرمود: «به هیچ وجه نمی شود و رفتند.» (1)

آیت الله شیخ احمد مجتهدی رحمه الله در ادامه ی این جریان می گوید:

این گونه رفتارها و گفتارها بهترین راهنما برای شاگرد است؛ زیرا این فقط علم نیست بلکه علم توأم با عمل است؛ یعنی وقتی استاد مثلاً به اهمیت نماز اول وقت توصیه می کند و وقتی شاگرد استاد را ببیند که در تمام مراحل زندگی خود به این نکته کاملاً مقید است، است بیشتر به اهمیت و دل بستگی به آن پی می برد. (2)

8. اول نماز، بعد غذا

آیت الله سبحانی نقل می کند در چندین سالی که در خدمت امام خمینی قدس سره بودم، برجستگی ها و ویژگی های بارزی از ایشان دیدم از جمله ویژگی معظم له این بود که نسبت به نماز اول وقت خیلی مقید بود و در هیچ شرایطی، نماز اول وقت را ترک نمی نمود به یاد دارم در جلسه ای که به اتفاق دوستان ارجمند از جمله شهید آیت الله سعیدی و آیت الله خزئی با امام داشتیم هنگام اذان ظهر بود سفره هم پهن بود امام به ساعت نگاه کرد و برخاست و گفت: جایی بدهید تا من نمازم را بخوانم و با آرامش خاص به نماز مشغول شد. این تقید به نماز اول وقت روح نمازگزاری را در ایشان راسخ نموده بود و به همین جهت در تمام کارها نظم بسیار خوبی داشت. (3)

آن روز که امام (خمینی قدس سره) به بیمارستان منتقل گردیدند، سفارش فرمودند که ساعت اقامه نماز ظهر و عصر را به ایشان اطلاع دهند و در

ص: 63

1- رجایی برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 56.

2- برخوردار، فرید آفات الطلاب، ص 146 - 147

3- سایت قنوت (مرکز تخصصی نماز)، «ثواب نماز اول وقت»، کد مطلب: 1152.

مرحله اول نمازشان را خواندند و بعد به صرف غذا پرداختند. یکی از روزها در بیمارستان یک دفعه متوجه شدند که سینی حامل غذا وارد اتاق شد. پرسیدند: «مگر وقت اقامه نماز فرا رسیده؟» حاضرین در جوابشان گفتند: «بله، وقت نماز رسیده است.» امام با نهبی رویه حاضرین کرده و فرمودند: «پس چرا مرا بیدار نکردید؟» وقتی در جواب گفته شد: «به دلیل وضع خاص شما نخواستیم بیدارتان کنیم.» باز ایشان با ناراحتی گفتند: «چرا با من این شکلی برخورد می کنید؟ غذا را پس ببرید تا من نماز را اقامه سازم.» (1)

داستان زیر از آیت الله حق شناس رحمه الله، بسیار خواندنی و جالب توجه است.

روزی دایی مرحوم آیت الله حق شناس او را برای خریدن کباب به یکی از کباب فروشی های نام و نشان دار می فرستد آن روز، ظهر، دایی در تهیه ی ناهار عجله داشت، بنابراین آقای حق شناس به سرعت به جلوی آن کباب فروشی می رود تا هرچه سریع تر کباب بگیرد و به مغازه ی دایی برساند؛ اما آن روز آن کباب، فروشی بیشتر از روزهای دیگر شلوغ بود در انتهای صف می ایستد و پس از ده پانزده نفر نوبت به او می رسد.

در این هنگام صدای اذان بلند می شود. حالا دیگر وقت نماز شده بود. به کباب فروش می گوید: «الان نوبتم شده است؛ ولی اجازه بده نوبتم محفوظ بماند و من بروم نمازم را بخوانم و برگردم.» کباب فروش لجبازی می کند و می گوید: «نه خیر! نمی شود یا همین الان کبابت را می خری و می بری یا این که اگر بروی، دوباره باید در انتهای صف بایستی.»

با این جواب بدون هیچ اعتراضی به سوی مسجد به راه می افتد نمازها را اقامه می کند و دوباره برمی گردد در انتهای صف می ایستد. کباب فروش روی دنده ی لج افتاده بود. گاهی نگاهش به این مشتری نوجوان و به انتهای

ص: 64

صف بازگشته اش می افتاد، ولی خود را به بی خیالی می زد. پس از چندین، نفر نوبتش می. شود کباب ها را می خرد و به سرعت خودش را به مغازه ی دایی می رساند یکی دو ساعت از ظهر گذشته بود خان دایی وقتی این تأخیر را به جهت رفتن به مسجد می بیند با عصبانیت یک سیلی به گوش آقای حق شناس می خواباند.

آقای حق شناس با گونه ی سرخ شده می گوید: «دایی جان! اگر می خواهید باز هم می توانید بزنید؛ ولی من تقصیری ندارم من مکلف هستم در وقت های نماز، هر کاری دارم رها کنم و بروم نماز را بخوانم.» (1)

9. اول نماز بعد پرواز

با شهید بزرگوار آیت الله دستغیب رحمه الله برای انجام حج عمره هم سفر بودیم. هواپیما از تهران به طرف بیروت پرواز کرد تا از آن جا عازم جده شویم. در فرودگاه بیروت چند ساعتی معطل شدیم. اذان مغرب بود که هواپیما آماده پرواز شد شهید دستغیب خیلی سعی می کرد نماز مغرب و عشاء را اول وقت بخواند؛ اما درهای هواپیما بسته بود و نمی شد کاری کرد ایشان چند بار خواستند پیاده شوند که مانع شدند. تأخیر هواپیما به حدی انجامید که اگر به جده می رسیدیم، نماز قضا می شد.

شهید دستغیب از این که نمی توانست به نمازش برسد خیلی ناراحت بود. ما نیز تشویش داشتیم؛ ولی ایشان خیلی نگران فوت نماز بود. موتور هواپیما که روشن بود يك دفعه با نقص فنی روبه رو شد خدمه هواپیما ناگهان درب هواپیما را باز کردند تا نقص هواپیما برطرف شود. همه پیاده شدیم همراه شهید دستغیب بودیم خدمه می گفتند شاید چند ساعت

ص: 65

طول بکشد تا هواپیما آماده ی پرواز شود نماز را که خواندیم، خبر دادند که هواپیما آماده پرواز است سوار شوید. من هنوز در حیرت این راز بودم که میان نماز شهید و نقص هواپیما چه سری نهفته است. (1)

آثار نماز اول وقت

اشاره

در فرمایش های مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه آمده است:

شما می توانید خودتان را متوجه به معانی مترقی و متعالی معنوی کنید؛ این را برای خودتان در نظر بگیرید توجه به نماز اهتمام به نماز خیلی تأثیر دارد. نماز را با توجه خواندن اول وقت، خواندن با حضور قلب خواندن با تمرکز خواندن خیلی اثر دارد. (2)

نماز دارای آثار فردی و اجتماعی زیادی است که در آیات و روایات به آن ها اشاره شده است و به طور طبیعی همان آثار برای نماز اول وقت بلکه به صورت شدیدتر وجود دارد در این جا به برخی از آثار و فواید پرداخته می شود که در گفتار و سیره ی علما در مورد نماز اول وقت آمده است.

ص: 66

1- دستغیب، یادواره شهید حضرت آیت الله حاج سید عبدالحسین دستغیب.

2- سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای بیانات رهبر انقلاب در دیدار با شرکت کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان 1391/7/12، کد مطلب: 21044.

رسیدن به مقامات عالی

علما و عرفای بزرگی که پس از سال ها عبادت، ریاضت و زحمت و سلوک، به مقامات معنوی بزرگی دست یافته اند، سخن یا عمل آنان، می تواند روشننگر دیگران در طی مقام های معنوی باشد. سفارش های آنان، هم چون گوهرهای نفیسی است که باید با جان و دل گوش کرد و چراغ راه نمود. آیت الله مصباح یزدی می گوید:

آیت الله بهجت رحمه الله از مرحوم آقای قاضی رحمه الله نقل می کردند که ایشان می فرمود: «اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالی، نرسد مرا لعن کند!» (1) و یا فرمودند: «به صورت من تف بیندازد!».

اول وقت سرّ عظیمی است. (حَافِظُوا عَلَی الصَّلَوَاتِ) (2) خود يك نکته ای است غیر از (أَقِمْوا الصَّلَاةَ). (3)

و همین که نمازگزار اهتمام داشته باشد و مقید باشد که نماز را اول وقت بخواند فی حد نفسه آثار زیادی دارد هر چند حضور قلب هم نباشد. (4) حجت الاسلام والمسلمین آقای محمدی ری شهری می نویسد: در دیداری که در سال 1384 با ایشان [آیت الله بهجت] داشتم، ضمن تکرار همین نقل از، استاد خود اضافه فرمودند:

ص: 67

1- حجت الاسلام والمسلمین آقای ری شهری در ضمن خاطره ای که این گفته را تأیید می نماید، این عبارت را از آیت الله بهجت نقل می کند هر کس نمازهای واجب یومیه را اول وقت بخواند به همه ی مقامات معنوی خواهد رسید. اگر نرسید مرا لعنت کند. (محمدی ری شهری زمزم عرفان ص 85)

2- نمازها را پاس دارید (بقره، آیه 238)

3- و نماز را به پا دارید (بقره، آیه 43)

4- غرویان در محضر بزرگان، ص 99

نگفت: «خوب بخواند» معلوم می شود که نماز اول وقت خواندن حضور قلب آور هم هست. (1)

ب) آثار دنیوی

اشاره

با آن که بیش از هر چیزی، آثار معنوی و اخروی نماز مهم هستند؛ ولی در کنار آن ها خواندن نماز اول وقت فواید دنیوی نیز دارد که به چند مورد در سیره ی علما اشاره می شود.

1. شاه کلید خواسته ها و نیازها

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام از امام حسن عسکری علیه السلام روایت می کند که فرمودند: خداوند متعال با حضرت موسی سخن گفت حضرت موسی عرض کرد: خدای من! کسی که نمازها را در وقتش به جای آورد، چه پاداشی دارد؟ خداوند فرمود: حاجت و درخواستش را به او عطا می کنم و بهشتم را برایش مباح می گردانم. (2)

نقل است جوانی نزد شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی رحمه الله آمد و گفت: سه قفل در زندگی ام وجود دارد و سه کلید از شما می خواهم! قفل اول این است که دوست دارم یک ازدواج سالم داشته باشم قفل دوم این که دوست دارم کارم برکت داشته باشد و قفل سوم این که دوست دارم عاقبت بخیر شوم.

شیخ نخودکی فرمود: برای قفل اول نمازت را اول وقت بخوان برای قفل دوم نمازت را اول وقت بخوان و برای قفل سوم هم نمازت را اول وقت بخوان!

ص: 68

1- محمدی ری شهری، زمزم عرفان، ص 85

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 82، ص 204.

جوان عرض کرد سه قفل با یک کلید؟! شیخ نخودکی فرمود: نماز اول وقت، «شاه کلید» است. (1)

2. رفع تنگ دستی و گرفتاری

آیت الله بهجت رحمه الله در درس خود خاطره ای را چنین نقل می کند:

از آقا سید عبدالهادی شیرازی (2) رحمه الله که ماشاء الله ، واقعا عالم حسابی بود نقل کرده اند که در کوچکی بعد از فوت پدرم (میرزای بزرگ) تکفل خانواده به عهده ی من بود. می گوید: ایشان را در خواب دیدم. از من پرسیدند: آقا سید عبد الهادی! حال شما چه طور است؟ می گوید: در جواب گفتم: خوب نیست! فرمود: به بچه ها و اهل خانه سفارش کنید که نماز اول وقت بخوانند، تنگ دستی شما رفع می شود. (3)

شاید بعضی از افراد بگویند که این مورد یک مورد و سفارش خاص است و نمی توان درباره ی همه چنین سفارشی را کرد؛ ولی باید دانست که وقتی بنده ای به خواست خدا در اول وقت پاسخ می دهد و حرف او را گوش می کند، خداوند نیز حرف بنده ی خود را گوش خواهد کرد. علاوه، در حدیثی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این مطلب اشاره کرده و ضمانت می کند که برطرف شدن گرفتاری ها و ناراحتی ها در گرو اهمیت دادن به وقت های نماز است. (4)

یکی از کارمندان عالی رتبه ی شهرداری نقل کرد که به علتی مرا از شهرداری

ص: 69

1- حسینی طهرانی مطلع انوار، ج 1، ص 163 و 164؛ همین مطلب با مضامین تقریبا یکسانی در کتاب «داستان هایی از نماز اول وقت ص 121» نیز آمده است.

2- از علما و مراجع تقلید زمان آیت الله العظمی حکیم رحمه الله ، که حدود شش ماه پس از وفات ایشان مرحوم شدند.

3- رخشاد در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت، ج 3، ص 188

4- عن الرسول صلی الله علیه و آله: (مَا مِنْ عَبْدٍ اهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ إِلَّا ضَمِنْتُ لَهُ الرُّوحَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ انْقِطَاعَ الْهَمُومِ وَالْأَحْزَانِ وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ)؛ هیچ بنده ای نیست که به اوقات نماز و مواضع خورشید اهتمام ورزد مگر این که آسودگی هنگام مُردن و از بین رفتن غم و اندوه ها و نجات از آتش را برایش ضمانت کنم. (قمی، سفینه البحار، ج 5، باب الصاد بعده اللام، ص 150).

اخراج کردند. رفتم خدمت حضرت شیخ. (1) ایشان فرمودند: نمازهایت را اول وقت بخوان! چهل روز دیگر کارت درست می‌شود. مدت یک ماه گذشت؛ اثری ظاهر نشد. مجدداً مراجعه کردم، فرمودند: گفتم چهل روز دیگر! هرچه فکر کردم آثاری و امیدی در ظاهر نبود روز چهارم در خیابان نزدیک یک قهوه‌خانه نشسته بودم.

شهردار سابق مشهد آقای محمد علی روشن با درشکه از آن محل عبور می‌کرد بلند شده سلام کردم درشکه را نگاه داشت. پرسید: چرا این جا نشسته‌ای؟ مگر کاری نداری؟ شرح حال خود را گفتم. گفت: با من بیا! با ایشان سوار در شکه شدم رفتیم به استانداری و فوری دستور داد رفع اتهام از من کرده مرا به خدمت برگردانند و درست قبل از ظهر چهارمین روزی که مرحوم حاج شیخ فرموده بودند حکم اعاده به خدمت مرا داده و مشغول کار شدم. (2)

3. تأمین زندگی آینده

آیت الله بهجت رحمه الله فرمود:

برخی علما با سفارش به نماز اول وقت و یا نماز شب زندگی آینده‌ی فرزندان‌شان را تأمین می‌کردند. (3)

این توجه بیانگر آن است که اهمیت به نماز با روزی انسان ارتباط دارد و می‌تواند مؤثر واقع شود.

ص: 70

1- آیت الله حسنعلی نخودکی اصفهانی رحمه الله.

2- مقدادی اصفهانی نشان از بی‌نشان‌ها، ص 101-102

3- رخشاد، در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت، ج 1، ص 85.

از آثاری که برای اهمیت ندادن به نماز اول وقت در گفتار و سیره ی علما آمده است می توان به مورد زیر اشاره کرد.

بی ارزش شدن عبادت ها

بنا بر اعتقاد آیت الله، نخودکی توجه نکردن به نماز اول وقت سایر عبادت ها را نیز بی ارزش می کند ایشان در وصیت خود به فرزندش می گوید:

اگر آدمی چهل روز به ریاضت و عبادت پردازد؛ ولی يك بار نماز صبح از او فوت شود، نتیجه ی آن چهل روز عبادت بی ارزش و «هَبَاءً منثوراً» (نابود) خواهد شد.

... سپس حاج شیخ حسنعلی می افزاید: «پسرم تو را سفارش می کنم که نمازت را اول وقت بخوان و از نماز شب تا آن جا که می توانی غفلت نکن.» (1)

ص: 71

درباره ی اهمیت نماز جماعت در قرآن و روایات، تأکید فراوانی شده است.

قرآن در آیه ای درباره ی نماز جماعت می فرماید:

(وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ)؛ (1)

و نماز را به پادارید و زکات را پردازید و همراه با رکوع کنندگان، رکوع نمایید.

جالب آن است که نمی گوید نماز بخوانید بلکه می گوید نماز را به پا دارید یعنی تنها خودتان نمازخوان نباشید بلکه چنان کنید که آیین نماز در جامعه انسانی برپا شود و مردم با عشق و علاقه به سوی آن بیایند. (2)

برخی نماز فرادا را به بهانه ی خلوت و انس و حال بر نماز جماعت ترجیح می دهند؛ در حالی که بزرگ ترین عرفای جهان انبیا و ائمه علیهم السلام بودند. آنان هر چه را که برای رشد و بالندگی امت خود لازم دیدند، گفتند و خود نیز به آن دستورها پای بند بودند. در روایت آمده است که لقمان به پسرش گفت:

پسرم! نمازت را با جماعت بخوان؛ حتی اگر بر سرنیزه باشی. (3)

در روایات اسلامی برای شرکت در نماز جماعت ثواب بسیاری شمرده شده است؛ تا جایی که اگر تعداد نمازگزاران بیش از ده نفر باشند ثواب هر رکعت از نماز هر يك از آنان قابل شمارش نیست. حدیثی در بیان فضیلت

نماز جماعت وجود دارد که می فرماید:

ص: 75

1- بقره، آیه 43

2- ر.ک: مکارم شیرازی و دیگران؛ تفسیر نمونه، ج 1، ص 209

3- کلینی، الکافی، ج 8، ص 348.

- اگر اقتدا کننده 1 نفر باشد پاداش 150 نماز داده می شود.
- اگر اقتدا کننده 2 نفر باشد پاداش 600 نماز داده می شود.
- اگر اقتدا کننده 3 نفر باشد پاداش 1200 نماز داده می شود.
- اگر اقتدا کننده 4 نفر باشد، پاداش 2400 نماز داده می شود.
- اگر اقتدا کننده 5 نفر باشد، پاداش 4800 نماز داده می شود.
- اگر اقتدا کننده 6 نفر باشد پاداش 9600 نماز داده می شود.
- اگر اقتدا کننده 7 نفر باشد، پاداش 19200 نماز داده می شود.
- اگر اقتدا کننده 8 نفر باشد، پاداش 36400 نماز داده می شود.

اگر اقتدا کنندگان و امام جماعت به 10 نفر رسیدند پاداش 72800 نماز دارد؛ ولی همین که عدد افراد از ده نفر گذشت حساب آن را جز خدا کسی نمی داند. (1)

به همین جهت است که علما و بزرگان دین به نماز جماعت بسیار اهمیت داده و همواره می کوشیدند در نماز جماعت شرکت کنند و از ثواب بی شمار آن بی نصیب نمانند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس نمازهای پنجگانه ی خود را به جماعت برگزار کند خداوند به او پنج چیز عنایت فرماید:

1. تنگی معاش را از او دفع می کند؛

2. فشار قبر را از او بر می دارد؛

3. روز قیامت نامه اعمال را به دست راستش می دهد؛

4. از صراط مثل برق می گذرد؛

5. بی حساب وارد بهشت می شود. (2)

ص: 76

1- نوری، مستدرک الوسائل، ج 1، ص 487؛ موسوی خمینی، توضیح المسائل، مسأله ی 1400.

2- باجلان ثواب نماز جماعت و گناه ترک آن، ص 3.

یکی از ملازمان حضرت امام قدس سره درباره ی حضور همیشگی امام در نماز جماعت می گوید:

امام تا وقتی که در قم بودند، حضورشان در نماز جماعت ترک نمی شد. شب ها در مدرسه ی فیضیه پشت سر مرحوم آیت الله حاج سید محمد تقی خوانساری، ظهرها در مدرسه فیضیه پشت سر مرحوم آیت الله حاج سید احمد زنجانی و گاهی هم ظهرها در مسجد گذر پشت سر مرحوم خوانساری. (1)

مرحوم آیت الله سید عزالدین زنجانی نیز در خاطره ای تعریف می کند:

از جمله ابعاد شخصیت، امام مراقبت بر حضور در نماز جماعت بود. به مناسبت این که مرحوم آیت الله محمدتقی خوانساری، یکی از مراجع بسیار بزرگ بود و از حیث علم و عمل نمونه بود و سابقه مبارزاتی ایشان هم معروف بود در جنگ مسلمان های عراق علیه انگلیس ها هم شرکت کرده بودند -، امام مرتب در نماز ایشان شرکت می جستند این که می گویم مرتب شرکت می کردند از روی دقت می گویم نه از روی مسامحه. (2)

1. چرا فرادا می خوانید؟

شیخ جعفر کاشف الغطا رحمه الله، مرجع تقلید و محقق بزرگ شیعه، در یکی از مساجد نجف اشرف نماز جماعت می خواند یک روز ظهر مردم در مسجد حاضر بودند. مدتی منتظر شدند ولی از آمدن شیخ خبری نشد. سرانجام مردم از آمدن او مأیوس شدند و هر کس نمازش را به فرادا خواند. در همان وقت شیخ جعفر وارد مسجد شد مردم را دید که نماز را به فرادا برگزار می کنند از دیدن آن صحنه ناراحت شد و با ناراحتی گفت: در میان

ص: 77

1- رجایی برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 47 - 48؛ به نقل از مجله حوزه شماره 37 - 38، ص 64.

2- همان به نقل از مجله حوزه، شماره 32، ص 83.

شما یک نفر مورد اعتماد نبود که در نبودن من به او اقتدا کنید؟ در گوشه ای از مسجد فرد صالحی را دید که نماز می خواند شیخ رفت و نماز را به او اقتدا کرد مردم هم در صف منظم پشت سر او نماز را به جماعت خواندند. (1)

2. در جست وجوی نماز جماعت

در سفری به مشهد مقدس ، نزدیک تهران ، مرحوم آیت الله سید بهاء الدین مهدوی رحمه الله در خاطره ای به فرزندش می گوید:

در سنین جوانی برای تبلیغ به یکی از روستاهای اطراف تهران رفته بودم و آن جا با شخصی آشنا شدم خوب است به آن جا رفته و احوالی از او بپرسم. ... وقتی به آن روستا وارد می شوندم پس از پرس و جو و تحقیق آن شخص را که پس از گذشت حدود پنجاه سال پیرمردی شده بود، می یابند.

مرحوم آیت الله مهدوی رحمه الله او را به یاد می آورند؛ ولی آن پیرمرد اصلاً ایشان را به جا نمی آورد تا این که به یاد قضیه ای می افتد و می گوید: «شما همان طلبه ای نیستید که هیچ وقت نمازش را فرادا نمی خواند و راه زیادی طی می کرد تا به فیض جماعت برسد؟»

او [پس از سال ها] فقط همین خصوصیت آیت الله مهدوی رحمه الله را به یاد داشت. (2)

یکی از دوستان مرحوم آیت الله سید بهاء الدین مهدوی رحمه الله تعریف می کند:

گاهی که با ایشان از شهر بیرون می رفتیم و حتی مواقعی که میهمان کسی بودیم مدتی پیش از ظهر مسجد و نماز جماعت را تدارک می دیدند. (3)

ص: 78

1- کارگر ، محمدیاری ، بهترین پناهگاه، ص 78.

2- مهدوی اسوه ، بندگی ص 101-102

3- همان، ص 102

3. برنامه‌ی منظم نمازهای جماعت

موقعی که خودشان [آیت‌الله سید بهاء‌الدین مهدوی رحمه‌الله] در مسجد، جماعت برپا می‌کردند، طبق روال عادی نماز را اقامه می‌کردند و وقتی هم که جماعتشان تعطیل بود در نماز جماعت دیگران شرکت می‌جستند؛ حتی اگر لازم باشد مسافت‌های طولانی بپیمایند.... صبح‌ها هم هر وقت در منزل بودند، با اهل خانه، جماعت تشکیل می‌دادند. (1)

در احوالات مرحوم سید حسین خوانساری، استاد میرزای قمی می‌نویسند که «نماز شب و زیارت عاشورا و نماز جماعت را ترک نکرد و هرگاه به مسجد نمی‌رفت در منزل با زن و فرزند خود نماز جماعت می‌خواند». (2)

4. سه وقت نماز جماعت

در بیان حالات و عبادت‌های علامه محقق سید محمدتقی شوشتری آمده است که ایشان نمازش را در صبح و ظهر و مغرب در مسجد به جماعت می‌خواند. بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب در محراب مسجد، قرآن و دعا می‌خواند و شب‌ها پس از نماز برای مردم مسأله و احکام می‌گفت. ایشان مقید به نوافل به خصوص نافله شب بود و در شرایطی که ایام نقاهت را با کهنولت سنی می‌گذارند و توان رفتن به مسجد را نداشت قسمت زیادی از وقت خود را صرف تلاوت قرآن می‌کرد. (3)

ص: 79

1- همان، ص 105.

2- مختاری سیمای فرزندگان ص 142 به نقل از مناہج المعارف، ص 179

3- کارگر محمدیاری بهترین پناهگاه (حکایات و داستان‌های نماز) عنوان «نماز جماعت در سه وقت».

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه از برنامه هایی که دارند و تقریباً می شود گفت که هیچ گاه ترک نمی شود این است که حداقل يك ساعت مانده به اذان صبح بیدار می شوند و تا اذان صبح به تهجد و شب زنده داری مشغولند. سپس نماز صبح را می خوانند.... یکی از توفیقاتی که ایشان دارند، این است که نمازهایشان همه به جماعت خوانده می شود، حتی نماز صبح. نماز صبح در درون خانه به جماعت خوانده می شود. نماز ظهر هم با شرکت تعدادی از ملاقات کنندگان و نیز افرادی که در دفتر هستند برگزار می شود گاهی وقت ها هم بعضی از افراد، از شخصیت ها و علمایی که از علاقه مندان ایشان هستند و دوست دارند نماز را با ایشان، بخوانند ظهر یا شب برای حضور در نماز جماعت به آن جا می آیند. (1)

مرحوم آیت الله شیخ غلامرضا یزدی به نماز جماعت اهمیت خاصی می داد ایشان تقریباً همه ی ایام سال نماز ظهر و عصر و مغرب و عشایش را به جماعت برگزار می کرد و بسیاری از سال ها مقید بود که حتی نماز صبحش را نیز به جماعت ادا کند. او حتی در سفر به قریه ها و روستاها نیز همین طریق را داشتند ایشان حتی در حال بیماری و در اواخر عمر با وجود کهولت سن نیز مقید بود نمازش را به جماعت ادا کند؛ طوری که مردمی که او را پیش از جان خود دوست داشتند او را برای رفتن به مسجد به پشت می گرفتند و به سوی محراب می بردند و بعد از پایان نماز، دوباره جناب شیخ را که دیگر توان راه رفتن نداشت به پشت گرفته و به خانه اش بر می گرداندند. (2)

ص: 80

1- احمدپور، ترکمانی نماز خوبان، داستان شماره 82

2- فهری، زنجانی پرواز در ملکوت، ص 112

در ایام بیماری مرحوم شیخ غلامرضا یزدی و کهولت سن ایشان، مردم مدتی برای آمدن او برای اقامه ی نماز منتظر شدند و وقتی انتظار طولانی شد، مشغول نماز به صورت فرادا شدند درست همین زمان حاج شیخ با حال بیمار و رنجورش وارد مسجد شد و بعد از این که در محراب قرار گرفت، مردم به او گفتند: ما گمان کردیم شما چون مریض حال هستید، تشریف نمی آورید ایشان جواب داد هرگاه دیدید شیخ برای نماز به مسجد نیامد، به خانه اش تابوت ببرید. (1)

آقا نجفی قوچانی در کتاب «حیة الاسلام» می نویسد:

آخوند [خراسانی] در دو وقت صبح و مغرب نماز به جماعت می گزارد؛ الا در ماه مبارک رمضان که هر سه وقت نماز را به جماعت ادا می نمود و نوافل شبانه روزی از آن جناب فوت نمیشد؛ لکن نه صرف ادای تکلیف باشد، بلکه روح جذبه ی حق از عبادتش هویدا بود.

یکی از همسایگان آن جناب می گفت بام خانه ما متصل به بام منزل ایشان بود و ایشان در سجده سوز و گذار و ناله ی دل خراشی داشتند که هر قسی قلبی می شنید محال بود که منقلب نشود گویا محب و اصلی است که داد از زمان فراق دارد یا عبد جنایتکاری است که این همه خوف و اضطراب دارد. (2)

5. نماز جماعت حتی در سختی

ظهر آن روزی که مرحوم حاج آقا مصطفی رحمه الله [فرزند امام خمینی قدس سره]، رحلت کرده بودند منزل امام پر بود از کسانی که برای تسلیت به محضر

ص: 81

1- همان، ص 113.

2- مختاری سیمای فرزندگان ص 143؛ به نقل از مرگی در نور، ص 394-394.

وقتی همه رفتند تا اذان ظهر شد امام بلند شده و تشریف بردند و وضو گرفتند و فرمودند: «من می روم مسجد» گفتم ای وای! آقا امروز هم برنامه ی همیشگی نماز جماعت خود را ترک نمی کنند لذا به یکی از خادم ها گفتم زود برود به خادم مسجد خبر دهد وقتی مردم فهمیدند که امام به مسجد می، آیند جمعیت از هر طرف به مسجد ریختند. (1)

هم چنین نقل شده است که حضرت امام قدس سره با آن گرمای شدید نجف اشرف در ماه رمضان که روزه می گرفتند و با این که در سنین کهولت بودند وضعف بسیاری داشتند تا نماز مغرب و عشاء را به جماعت به همراه نوافل به جای نمی آوردند، افطار نمی کردند. (2)

در کتاب «امیر شهر» آمده است در تمام عمر کسی را پایبندتر از حاج آقا بزرگ عراقی به نماز جماعت در مسجد ندیده و نشنیده ام.

یک بار که برای نماز جماعت صبح به سوی مسجد امام زاده می رفتم چشمانم به پیرمردی افتاد که در میان برف سنگین زمستان در سرایشی تند کوچه ای که به امام زاده ختم می شد نشسته و کشان کشان و آرام آرام خود را به سوی مسجد می کشد جلوتر رفتم و دیدم حاج آقا بزرگ است. (3)

یکی دیگر از مؤمنان که حاج آقا بزرگ را درک کرده بود، سوگند می خورد و می گوید:

من خودم پشت سر حاج آقا بزرگ بودم وقتی که در میان برف زمستانی به

ص: 82

-
- 1- رجایی سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی، ج 1، ص 65
 - 2- روحانی بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی در ایران، ج 1، ص 29.
 - 3- اکبر نژاد امیر شهر، ص 37-38.

سراشویی کوچه رسیدیم حاج آقا بزرگ روی زمین نشست و کشان کشان از آن پایین رفت تا خودش را به نماز جماعت صبح برساند. (1)

فروتنی در برپایی نماز جماعت

اشاره

تواضع و فروتنی از صفت های نیک اخلاقی است که حتی بزرگان دین، در اقامه ی نماز جماعت، می کوشیدند بر نفس خود غلبه کرده و برگزاری آن را به دیگران واگذار کنند.

اقتدا به شاگرد

علامه حسینی طهرانی رحمه الله درباره ی استاد خود علامه طباطبایی رحمه السلام نقل می کند:

از همان زمان طلبگی ما در قم که من زیاد به منزلشان می رفتم، هیچ گاه نشد علامه بگذارد ما با ایشان به جماعت نماز بخوانیم و این غصه در دل ما مانده بود که ما جماعت ایشان را ادراک نکرده ایم؛ و از آن زمان تا به حال مطلب از این قرار بود تا در ماه شعبان امسال [1401 ه. ق] که به مشهد مشرف شدند و به منزل ما وارد شدند ما اتاق ایشان را در کتابخانه قرار دادیم تا با مطالعه هر کتابی که بخواهند روبه رو باشند تا موقع نماز مغرب شد. من سجاده برای ایشان و یکی از همراهان که پرستار و مراقب ایشان بود، پهن کردم و از اتاق خارج شدم که خودشان به نماز مشغول شوند و سپس من داخل اتاق شوم و به جماعت اقامه شده، اقتدا کنم؛ چون می دانستم که اگر در اتاق باشم ایشان حاضر برای امامت نخواهند شد.

قریب يك ربع ساعت از مغرب گذشت صدایی آمد و آن رفیق همراه مرا صدا زد. چون، آمدم گفت ایشان همین طور نشسته و منتظر شما هستند که نماز بخوانند عرض کردم من اقتدا می کنم گفتند ما مقتدا هستیم عرض کردم استدعا می کنم بفرمایید نماز خودتان را بخوانید فرمودند: ما این استدعا را

ص: 83

داریم. عرض کردم: چهل سال است از شما تقاضا نموده ام که یک نماز با شما بخوانم تا به حال نشده است. قبول بفرمائید! با تبسم ملیحی فرمودند: يك سال هم روی آن چهل سال.

و حقاً من در خود توان آن نمی دیدم که برایشان مقدم شده و نماز بخوانم و ایشان به من اقتدا کنند و حالِ شرم و خجالت شدیدی به من رخ داده بود. بالاخره دیدم ایشان برجای خود محکم نشسته و به هیچ وجه من الوجوه تنازل نمی کنند من هم بعد از احضار، ایشان صحیح نیست خلاف کنم و به اتناق دیگر بروم و فرادا نماز بخوانم عرض کردم من بنده و مطیع شما هستم. اگر امر بفرمایید اطاعت می کنم فرمودند امر که چه عرض کنم؛ اما استدعای ما این است. من برخاستم و نماز مغرب را به جای آوردم و ایشان اقتدا کردند و بعد از چهل سال علاوه بر آن که نتوانستیم یک نماز به ایشان اقتدا کنیم امشب نیز در چنین دامی افتادیم. خدا می داند آن حالت سیما و آن حال حیا و خجالتی که در سیمای ایشان توأم با تقاضا مشهود بود، نسیم لطیف را شرمنده می ساخت و شدت و قدرتش جماد و سنگ را ذوب می کرد. (1)

یکی از صفت های بسیار برجسته آیت الله میرزا جواد تهرانی رحمه الله، تواضع ایشان بود. او خود را هیچ می دانست و حتی وصیت کرده بود که روی سنگ قبرش نامش را ننویسند. میرزا جواد آقا تهرانی هیچ گاه در محرابی به عنوان امام جماعت نایستادند، مگر زمانی که در جبهه های جنگ حضور داشتند. خود ایشان نقل می فرمودند وقتی دیدم این جوانان، جان خویش را در طبق اخلاص گذاشته و در راه خدا تا پای جان آمده اند، وقتی از من ناچیز، يك تقاضا دارند «که برایمان نماز بخوان»، شرمم آمد که این خواسته آنان را رد کنم!

ص: 84

آقا همیشه توصیه می فرمودند که نماز را به جماعت بخوانید؛ و خودشان هرگاه امکان داشت نماز را به جماعت یا به امامت غیر انجام می دادند. یکی از شاگردان ایشان نقل فرمود که برای دیدار با حضرت آیت الله العظمی اراکی به محضر ایشان رفتم صحبت از آقای میرزا جواد آقا تهرانی شد. حضرت آیت الله اراکی فرمودند برای آقا میرزا در نماز خلع روح حاصل می شد.

با این که خود حاضر نبودند در نماز جماعت امامت کنند؛ ولی حاضر بودند به هر طلبه ای اقتدا نمایند و گاهی بی خبر می دیدیم پشت سر یکی از شاگردان به نماز ایستاده اند. (1)

مرحوم آیت الله محمد باقر محسنی ملایری در مصاحبه ای به خاطره سفر دوم آیت الله العظمی بروجردی به مشهد اشاره کرده و می گوید:

در این سفر، مرحوم [آیت الله] حاج علی اکبر نهاوندی از ایشان خواست که به جای وی نماز جماعت قبول کنند ایشان هم بعد از تأملاتی پذیرفتند و ماه رمضان را در مکان آقای نهاوندی نماز خواندند بعداً مرحوم آقای نهاوندی برای من نقل کردند: چشمم آب آورده بود؛ لذا برای عمل به تهران رفتم. دیدم هنوز فرصتی تا عمل هست به عتبات مقدسه رفتم. در نجف اشرف مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی از من خواستند که در مکان ایشان نماز بخوانم. بعد از نماز مغرب در نافله ی دوم، آن صدایی را شنیدم که فرمود: جای دادی به تو جای دادیم؛ [عَظَمْتَ وَ لَدِي فَعَظَمْتُكَ]!

این قضیه را که من از آقای نهاوندی، شنیدم خدمت آیت الله بروجردی نقل کردم. اشک از چشمان ایشان بیرون آمد آن جمله علاوه بر عنایت مولی الموالی به مرحوم آیت الله بروجردی بر صحت انتساب ایشان نیز دلالت داشت. (2)

ص: 85

1- غرویان، جلوه های ربانی، ص 64

2- محسنی ملایری، «خاطراتی ویژه از زندگی آیت الله بروجردی»، مجله حوزه شماره 43 و 44، سال 1370

مسجد را چه کسانی آباد می کنند؟ و آبادانی آن آیا تنها با ساختن است. خداوند متعال می فرماید:

(إِنَّا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أَوْلِيٰكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ) (1)

مساجد خدا را تنها کسی آباد می کند که به خدا و روز واپسین ایمان آورد و نماز بر پا دارد و زکات بپردازد و جز از خدا نترسد. امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.

آبادانی مسجد هم به ظاهر آن که ساختن است، گفته می شود و هم به باطن آن و اصل روح و باطن آن است که به قصد، هدف، نیت، حضور، رونق بخشیدن و فعالیت مؤمنان بستگی دارد برای همین بعضی از علما تلاش داشتند با نماز خواندن در مساجد خراب و متروکه، به گونه ای باعث احیای آن شوند.

مردم علاقه مند بودند که لااقل يك فریضه خود را با مرحوم حاج شیخ عباس قمی به جا آورند و به همین اندازه از فیض وجودش بهره مند شده. باشند یکی از عادات این مرد این بود که اغلب اوقات نماز خویش را در مساجد متروکه به جا می آورد. اتفاقاً به محض اطلاع مردم روز به روز بر کثرت جمعیت افزوده می شد تا حدی که آن مسجد مورد علاقه ی مردم و به دست همان مردم تعمیر می گردید شیخ پس از انجام مقصودش دیگر به نماز در آن مسجد حاضر نمی شد و يك مسجد متروکه و مخروبه دیگر را

ص: 86

انتخاب می کرد و بدون اطلاع مردم چند نوبت ادای فریضه جماعت را در آن جا ادامه می داد. پس از چند روز باز مردم مطلع شده و از راه های بسیار دور برای درک نماز ایشان به آن مسجد می شتافتند و باز مسجد مخروبه دیگر معمور می شد. (1)

درباره ی حضرت امام خمینی قدس سره نیز آمده است که «در یکی از سفرهایشان که مصادف با ماه رمضان بود، در مسجدی دور افتاده، متروک و بسیار کوچک که بیش از یک اتاق گلی نداشت به اقامه نماز جماعت می پرداختند. این در حالی بود که عده ای از علما به ایشان پیشنهاد کردند که در مسجد جامع شهر اقامه ی جماعت کنند؛ اما امام قبول نکردند و فرمودند: در مسجد جامع کسی هست که اقامه ی جماعت می کند؛ ولی در این مسجد کسی نیست که اقامه جماعت کند؛ از این رو این مسجد را باید احیا کرد» (2)

مرحوم آیت الله شیخ غلام رضا یزدی رحمه الله سعی می کرد نماز جماعت را در مساجد مختلف به جای آورد وقتی به مسجدی می رفت و با حضور او نماز جماعت آن مسجد رونق می گرفت برای نمازهای بعد به مسجد دیگری می رفت و به این ترتیب سعی می کرد کاری کند که در تمام مساجد نماز جماعت پرشکوه برگزار شود و مردم متوجه اهمیت این موضوع باشند. (3)

حجت الاسلام آقای حسینعلی راشد فرزند مرحوم شیخ عباس تربتی درباره ی پدرش می نویسد:

ص: 87

1- «حاج شیخ عباس قمی حدیث نجابت (2)»، مجله، مبلغان شماره 90 اردیبهشت 1386

2- احمدپور نماز خوبان داستان شماره 77

3- فهری زنجانی پرواز در ملکوت، ص 113

در سال 1318 هـ - ش از تهران برای دیدن، پدرم آیت الله حاج آخوند مآلا، عباس تربتی (1251 - 1322 هـ - ق) و مادرم به تربت رفتیم. پدرم از تربت چند سالی بود به «کاریزک» بازگشته بود و در ده، زندگی آرامی را می گذرانید. در بهار آن سال بارندگی زیاد شده بود و چون خانه های ده، همه خشتی است، گنبدهای کوچک بسیاری از خانه ها خراب شده بود از جمله مسجد ده که دارای چهار گنبد کم ارتفاع خشتی از این قبیل بود سه تا از گنبدها به کلی فرو ریخته بود و از یکی دیگر نیمی ریخته و نیمه ی دیگر آن باقی مانده بود. به سبب پیش آمدهای آن چند سال مردم تقریباً در همه جا نسبت به امور دینی کم اعتنا تر گشته بودند و از این رو هنوز کسی برای نوسازی مسجد اقدام نکرده بود و آواره های فرو ریخته همچنان تپه خاکی در کف مسجد باقی بود. پدرم در زیر همان قسمت که نیمی از آن فرو ریخته بود مقداری از آوارها را کنار زده و حصیر را پاکیزه کرده بود و سه نوبت نمازش را می رفت و در همان جا می خواند روزی بعد از ناهار خواستم استراحت بکنم. پدرم برخاست و وضو گرفت و به مسجد رفت من نیز غنیمت دانستم که نماز جماعتی پس از چند سال با آن مرد الهی بخوانم وضو گرفتم و به مسجد رفتم از جانبی وارد شدم که مرا ندید و آهسته جلو رفتم. در رکعت دوم نماز بود و خدا می داند که میان این نمازش در حال، تنهایی در میان آوارهای فرو ریخته مسجد این ده با نمازی که چندی قبل در مسجد گوهرشاد (مشهد) به ایشان اقتدا کردم و نیمی از مسجد گوهرشاد و تمامی یک شبستان از جمعیتی که به او اقتدا کرده، پر بود از لحاظ طمأنینه و قرائت و همه ذکرهای واجب و مستحب، ذره ای تفاوت نداشت ... (1)

ص: 88

شیطان وسوسه گر است و هر لحظه از راه های گوناگون، می کوشد نفس انسان را وسوسه کند و او را در عبادت های فردی و جمعی به ریا وادارد حضرت علی علیه السلام فرمود:

به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشتیم: بعضی از افراد ما وقتی روزه می گیرند و نماز می خوانند شیطان به سراغ آنان می آید و می گوید: روزه و نماز تو برای «ریا» و خودنمایی است! در این صورت باید چه کنند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر چنین حالتی برای کسی از شما پیش آمد بگوید: خدایا! به تو پناه می برم از این که از روی، آگاهی برای تو شریکی قرار دهم و از آن چه از روی ناآگاهی هم (ممکن است، در اثر وسوسه شیطان پیش آید) استغفار و تقاضای آمرزش می نمایم. (1)

مطالعه ی زندگانی علما و بزرگان دین نشان می دهد که همواره تلاش داشتند از وسوسه های شیطان و نفس اماره به خدا پناه برند و تسلیم خواسته های آن نشوند.

روزی ملا- عبدالله شوشتری برای دیدن شیخ بهایی به منزل او آمد. ساعتی نشست تا اذان گفتند و موقع نماز شد شیخ بهایی از ملا درخواست کرد که نماز را همین جا بخوانید تا ما هم با شما نماز خوانده و به فیض جماعت نایل شویم ملا عبدالله مقداری فکر کرد و بعد از آن پاسخی نگفت و به منزل خود بازگشت.

بعضی از دوستان راجع به این جریان سؤال کردند که شما با اهتمام و اهمیتی که به نماز اول وقت می دهید، پس چرا در منزل شیخ نماز نخواندید؟ او گفت هرچه فکر کردم دیدم در صورتی که مثل شیخ بهایی، پشت سر من نماز بخواند در قسم يك تغییری حاصل می شود این بود که از ترس ریا، در منزل او نماز نخواندم. (2)

ص: 89

1- راوندی النوادر ترجمه صادقی اردستانی ص 306

2- خسروی پند، تاریخ، ج 1، ص 34؛ خوانساری، روضات الجنات، ص 366

1. سی سال در صف اول نماز جماعت

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رحمه الله در مورد یکی از عالمان بزرگ می نویسد:

از یکی از عالمان بزرگ نقل شده است که او سی سال در صف اول نماز جماعت اقتدا می کرد. پس از سی سال روزی به عللی نتوانست خود را به صف اول برساند؛ از این رو در صف دوم ایستاد و از این که مردم او را در ایستاد و از این که مردم او را در صف دوم دیدند، گویا در خود خجالتی احساس کرد. در این حال متوجه شد که در این مدت طولانی که در پیشاپیش مردم و در ردیف اول نماز جماعت می، ایستاد از روی ریا بوده است و براین اساس تمام آن سی سال نماز را قضا کرد

آیت الله ملکی تبریزی در ادامه می نویسد:

برادرم! بنگر به این عالم مجاهد و در مقام و منزلش دقت نمای که چگونه در این زمان دراز نماز جماعتش آن هم در صف اول فوت نگردیده و با این وصف، متصدی امامت جماعت نشد و بنگر به احتیاط، او که چگونه به خاطر یک شبهه این همه نماز را قضا کرد و از این جا عظمت امر اخلاص و اهمیتی را که علمای سلف برای آن قائل بوده اند دریاب. (1)

2. عمل به احتیاط

استاد فقید، مرحوم حاج شیخ محمود شهابی می گوید: آن زمانی که ایشان [آیت الله حاج شیخ عباس قمی] در مشهد مقدس بود خیلی دوست داشتم با ایشان ارتباط داشته باشم تا این که توانستم به ایشان نزدیک شده و رابطه ی صمیمی بین ما و ایشان برقرار شد و هر روز بر ارادت من نسبت به ایشان افزوده می شد. ماه مبارک رمضان فرا رسید و من و چند تن از دوستان از ایشان خواهش کردیم تا بر ما منت نهاده در مسجد گوهرشاد اقامه ی جماعت کند. با

ص: 90

اصرار و پافشاری، این خواهش را پذیرفت و در یکی از شبستان های مسجد گوهرشاد به نماز جماعت ظهر و عصر پرداخت. هر روز بر جمعیت نمازگزاران افزوده می شد تا این که کمکم شبستان مسجد کاملاً پر شد.

روزی بعد از نماز ظهر ایشان بلند شد و فرمود: من دیگر نماز جماعت نمی خوانم و بدون این که نماز عصر را بخواند از مسجد بیرون رفت. هر چه به ایشان اصرار کردیم که نماز عصر را بخواند نپذیرفت و دیگر آن سال برای نماز جماعت به مسجد نیامد.

بعد از چند روز ایشان را دیدم و از علت این کارشان سؤال کردم فرمود: آن روز در رکوع رکعت آخر نماز ظهر بودم که شنیدم کسی برای این که به نماز جماعت برسد و اقتدا کند با صدای بلند می گوید: یا الله! من برای لحظه ای احساس کردم آن قدر جمعیت زیاد شده است که این مرد از فاصله ی بسیار دور با صدای بلند یا الله می گوید تا من بفهمم فهمیدم تعداد جمعیتی که پشت سر من هستند بسیار زیاد است و همین مسأله باعث شادی و نشاط در درون من شد و خوشم آمد که این جمعیت به من اقتدا کرده اند. بنابراین من دیگر نماز جماعت نمی خوانم؛ چون فهمیدم که این نمازهایم برای خدا نیستند. (1)

ص: 91

1- قمی سفینه البحار، مقدمه التحقيق، ج 1، ص 9؛ عبد الله زاده دیدار با ابرار (27) محدث قمی حدیث اخلاق، ص 45 (با کمی ویرایش)

نماز جماعت، صحنه‌ی حضور مردم است و با حضور مردم تعامل‌ها و ارتباط‌ها شکل می‌گیرد و طبیعی است که مسأله‌ی حق الناس در این جا مطرح می‌شود. رعایت حق الناس از نکته‌های ظریفی است که هرکسی نسبت به آن‌ها توجه ندارد این رفتارهای کوچک و ظریف ولی در عین حال مهم را باید آموخت.

1. نباید کفش‌ها را لگدمال کرد

در نجف اشرف، روزی امام خمینی قدس سره برای برگزاری نماز جماعت خواستند وارد اطاق بیرونی شوند کفش کن اطاق از کفش‌های مردمی که برای شرکت در نماز جماعت گرد آمده بودند انباشته شده بود؛ به طوری که جای پا نهادن بر زمین نبود و ما روحانیون و بسیاری از فضلا بدون توجه پای خود را روی کفش‌های مردم می‌گذاشتیم و رد می‌شدیم و جز این هم چاره‌ای نبود. اما وقتی امام به کفش‌کن رسید و آن وضع را دید، توقف کرد و از پا گذاشتن روی کفش مردم خودداری ورزید و دستور داد کفش‌ها را از سر راه جمع کنند و راه را باز نمایند.

در این موقع خیلی از ماها تازه متوجه شدیم که پا نهادن بر روی کفش مردم، تصرف در مال غیر است و خالی از اشکال نخواهد بود. (1)

حضرت امام در طول مدتی که در نجف اشرف اقامت داشت، سالی چند بار به مناسبت زیارت‌های ویژه امام حسین علیه السلام به کربلا مشرف می‌شد

ص: 92

آن جا در منزل محقّری که یکی از اهالی کویت در اختیار آن حضرت قرار داده، بود سکونت می‌گزید. در کربلا- مغرب‌ها بیشتر در حسینیه مرحوم آیت‌الله بروجردی و ظهرها در همان منزل نماز جماعت به امامت امام اقامه می‌شد نماز جماعت منزل، بیشتر با شرکت جمع معدودی از دوستان در اتاق بیرونی و گاهی که جمعیت بیشتر می‌شد در حیاط منزل برگزار می‌شد.

مساحت حیاط حدود 50 متر بود و فرش هم به اندازه‌ی کافی نبود؛ از این رو افراد عباهایشان را تا می‌کردند و به عنوان سجاده و زیرانداز روی آن به نماز می‌ایستادند وقتی حضرت امام از اتاق اندرونی که پشت به قبله بود، برای اقامه‌ی نماز وارد حیاط می‌شدند برای رسیدن به جلوی جمعیت می‌بایست از میان صفوف جماعت عبور کنند تمام افراد حاضر بی‌گمان افتخار می‌کردند که عبایشان با قدم مبارک امام متبرک شود و علی‌القاعده امام نیز به این نکته واقف بودند با این حال هنگام عبور، چه از پشت صفوف که کفش‌ها بود و چه در مسیر که عباها پهن بود با حرکتی احتیاط آمیز و برداشتن گام‌های مناسب با دقت سعی می‌کردند که به هیچ وجه پایشان را نه روی کفش‌ها بگذارند و نه روی عباهای دیگران بدین‌گونه عملاً رعایت دقیق حق مردم را به مقلدان و پیروان خود می‌آموختند. (1)

ص: 93

در یکی از روزهای سرد زمستان [دوران انقلاب]، مسؤولین زندان برای آزار زندانیان به آنان فقط یک پتو می دهند؛ به گونه ای که هیچ کس از سرما خوابش نمی برد. در فضایی که هیچ کس جرأت اعتراض نداشت، شهید [آیت الله غفاری] محکم به درب زندان می کوبد. وقتی زندان بانان می آیند، می گوید: این آقایان مارکسیست ها سردشان است پتوی آقایان را بدهید مسؤول زندان می گوید: آشیخ شما دیگر چرا از منافقین و مارکسیست ها دفاع می کنید وی پاسخ می دهد هر چه هستند کمونیست یا مسلمان، فرق نمی کند یا ببرید آن ها را بکشید یا اگر قرار است زنده بمانند، پتو به آن ها بدهید... مسؤول زندان به خیال این که بهانه ای برای التیام زخم هایی که از زبان برنده و سرنترس شهید غفاری خورده بودند، می گوید: آشیخ! بگو پتوی من را بدهید تا فقط به تو یک نفر پتو بدهم شهید غفاری پاسخ داد: ما اگر می خواستیم «من» باشیم این جا نمی آمدیم. این جا که آمدیم، برای آن است که ما هستیم. حالا هم من سردم نیست، بدنم سالم است و قوی آقایان سردشان است. اگر پتوها را ندهید، همگی اعتراض می کنند و جنجال به راه خواهیم انداخت. سپس همگی شروع می کنیم به نماز خواندن و آقایان مارکسیست هم نشان می دهند که نماز خواهند خواند. حالا پتوها را می دهید یا زندان را به هم بریزیم و درها را بشکنیم؟

مسؤول زندان گفت: آشیخ اگر جنجال راه بیندازی، کتک مفصلی می خوری. کم کم صدای زندانیان درآمد و صداها اوج گرفت و آنان مجبور شدند به خواسته شهید غفاری تن در دهند وقتی پتوها را آوردند طنین صلوات

که شعار بچه های مسلمان بود از همگی برخاست و سپس مارکسیست ها نزد آقای غفاری آمدند تا نماز بخوانند و نماز جماعت برپا شد. (1)

3. خرج آبرو برای فقرا

روزی شیخ جعفر کاشف الغطاء، مبلغی بین فقرای اصفهان تقسیم کرد و پس از اتمام پول ها به نماز جماعت ایستاد بین دو نماز که مردم مشغول خواندن تعقیبات نماز، بودند، سائلی [گدایی] وارد شد و آمد مقابل امام جماعت و گفت ای شیخ مال جدم را به من بده. شیخ فرمودند: قدری دیر آمدی، متأسفانه چیزی باقی نمانده است. سائل با کمال جسارت، آب دهن خود را به محاسن شیخ انداخت شیخ بعد از اندکی تأمل برخاست و در حالی که گوشه ی عبای خود را در دست گرفته بود، به میان صفوف نمازگزاران داخل شد و گفت: هر کس شیخ را دوست دارد به سائل کمک کند مردم که ناظر این شکوه و عظمت این مرد بودند، اطاعت نمودند و گوشه ی عبا را پُر از پول کردند پس همه پول ها را آورد و به سائل تقدیم کرد و به نماز عصر ایستاد. (2)

ص: 95

-
- 1- گروهی از نویسندگان ستارگان: حرم اختران حریم معصومه، ج 3، ص 47 - 48؛ به نقل از غفاری، خاطرات هادی غفاری، ص 112.
 - 2- قمی، الفوائد الرضویه، ج 1، ص 140.

وقت نماز شب

نماز شب را در هر موقع از شب می توان خواند؛ ولی بهتر است که در نزدیکی اذان صبح خوانده شود وقت نماز شب از نیمه شب تا فجر صادق است و هنگام سحر از سایر مواقع بهتر است.

کیفیت نماز شب

نماز شب 11 رکعت است:

- 8 رکعت، آن که 4 تا 2 رکعتی است مانند نماز صبح به نیت نماز شب خوانده می شود.

- 2 رکعت آن که به نیت نماز شفع خوانده می شود، حمد و سوره بخواند؛ ولی بهتر است در رکعت اول آن بعد از حمد، سوره «ناس» و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره «فلق» خوانده شود.

- 1 رکعت، آن که به نیت نماز وتر» خوانده می شود، حمد و سوره بخواند؛ ولی بهتر است بعد از حمد 3 بار سوره «توحید» و 1 بار سوره «فلق» و 1 بار سوره «ناس» خوانده شود سپس قنوت بخواند.

قنوت نماز شب:

- 300 مرتبه «العفو»،

- 70 مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ»،

- 7 مرتبه «هذا مقام العائذ بك من النار»،

- برای 40 مؤمن طلب رحمت شود و گفته شود: «اللهم اغفر لفلان» و

ص: 99

به جای «فلان»، اسم هر مؤمنی را که بخواهد بگوید و سپس بگوید: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».

- می توان فقط یک قنوت مختصر خواند و گفته شود: «اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم».

اهمیت نماز شب

وجود آیات و روایات متعدد و سپس سخنان و توصیه های سالکان الی الله و عارفان واصل در فضیلت نماز شب گویای اهمیت آن می باشد؛ به طوری که یکی از عوامل مهم موفقیت اهل علم خواندن نماز شب شمرده شده است مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی از استاد خود آیت الله ملا حسینقلی همدانی چنین نقل می کند:

استادم به من فرمود: فقط متعجبین به مقاماتی نائل می گردند و غیر آنان به هیچ جایی نخواهند رسید. (1)

نزدیک به همین عبارت را مرحوم علامه طباطبایی از استاد عرفان خود آیت الله میرزا علی آقا قاضی طباطبایی رحمه الله نقل می کند که دیگر جای هیچ بهانه ای برای نخواندن نماز شب نمی گذارد. ایشان می گوید:

چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم به لحاظ خویشاوندی گاهگاهی به محضر مرحوم قاضی شرفیاب می شدم تا یک روز در مدرسه ای ایستاده بودم بودم که که مرحوم قاضی از آن جا عبور می کردند. چون به من رسیدند، دست خود را روی شانه ی من گذاردند و گفتند: «ای فرزند! دنیا می خواهی نماز شب بخوان؛ آخرت می خواهی نماز شب بخوان».

این سخن آن قدر در من اثر کرد که از آن به بعد تا زمانی که به ایران مراجعت

ص: 100

کردم پنج سال تمام در محضر قاضی به سر می بردم و آنی از ادراک فیض ایشان دریغ نمی کردم و از آن وقتی که به وطن مألوف بازگشتم تا وقت رحلت، استاد پیوسته روابط ما برقرار بود و مرحوم قاضی دستوراتی می دادند و مکاتبات از طرفین برقرار بود و ما هر چه داریم از مرحوم قاضی داریم. (1)

به سبب اهمیت نماز شب است که خیلی از بزرگان از جوانی نسبت به آن جدیت داشته اند آیت الله غلامرضا رضوانی نقل می کند:

در ایامی که من با امام بودم و توفیق خدمتگزاری ایشان را داشتم نماز شب را ترک نکردند آقایانی که قبل از آن با ایشان بودند حتی هم دوره ها و هم حجره ای های ایشان نقل می کردند که امام از اوان جوانی که مشغول تحصیل، بودند در نماز شب جدیت داشتند. (2)

کتر مجلسی بود که شهید آیت الله قدوسی رحمه الله در آن سخن گوید، ولی نماز شب و اهمیت آن مطرح نشود. او معتقد بود طلبه ای که نتواند خواب و بستر گرم را رها کند و برای نماز شب از آن بگذرد در آینده از خیلی چیزها نخواهد گذشت.

مراجعه به زندگانی علما و اهتمام وافر آن ها به خواندن نماز شب، حاکی از تأثیر آن در معنویت تهذیب نفس و حتی در تحصیل علم می باشد سالک کامل مرحوم آیت الله ملکی تبریزی می گوید:

من بسیاری از محصلین را می شناسم که از شب زنده داران بودند و همین موضوع سبب شد فهمی عمیق و استقامتی بی نظیر در امر تحصیل نصیبشان شد و به مراتب و مقامات والایی رسیدند و بالعکس، کسانی هستند که در مطالعه ی کتب علمی کوشش بسیار دارند؛ ولی به جایی نمی رسند و از علم

ص: 101

1- حسینی طهرانی مهرتابان، ص 16

2- ستوده، پایه پای آفتاب، ج 2، ص 301

خویش سودی نمی برند و برکتی نمی بینند. (1)

آیت الله شهید قدوسی رحمه الله به مستحبات و مکروهات بسیار اهمیت می داد و نماز شب را برای روحانی لازم می دانست. شبی در مسجد گوهرشاد با نگرانی خاصی: گفت برایم بسیار ناگوار و غیر منتظره بود که شنیدم یکی از اساتید مدرسه حقانی مقید به نماز شب نیست با ایشان صحبت کردم، معلوم شد که سبکی معده را در شب رعایت نمی کند. (2)

آیت الله کوهستانی رحمه الله، همواره نماز را در اول وقت آن به جای می آورد و با خشوع و خضوع تمام اقامه می کرد و در نماز آن چنان غرق در معبود می شد که از خود بیگانه بود و سکون و آرامش حضور قلب و خدایینی او در نماز آوازه ی همگان به ویژه خواص بود بر تعقیبات و نوافل مستحب مواظبت تام داشت و عقب نمازها اغلب تعقیبات مشترکه و مختصه را می خواند؛ از این رو در هر نماز برنامه ی عبادی شان بیشتر از یک ساعت به طول می انجامید و این روش همیشگی ایشان در نماز بود حتی در زمستان ها که مسجد گرمای کافی نداشت و برای اکثر مأمومین غیرقابل تحمل بود برنامه ی عبادی ایشان تغییر نمی کرد. او در عبادت خود، بسیار مقاوم و خستگی ناپذیر بود و به نماز عشق می ورزید و از طول قرائت و ذکر رکوع و سجود لذت می برد. (3)

ص: 102

1- ملکی، تبریزی، همان 295

2- مختاری سیمای فرزندگان، ص 193

3- کوهستانی بر قله پارسایی، ص 95

آنان که شیدای حضور در محضر ربوبی هستند و لذت مناجات و راز و نیاز با محبوب خود را درک کرده اند شوق و شغف خاصی برای خواندن نماز شب دارند و برای برپا داشتن آن حتی انتظار هم می کشند.

1. اولین شب اقامت در پاریس

حجت الاسلام والمسلمین فردوسی پور می گوید:

شب اولی که به پاریس وارد شدیم امام برای نماز شب بلند شده و وضو گرفتند. صبح روز بعد ما را صدا زده و فرمودند: «این جا هرچه نشستیم هوا روشن نشد». گفتم: آقا! اذان صبح این جا با ایران دو و نیم و با نجف دو ساعت فرق دارد.»

امام به عادت همیشگی برای نماز شب بیدار شده بودند که طبق افق فرانسه، دو ساعت زودتر از نجف بود. (1)

2. ما بیدار بودیم

هم چنین درباره ی آیت الله بهاء الدینیه رحمه الله نقل می کنند:

طی مسافرتی در محضر آیت الله بهاء الدینی بودیم در آن روز، برای سخنرانی به شهرستان «شال» قزوین رفتیم و بسیار خسته بودیم. در برگشت، برای استراحت به منزلی که در تهران مهیا شده بود رفتیم. صبح از خواب بیدار شدم و دیدم موقع اذان صبح است به آقا عرض کردم: آقا! شما حالا برای نماز بیدار شدید؟ فرمودند ما بیدار بودیم مشاهده کردم که این پیرمرد الهی در وقت نماز شب بیدار بوده ولی از جا بلند نشده است. مبادا که در صدا کند و من بیدار شوم. (2)

ص: 103

1- روزنامه، رسالت، 1368/4/14.

2- احمد پور، ترکمانی نماز خوبان داستان شماره ی 106 (اخلاص در عمل)

اُنس گیرندگان با پروردگار با آن که خود در وقت نماز شب بی قرار از رخت خواب بیدار می شوند؛ اما گاهی فرشتگان نیز آنان را بیدار می کنند. داستان های بسیاری از علمای بزرگ در این مورد نقل شده است. به نقل از استاد محمد علی جاودان آمده است که مرحوم شیخ مرتضی زاهد، خودش نقل می کرد:

شب ها برای عبادات سحری مرا صدا می زنند یک شب می گویند: مرتضی برخیز! یک شب دیگر می گویند شیخ مرتضی و بالاخره یک شب صدا می زنند: آقا شیخ مرتضی؛ و من وقتی دقت می کنم می بینم این ها به روز من بستگی دارد.

هر روز که من در رفتار و اعمالم دقت بیشتری می کنم زیادتز مواظب هستم در بیدار شدن با احترام بیشتری روبه رو هستم. [\(1\)](#)

چنین گفته بود:

مرا شب ها با کوبیدن کوبه ی در بیدار می کنند صدای کوبه ی در بسیار شدید است و من به سرعت بیدار شده و از جا برمی خیزم؛ اما این صدا با همه ی شدت هیچ کس دیگری را بیدار نمی کند. [\(2\)](#)

مرحوم علامه حسینی طهرانی می نویسد: «مرحوم آیت الله الاعظم آقای حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (اعلی الله تعالی مقامه الشریف) که از اکابر علمای اتقیا و افاضل اولیا و اصفیا بوده اند و دارای مقامات و درجات و کرامات اند، در دو کتاب خود که به نام «اسرار الصلاة» و «اعمال السنة» یا «المراقبات» است، می فرماید:

شب که انسان می خوابد ملائکه موکل برانسان انسان را بیدار می کنند

ص: 104

1- حاجی حسینی زاهد العلماء، ص 66

2- همان

برای نماز شب و بعد چون انسان اعتنا نمی کند و دوباره می خوابد باز او را بیدار می کنند؛ دوباره می خوابد باز او را بیدار می کنند. این بیداری ها از روی مصادفه و اتفاق، نیست بلکه بیداری های ملکوتی است که به وسیله ی فرشتگان انجام می گیرد اگر انسان استفاده کرد و برخاست، آن ها تقویت و تأیید می کنند و روحانیت می دهند؛ و اگر نه، متأثر می شوند و کسل می گردند.

آن مرحوم می فرماید:

اگر از خواب برخاستید آن ملائکه را که نمی بینید اقلاً به آن ها سلام کنید و دعا کنید و تحیت و تکریم بگویید و تشکر نمایید. (1)

ترغیب برای خواندن نماز شب

اشاره

بزرگان با توجه به روایت های متعدد و فراوانی که درباره ی نماز شب و آثار آن وارد شده است و نیز آن چه در عمل از آثار خواندن نماز شب تجربه کرده و به فیوضاتی نائل شده اند همواره شاگردان فرزندان و دیگران را به آن ترغیب و سفارش کرده اند.

1. تعطیلی درس برای ترغیب به نماز شب

مرحوم ملا زین العابدین سلماسی که از ملازمان و خواص علامه بحرالعلوم بود می گوید که «علامه بحر العلوم هر شب در کوچه های نجف گردش می کرد و برای بینوایان غذا می برد اتفاقاً چند روزی درس را تعطیل کرد. طلاب مرا شفیع کردند (2) که علت این امر را سؤال کنم. وقتی از ایشان خواستم درس را شروع بفرمایند و درباره ی سبب ترك تدریس از ایشان سؤال کردم پاسخ دادند درس نمی گویم پس از چند روز دوباره ماجرا تکرار شد و

ص: 105

1- حسن زاده طبیب دل ها ص 29-30؛ به نقل از حسینی طهرانی معادشناسی، ج 7، ص 167-168.

2- واسطه قرار دادند.

من انگیزه ی ترك تدریس را سؤال کردم علامه فرمودند: نیمه های شب هرگز نشنیدم که این طلاب با خداوند متعال مناجات کنند و به تضرع و زاری مشغول باشند؛ با این که من شب ها در کوچه های نجف گردش می کنم. این گونه طلبه ها سزاوار نیستند که آنان را آموزش دهم!

وقتی طلاب از گفته ی استاد آگاه شدند شب ها صدای گریه و مناجات آنان از هر سو بلند شد و ایشان مجدداً تدریس را آغاز کردند». (1)

2. بیدار بمان

در حالات مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطا که از بزرگان علمای قرن سیزدهم قمری و ساکن نجف اشرف بود آمده است:

در یکی از شب ها که برای تهجد برخاست فرزند جوانش را از خواب بیدار کرد و فرمود: «برخیز به حرم مطهر مشرف شده در آن جا نماز بخوانیم فرزند جوان که برخاستن از خواب در آن ساعت شب برایش دشوار بود، در مقام اعتذار برآمد و گفت من فعلاً مهیا نیستم. شما منتظر من نشوید؛ بعد مشرف می شوم. فرمود: نه، من این جا ایستاده ام؛ برخیز مهیا شو که با هم برویم. آقازاده به ناچار از جا برخاست و وضو ساخت و با هم به راه افتادند. کنار درب صحن مظهر که رسیدند آن جا مرد فقیری را دیدند نشسته و دست سؤال (2) از برای گرفتن پول از مردم باز کرده است.

آن عالم بزرگوار ایستاده و رو به فرزندش فرمود این شخص در این وقت شب، برای چه این جا نشسته است؟ گفت برای تکدی از مردم فرمود: آیا چه مقدار ممکن است از رهگذران عاید او گردد؟ گفت احتمالاً مقداری ناچیز فرمود: درست فکر کن بین این آدم برای يك مبلغ بسیار اندك و ك-م ارزش

ص: 106

1- تنکابنی قصص العلماء، ص 173-174.

2- در خواست.

دنیا، آن هم محتمل در این وقت شب از خواب و آسایش خود دست برداشته و آمده در این گوشه نشسته و دست تذلّل به سوی مردم باز کرده است، آیا، تو به اندازه ی این شخص اعتماد به وعده های خدا درباره ی شب خیزان و متهجّدان نداری که فرموده است: «احدی نمی داند که به پاداش عملشان چه چشم روشنی ها برای آنان ذخیره گردیده است.» (1) گفته اند آن فرزند جوان از شنیدن این گفتار از آن دل زنده و بیدار آن چنان تکان خورد و تبه یافت که تا آخر عمر از شرف و سعادت بیداری آخر شب برخوردار بود و نماز شبش ترك نشد. (2)

3. برخیز برای نماز شب!

گاهی برای بعضی ها فقط تلنگر کوچکی لازم است تا خود را به تکاپو بیندازند؛ انگار منتظر چنین لحظه ای بودند در این مواقع است که استاد اخلاق می تواند با شناختی که از شاگردان یا یاران خود دارد تذکرها ی لازم را به آنان بدهد. مرحوم قاضی طباطبایی می گوید:

شیخ محمد حسین آل کاشف الغطا به علامه نوری گفت: برخی شب ها خواب بر من غلبه می کند و نمی توانم بیدار شوم و نماز شب بخوانم علامه نوری با عتاب به او گفت چرا بیدار نمی شوی؟ چرا؟ حتما برخیز؛ برخیز!

سال ها از این قضیه گذشت و شیخ نوری وفات یافت. پس از سال ها، روزی با شیخ محمد حسین نشسته بودیم و خاطرات گذشته را بازگو می کردیم شیخ محمد حسین: گفت از آن گفت و گو با علامه نوری به بعد هر شب پیش از سحر صدای علامه در گوشم می پیچد که برخیز شیخ برخیز، شیخ برخیز شیخ برخیز و من را برای نماز شب بیدار می کند. (3)

ص: 107

1- سجده، آیه 17.

2- علیقلی، سجاده عشق در فضیلت نماز شب ص 41.

3- همان عنوان برخیز برای نماز شب

شیخ حسن فرزند کاشف الغطا می گوید:

عادت شیخ جعفر آن بود که هر شب، وقت سحر بیدار بود و می آمد دم در اتاق ها و عیال و فرزندان همه را بیدار می کرد و می گفت برخیزید و نماز شب بخوانید. (1)

آیت الله شیخ محمد کوهستانی رحمه الله از اوان جوانی تا پایان عمر بابرکت خویش اهل تهجد و شب زنده داری بود و همواره طلاب را به مواظبت آن سفارش می کرد و نماز شب را بهترین عامل توفیق و پیشرفت معنوی می دانست؛ از این رو می فرمودند: طلبه ای که نماز شب نخواند راضی نیستم در مدرسه بماند. (2)

ص: 108

1- تنکابنی، قصص العلماء، ص 185

2- کوهستانی بر قله پارسایی، ص 99

گرفتاری ها و مشکلات دنیا باعث می شود که خیلی ها خدا را از یاد ببرند بسیاری شکایت و ناله کنند و مقصر همه ی آن اتفاق ها را خدا بدانند؛ ولی عده ای که همواره لحظه های حضور در محضر پروردگار را انتظار می کشند، غرق در توحید ربوبی هستند و تنها او را ربّ و پرورش دهنده ی حقیقی می دانند؛ حتی در شرایط سخت غافل نیستند و آن سختی ها را با آرامش حضور پشت سر می گذارند و به نماز پناه می برند علامه طباطبایی رحمه الله می گوید:

رفتم مسجد کوفه دیدم مرحوم قاضی [سید العرفا سید علی قاضی طباطبایی] و همه خانواده اش تب کرده اند و مریض هستند هنگام نماز شد علی آقا قاضی طبق معمول در اول وقت به نماز ایستاد و بعد از نماز عشا، آن چنان با توجه کامل آیه ی شریفه «أَمَّنَ الرَّسُولُ» را تلاوت می فرمود که مثل این که هیچ مشکلی پیش نیامده است. با آرامش وصف ناپذیر و شگفت انگیز به ذکر و دعا مشغول بود. (1)

1. نماز پناهگاه سختی ها

آیت الله میرزا علی قاضی طباطبایی رحمه الله، نه تنها از دنیا و مردم آن منقطع بود که از آخرت هم چشم پوشیده بود و به شاگردان خود نیز می گفت:

در حال نماز یا ذکر و عبادت در برابر زیبای مطلق و جمال جمیل الهی هرچه دیدید و شنیدید شما را مشغول نکند و مبادا به بهانه ی بهشت از بهشت آفرین غافل شوید. (2)

ص: 109

1- حسن، زاده اسوه عارفان، ص 26

2- حسینی طهرانی مهردادان، ص 30-31.

سید علی قاضی رحمه الله از دنیا و آخرت، تنها درد عشق را خواسته بود از مرحوم سید هاشم رضوی (1) نیز نقل شده است:

ایشان [مرحوم قاضی] فرزندى داشتند که خیلی مورد علاقه شان بود و با حادثه ی برق گرفتگی از دنیا رفت. در آن روزهای غم انگیز به خدمتشان شرفیاب شدم تا عرض تسلیتی کرده باشم اولاً فرمودند: آن بچه تا الان نزد من بود. شما که، آمدید او رفت و سپس در خلال عرض تسلیت فرمودند: تمام همّ و غمّ دنیا در نزد ما تا اول الله اکبر نماز است.

[مرحوم قاضی] می فرمود:

دو سه روز است در این فکرم که اگر در بهشت نگذارند ما نماز بخوانیم چه بکنیم؟! (2)

به او می گویند:

تو و این همه اهل و عیال و خرج زیاد و بی پولی!

می گوید:

این حال را دوست دارم در مقابل آن غنای مطلق، باید فقیرترین باشم. وقتی پول ندارم احساس نیاز بیشتری به خدا می کنم و التفاتم به خدا بیشتر می شود و در آن حال با خود می اندیشم آیا این لذایذی که از نماز نصیبم می شود در برزخ هم نصیبم می شود؟! (3)

2. شکستن یخ حوض

یک سال در قم، خیلی برف آمده بود؛ قریب پنج - شش ذراع، که سیل آمد و نصف قم را برداشت در همان موقع و در همان، وضعیت ایشان [امام]

ص: 110

1- از شاگردان مرحوم قاضی

2- شمس الشموس، عطش، ص 36 و محمدی ری شهری، زمزم عرفان، ص 89.

3- همان.

خمینی قدس سره] در نصف شب از مدرسه دارالشفای می آمدند مدرسه فیضیه و به هر زحمتی بود یخ حوض را می شکستند و وضو می گرفتند و می رفتند زیر مدرس [کلاس] مدرسه و در تاریکی مشغول تهجدشان می شدند.... با حالت خوشی تا اول اذان مشغول تهجدشان می شدند و اول اذان می آمدند مسجد بالاسر [حرم حضرت معصومه علیها السلام] و پشت سر آقای حاج جواد ملکی به نماز می ایستادند و بعد بر می گشتند و مشغول مباحثاتشان می شدند. (1)

در مورد شهید آیت الله اشرفی اصفهانی نیز آمده است:

يك شب نماز شبش ترك نشد در زمستان های سخت و طوفانی قم برای خواندن نماز، شب گاه با شکستن یخ 30 سانتی آب را از حوض مدرسه فیضیه تهیه می کرد تا بتواند نماز شبش را بخواند. او نماز شب را از سن 13 سالگی ادامه داده. بود حتی در مسافرت ها از خواندن نماز شب غافل نمی شد. (2)

3. آرام ترین نماز

در روزها و ساعت هایی که همه منتظر تشریف فرمایی رهبر فرزانه ی انقلاب در بازگشت از تبعید بودند و دنیا تمام خبرهای مربوط به آن را پیگیری می کرد در طرف دیگر علاقه مندان امام قدس سره، نگران وضعیت و خطرهای احتمالی دزدی و سرنگونی هواپیمای حامل امام بودند؛ اما او در کمال آرامش به نماز قامت می بندد.

امام حتی وقتی که از پاریس به تهران می آمدند، در هواپیما نماز شب خواندند. من یادم هست قطب نمایان را مرتب می گذاشتند می دیدند تکان نمی خورد موضوع را به خلبان گفتیم جواب داد که قطب نما در هواپیما کار

ص: 111

1- «مصاحبه با حضرت آیت الله سید مصطفی خوانساری»؛ مجله حوزه ش 32، ص 1368، ص 52.

2- خلیلیان، حدیث خوبان (حکایت های اخلاقی و کرامات مشاهیر تخت فولاد اصفهان)، ص 203.

نمی‌کند. امام از ایشان پرسید که مگه کدام طرف است. نشان دادند. امام به همان طرف مشغول نماز شدند. (1)

این آرامش، الهی فقط در یک جریان اتفاق نیفتاد بلکه پیوسته همراهان امام به وجود چنان آرامشی در طول زندگی ایشان اقرار دارند. وقتی کودتای نافرجام نوژه (2) که توسط برخی از عمال آمریکا طرح ریزی شده و هدف آن، سقوط نظام جمهوری اسلامی و بمباران محل اقامت مسؤلان بلند پایه کشور و از جمله بمباران منزل حضرت امام بود، پس از آگاهی از کودتا، جریان را به اطلاع امام رسانده و خواهش کردند که امام محل اقامت خود را ترک گفته و به مکان دیگری بروند. امام بدون هیچ گونه تأملی مخالفت خود را با این نظر اعلام کردند و گفتند: «خیر، من همین جا خواهم ماند» و بعد فرمودند: «شما بروید از صدا و سیما محافظت کنید که اگر حادثه ای به وقوع پیوست، من از آن طریق به ملت پیام دهم و آنان را از این توطئه آگاه سازم».

شخص دومی که با آقای خامنه ای خدمت امام رسیده بود، با لحنی آمیخته با خجالت و حیا بر تقاضای خود پافشاری کرد و گفت: احتمال خطر وجود دارد و ما برای جان شما خوف داریم؛ پس بهتر است که به جایی دیگر بروید. امام لبخندی دلنشین بر لب آوردند و خطاب به ایشان گفتند: «من هستم شما خیالتان راحت باشد. اگر حادثه ای رخ داد، پیام می دهم.» آرامش امام آنان را مجاب و تسلائی خاطر همگان را فراهم

ص: 112

1- روزنامه اطلاعات شماره 21835، ص 14

2- کودتای نوژه که قرار بود در تیر ماه سال 1359 به وقوع پیوندد.

ساخت و شاهد بودیم که این توطئه نیز خیلی زود نقش بر آب شد. (1)

4. بیماری و شیدایی

یکی از خادمان حضرت امام قدس سره نقل می کند: «سال 65، امام به دلیل ناراحتی قلبی در بیمارستان بستری شدند که پس از بهبودی نسبی به منزل بازگشتند یک شب حدود ساعت سه نیمه شب که در کنار ایشان، بودم متوجه شدم با آن حالت مرضی که داشتند، برای نماز شب بلند شدند. حال ایشان به گونه ای بود که وقتی می خواستند مسح پا را بکشند نمی توانستند و به ناچار دستشان را روی شانه من گذاشته و به من تکیه می کردند؛ اما در این حالت هم نماز شب امام ترک نشد.» (2)

دکتر کلاتر معتمدی می گوید:

ساعت دو بعد از نیمه شب بود که من بالای تخت امام ایستاده بودم و چشمم به ایشان بود که ملاحظه کردم درست در همان ساعت دو بعد از نیمه شب که امام همیشه برای انجام نماز شب برمی خاست لب های ایشان شروع کرد به تکان خوردن و ذکر گفتن؛ بدون آن که حتی یک لحظه دیر یا زود شده باشد. امام نماز شب خود را حتی در آن حالت [بیماری در آخر عمر] برگزار کردند. (3)

5. زیارت يك عالم نورانی

آیت الله محمدهادی معرفت رحمه الله می گوید: «صرفاً برای دیدار با علامه محمدتقی شوشتری از قم به شوشتر عزیمت کردم. به هنگام ملاقات با معظم له ایشان را در اثر کهولت سنی روی صندلی نشانند. من خواهش

ص: 113

1- «مصاحبه با حجت الاسلام شیخ علی اکبر آشتیانی»، مجله پاسدار، اسلام، ش 92، ص 1368، ص 30

2- رجایی برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 120

3- مجله اطلاعات هفتگی شماره 2442، ص 27

کردم که دعایی در حق بنده بکنند. نکته ی در خور ذکر در آن سفر این بود که با کمال تعجب شاهد بودم که ایشان با کھولت سنی 80 سالگی، حتی نماز شب را با مساعدت دیگران ایستاده می گزارد. زیارت يك عالم نورانی و دیدن این اندازه تقید به عبادات و روحانیتی که ایشان داشتند خاطره این سفر را همیشه برای من زنده نگاه می دارد.» (1)

شهید آیت الله غفاری در شب های سرد و سخت زندان با بدنی مجروح و شکنجه دیده وضو می سازد و به راز و نیاز با معبود خویش می ایستد و شب های دراز و تاریک زندان را با نجوای عاشقانه به صبح سپری می نماید و حتی شب هایی که بسیار شلاق خورده بود نماز شبش را ترک نمی کرد. (2)

شیدای حضور

اشاره

مناجات و گریه های شبانه عاشقان چقدر دیدنی و لذت بخش است؛ آنانی که شیدای حضورند و در محضر ربوبی همچون بنده ی ذلیل و خطاکار سر به آستانش می گذارند و با نهایت تذلل و فروتنی و خواری، گریه سر می دهند که ای محبوب من مرا بپذیر و از خطاهای بی شمارم درگذر همین، فقر تذلل فروتنی و احساس حقارت نزد پروردگار است که نیمه های شب، آنان را از بستر خواب بیدار می کند و به سوی راز و نیاز شبانه می کشاند. این جاست که فروتنی ها و افتادگی ها به بزرگی و عظمت تبدیل می شود و همگان در برابر این عظمت سر فرود می آورند

ص: 114

1- احمدپور ترکمانی، نماز خوبان داستان شماره ی 101 (زیارت يك عالم نورانی).

2- جمعی از پژوهشگران، گلشن، ابرار، ج 2، ص 762

یکی از دوستان مرحوم حاج میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله می گوید:

شب ها که ایشان برای تهجد بر می خاست مدتی در رخت خواب ضمن اجرای دستورات و آداب برخاستن از خواب از قبیل سجده و دعا، گریه می کرد؛ سپس به صحن منزل می آمد و به اطراف آسمان نگاه می کرد و آیات (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) را می خواند و سر به دیوار می گذاشت و مدتی گریه می کرد. آن گاه که برای وضو گرفتن آماده می شد در کنار حوض می نشست و مدتی گریه می کرد و پس از وضو ساختن چون به مصالایش می رسید و مشغول تهجد می شد که دیگر حالش خیلی منقلب می شد او گریه های طولانی در نمازها و مخصوصا در قنوت ها داشت؛ تا آن جا که بعضی ایشان را جزء بگائین عصر به شمار آورده اند. (1)

مرحوم محدث شیخ عباس قمی در تمام طول سال، حداقل یک ساعت قبل از طلوع فجر بیدار و مشغول نماز و تهجد بود. به عبادت آخر شب و قبل از سپیده دم زیاد اهمیت می داد و معتقد بود که بهترین اعمال مستحب، عبادت و تهجد است. فرزند بزرگش می گوید: «تا آن جا که من به خاطر دارم بیداری آخر شب از او فوت نشد، حتی در سفرها».

محدث قمی درباره ی استادش حاج میرزا حسین نوری رحمه الله می نویسد:

او در زهد و عبادت سخت کوشا بود نماز شب او فوت نشد و راز و نیازش با خداوند متعال در تمام شب ها برقرار بود. (2)

مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول *** زورد نیم شب و درس صبح گاه رسید

ص: 115

1- حسن، زاده طیب دل ها، ص 120-121

2- دوانی، حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت، ص 61.

یکی از خادمان حضرت امام قدس سره نقل می کند: «از وقتی ایشان را شناختم، شاهد این قضیه بوده ام که وقتی در ظلمت و تاریکی نیمه شب، آهسته وارد اتاق می شدم معاشقه ی امام با خدا را احساس می کردم. با چنان خضوع و خشوعی نماز می خواندند و قیام و رکوع و سجود می کردند که حقاً وصف ناپذیر است. اصلاً نمی توانم راجع به آن لحظات صحبت کنم. تنها احساس می کردم که در دل شب با آن خضوع و خشوع، با چشمان اشک، بار به راز و نیاز خدا مشغولند.

باید بگویم که در آن لحظات با معشوق حقیقی خویش معاشقه می کردند. با دیدن این لحظات، با خودم فکر می کردم که شب های امام حقیقتاً «لیله القدر» است این حالات، امام نه يك شب و دو شب، بلکه يك عمر برقرار بود. از رمضان سال قبل از رحلتشان خوب به یاد دارم بعضی وقت ها هر بار به دلیلی به نزد ایشان می رفتم و سعادت پیدا می کردم که با ایشان نماز بخوانم وارد اتاق که می شدم می دیدم که قیافه شان کاملاً برافروخته است و چنان اشک ریخته اند که دستمال کفاف اشکشان را نمی داد و کنار دستشان حوله می گذاشتند. ایشان شب ها چنین حالتی داشتند و این واقعاً معاشقه بود.» (1)

این گونه است که، امام خود را در نیمه های شب به خدا می سپارد و بر او توکل می کند و در اثر همین راز و نیازها و توکل ها، آرامشگاه و تکیه گاه دیگران در بحران های شدید و سخت روزهای مبارزات و انقلاب بود.

ص: 116

استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله چنین حالت هایی را در پدر خود یافته و پس از توضیح کوتاهی می گوید:

يك سلسله لذت ها معنویت ما را بالا می برد برای کسی که اهل تهجد و نماز شب باشد جزو صادقین و صابرين و مستغفرين بالأسحار باشد، نماز شب لذت و بهجت دارد آن لذتی که یک نفر نماز شب خوان حقیقی و واقعی از نماز شب خودش می برد، از «استغفر الله ربی و اتوب الیه» ها می برد، از «العفو» گفتن ها و یاد کردن و دعا کردن های حداقل چهل مؤمن می برد آن لذتی که از «یارب یارب» گفتن ها می برد هیچ وقت یک آدم عیاش که در کاباره ها می، گردد احساس نمی کند.

لذت نماز شب خوان خیلی عمیق تر، نیرومندتر و نشاط بخش تر است. ولی اگر ما خودمان را غرق در لذت مادی دنیا کنیم. مثلاً سر شب شروع کنیم به گفتن و خندیدن و فرضا غیبت هم نکنیم که حرام است صرفاً به شوخی های مباح پردازیم و بعد هم آن قدر بخوریم که نفس کشیدن برایمان دشوار شود، بعد مثل یک مرده در رخت خواب بیفتیم؛ آیا در این صورت، توفیق پیدا می کنیم که سحر از دو ساعت مانده به طلوع صبح بیدار شویم از عمق روح خودمان «یارب یارب» بگوییم؟

... لهذا کسانی که چنین توفیقاتی داشته اند و ما چنین اشخاصی را دیده ایم به لذت های مادی ای که ما دل بسته ایم هیچ اعتنایی ندارند. چه مانعی دارد که من ذکر خیری از پدر بزرگوار خود بکنم از وقتی که یادم می آید، می دیدم که این مرد بزرگ و شریف، هیچ وقت نمی گذاشت و نمی گذارد که وقت خوابش از سه ساعت از شب گذشته تأخیر بیفتد.

شام را سر شب می خورد و سه ساعت از شب گذشته می خوابد و حداقل دو ساعت به طلوع صبح مانده بیدار می شود و حداقل قرآنی که تلاوت می کند، یک جزء است و با چه فراغت و آرامشی نماز شب می خواند. حالا تقریباً صد سال از عمرش می گذرد و هیچ وقت نمی بینم که یک خواب نا آرام داشته باشد و همان

لذت معنوی ست که این چنین نگهش داشته يك شب نیست که پدر مادرش را دعا نکند يك نامادری داشته که به او خیلی ارادتمند است و می گوید: خیلی به من محبت کرده است. شبی نیست که او را دعا نکند. يك شب نیست که تمام خویشاوندان و ذی حقان و بستگان دور و نزدیکش را یاد نکند این ها دل را زنده می کند آدمی اگر بخواهد از چنین لذتی بهره مند شود ناچار از لذت های مادی تخفیف می دهد تا به آن لذت عمیق الهی برسد. (1)

3. چشمان مجروح از گریه

در حالات عالم بزرگوار آیت الله شفقتی رحمه الله می نویسند: «این سید بزرگوار پیوسته مراقب حضور باری تعالی بود و چیزی او را از حالت حضور و مراقبت باز نمی داشت! گوشه های چشم او از کثرت گریه کردن در مقام تهجد مجروح شده بود یکی از نزدیکان این بزرگوار گفته است با آن مرحوم به روستایی رفتیم شب را در راه گذرانیدیم سید به من فرمود: «نمی خوابی؟ من رفتم که بخوابم. چون سید گمان کرد که من خوابیدم، برخاست و مشغول نماز شد به خدا قسم دیدم بندهای دوش و اعضایش می لرزید؛ به طوری که کلمات نماز را از شدت حرکت فکین و اعضا، مکرر می گفت تا آن را صحیح ادا کند.

محدث قمی رحمه الله می نویسد در عبادت و دعا و مناجات با قاضی الحاجات و نوافل حکایات بسیاری از آن جناب نقل شده است.» (2)

ص: 118

1- مطهری، مجموعه آثار، ج 25، ص 486.

2- مختاری سیمای فرزندگان ص 187؛ به نقل از بهبهانی، مرآة الاحوال، ص 222.

4. شب های پرشور مناجات

مرحوم شفتی، نیمه شب تا صبح به گریه و زاری و تضرع مشغول بود و در صحن کتابخانه اش مانند افراد مجنون حرکت می کرد و دعا و مناجات می خواند و تا صبح بر سر و سینه می زد چنان صدای گریه ی او بلند بود که اگر همسایگان بیدار می شدند می شنیدند بالاخره از کثرت گریه و زاری در اواخر عمر بیمار شده و پزشکان او را از گریه منع کردند و گفتند گریستن بر شما حرام است؛ زیرا موجب افزایش بیماری خواهد شد. (1)

یکی از همسایه های ایشان می گوید:

در اصفهان رسم بر این بود که دو ساعت قبل از اذان صبح در حمام ها را باز می کردند. يك شب که به حمام می رفتم از پشت دیوار منزل سید، صدای مناجات به گوشم رسید کنجکاو شدم و جلوتر رفتم گوش کردم و شنیدم سید با گریه و ندبه می گوید: «الهی! اِيْحَيِّبٌ مِثْلَكَ مِثْلِي؟ آیا خدایی چون تو، بنده ای مثل من را از رحمت خود محروم می گرداند؟

رفتم به حمام و برگشتم. مدت حمام من دو ساعت طول کشید. هنوز اذان صبح نشده بود باز صدای ضجه و ناله سید به دعا و استغاثه بلند بود. (2)

5. عبادت با قامت سفیدپوش

میان ناسازگاری عوامل طبیعی با جذبه ی عشق کدام را باید اختیار و به کدامین سو باید نظر کرد؟ سیره عملی بزرگان نشان می دهد که جذبه ی عشق، بسیار والاتر و پاک تر از آن است که در بند عوامل و موانع طبیعی گرفتار آید آنان که مجذوب، بودند از بند موانع رهیده و پرده های پندار

ص: 119

1- مختاری، همان

2- کارگر، محمدیاری، بهترین پناهگاه، عنوان «مناجات آیت الله شفتی».

دریده و سر به آستانش گذاشته اند در حالات شهید محراب، مرحوم ملا محمدتقی برغانی که در محراب عبادت، هنگام سحر در حالی که مشغول خواندن مناجات خمس عشره در سجده، بود به دست فرقه ی بایبه به شهادت رسید آمده است:

عبادت آن جناب چنان بود که همیشه از نصف شب تا طلوع صبح به مسجد خود می رفت و به مناجات و ادعیه و تضرع و زاری و تهجد اشتغال داشت و مناجات «خمس عشره» را از حفظ می خواند و براین روش و شیوه ی پسندیده استمرار داشت تا همان شب که شربت شهادت نوشید.

مکرر در فصل زمستان دیده می شد که در پشت بام مسجد خود، در حالی که برف به شدت می بارید در نیمه شب پوستینی بر دوش و عمامه ای بر سر بر سر داشت و مشغول تضرع و مناجات بود و ایستاده دست ها را به سوی آسمان بلند کرده بود تا این که برف سراسر قامت مبارکش را از سرتا پا سفید پوش می کرد. (1)

6. تضرع و زاری فراوان

در حالات مرحوم ملا محمد اشرافی آورده اند:

از نیمه شب تا صبح مشغول تضرع و زاری و مناجات با حضرت باری (جلّ و علا) بود و آن قدر بر سر و سینه می زد که هنگام صبح در ضعف و نقاهت بود؛ به گونه ای که هر کس او را می دید می پنداشت که تازه از بستر بیماری برخاسته است. (2)

ص: 120

1- مختاری سیمای فرزندگان، ص 144؛ به نقل از نجوم السماء، ص 408-411

2- تنکابنی، قصص العلماء، ص 123

شیخ الفقها، آیت الله العظمی اراکی رحمه الله در رابطه با مرحوم آقا نورالدین عراقی و نماز شب های ایشان این داستان را نقل می کند:

آقای نورالدین مرد عجیبی بود معروف بود که نماز شب ایشان دیدنی است. شخصی به نام سید محمود خوانساری از اهل منبر طالب شد که او را ببیند چون صدای العفو العفو ایشان توی کوچه می آمد و مردم از توی کوچه گوش می گرفتند این، آقا خواست که خود مجلس نماز شب خواندن آقا نورالدین را ببیند.

شب های ماه مبارك [رمضان] بود و مرحوم آقا نورالدین از عده ای از جمله از آقای خوانساری برای افطار دعوت کرد. آقا سید محمود خودش گفت وقتی افطار تمام شد و همه رفتند من نشستم دید من بلند نمی شوم به خدمتکارش گفتم: دو تا رخت خواب بیاور. يك رختخواب خودش داشت یکی را هم برای من آوردند.

من توی رخت خواب که رفتم نخواستیم سحر ایشان را ملاحظه کنم. سحر شد دیدم که بلند شد رفت بیرون وضو گرفت و آمد و مشغول نماز شد. وقتی که رسید به «العفو»، دیدم چنان گریه بر او مستولی شد که چندین دفعه بغض گلایش را گرفت فکر می کرد من در خواب هستم. (1)

8. آه و ناله در دل شب

مرحوم آیت الله بنی فضل در خاطره ای، نقل می کند:

شبی مهمان مرحوم حاج آقا مصطفی بودم مقدار زیادی از شب را با ایشان نشستیم و بحث و صحبت علمی کردیم تازه خوابیده بودیم. یک وقت از صدای گریه و ناله ای هراسان بیدار شدم و حاج آقا مصطفی را بیدار کردم و گفتم مثل این که در همسایگی شما کسی مرده و برایش گریه می کنند. آقا مصطفی گوش کرده و گفت صدای گریه ی حاج آقایم است (ایشان امام تقدس سره را

ص: 121

حاج آقا می گفت) که مشغول نماز شب و گریه و ناله به درگاه خداست. (1)

یکی از دوستان شهید مطهری نقل می کند:

ایشان هنگامی که به مشهد می آمدند گاهی اوقات به منزل ما وارد می شدند. اتاقی که ایشان شب ها می خوابیدند با یک در فاصله داشت با اتاقی که من می خوابیدم ایشان همیشه وقت خواب به خواندن قرآن مقید بود. صدای ایشان را شنیدم که در هنگام تهجد و نماز شب گریه می کردند البته نماز شب خوان زیاد داریم؛ اما نماز شب خوانی که با آن حال اشک بریزد و گریه کند، کم داریم. بعدها از دوستان قدیمی ایشان شنیدم که ایشان از همان زمان طلبگی هم نماز شب می خوانده و اهل تهجد بوده است. (2)

9. تضرع و تذلل

یکی از شاگردان آیت الله شیخ محمد کوهستانی رحمه الله می گوید:

من در مدرسه ی فضل (مجاور حسینیه آیت الله کوهستانی) حجره داشتم. آقا به ما سفارش کرده بود هنگام خواب درب حیاط حسینیه را ببندید. در یکی از شب ها بیدار شدم. نیمه ی شب بود. رفتم ببینم در بسته است یا خیر؟ زمزمه ای شنیدم و جلوتر رفتم. صدا از اتاق کوچک حسینیه می آمد آهسته خود را به نزدیک اتاق رساندم و از پشت پنجره نگاه کردم دیدم مرحوم آقا جان در اتاق قدم می زند و سخت گریه و زاری می کند مشغول خواندن یکی از دعاهای صحیفه ی سجادیه بود و گاه سربه سوی آسمان می کرد و با توجه و خشوع «یا الله» را تکرار می نمود؛ گویا که در و دیوار با او مشغول ذکر شده بود. (3)

ص: 122

-
- 1- رجایی برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 118 - 119؛ به نقل از: ویژه نامه جمهوری اسلامی، خرداد 70، ص 43
 - 2- مختاری سیمای فرزندگان ص 192؛ به نقل از «آفاق فکری برون حوزه ای» مجله حوزه، ش 3، ص 31-3.
 - 3- کوهستانی بر قله، پارسایی، ص 100.

استاد کل و عارف کامل آیت الله میرزا علی قاضی طباطبایی رحمه الله آن چنان به عشق الهی گذاخته ابود که نه تنها روزها، بلکه شب ها نیز آرام و قرار نداشت. مرحوم آیت الله نجابت از شاگردان ایشان حکایت می کند:

کم می خوابد و مکرر بیدار می شود؛ مثل کسی که دنبالش کرده اند. این عشق این جنون، الهی مگر برای او خواب گذاشته است. بیدار می شود و به نماز مشغول می شود؛ اما نه چهار رکعت نه ده رکعت و یازده رکعت که تا بیست رکعت و بیشتر. (1)

فرزند علامه قاضی طباطبایی رحمه الله استاد سید محمدحسن قاضی رحمه الله می گوید:

روزی با یکی از برادرانم در رابطه با حالات معنوی و شب زنده داری پدرمان صحبت می کردیم پرسیدم شما خاطره ای در این باره دارید؟ گفت: «او شب ها همیشه مشغول راز و نیاز با خدای خود بود و ستاره های شب با گریه های او آشنايند.» در خانه ی ما دو اتاق تودرتو بود که فقط یک در بیرونی داشت. مادرم و تمامی بچه ها در این اتاق می خوابیدند و اتاق دیگر مخصوص پدرمان بود که شب ها در آن جا استراحت می کرد بسی از شب های طولانی که صدای گریه و زاری از آن اتاق به گوش می رسید؛ ولی هیچ کس جرأت بیان کردن نداشت و همیشه من درصدد این بودم که به حقیقت آن دست یابم در یکی از شب ها با صدای گریه از خواب بیدار شدم همه خوابیده بودند و سکوت همه جا حاکم بود و تنها صدای شیونی بود که از آن اتاق به گوش می رسید آرام به سوی اتاق مزبور به راه افتادم. همین که به در اتاق نزدیک شدم از سوراخ در به درون اتاق نگاه کردم و دیدم پدرم نشسته و با حالت خاص معنوی صورتش را با دست هایش پوشانده است و مشغول ذکر

ص: 123

می باشد و ظاهراً دعایی را به صورت تکرار بیان می کند. با حالت اضطراب به بستر خود برگشتم و متوجه شدم مادرم بیدار شده، سراغ مرا می گیرد. همین که مادرم را دیدم زود انگشش را به دهان گذاشت و مرا به سکوت و آرامش دعوت کرد. (1)

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند *** نیاز نیم شبی دفع صد بلا کند

عتاب یار پری چهره عاشقانه بکش *** که یک کرشمه تلافی صد جفا بکند

ز ملک تا ملکوتش حجاب بردارند *** هر آن که خدمت جام جهان نما بکند (2)

11. عطش نماز

یکی از همراهان آیت الله حاج آقا بزرگ عراقی می گوید که من از عالمانی که شب هایی را مهمان خانه ی حاج آقا بزرگ شده بودند، شنیدم که می گفتند:

بعد از پذیرایی وقتی به خواب می رفتیم گاه در نیمه های شب صدای زمزمه های عرفانی این مرد ما را از خواب بیدار می کرد قرآن تلاوت می کرد و گریه می کرد. از نماز خواندن سیر نمی شد و همیشه عطش نماز در سینه داشت. (3)

هم چنین یکی از نزدیکان ایشان تعریف می کند:

روزی با ایشان به جبهه رفتیم برخلاف نظر فرماندهان ایشان مخفیانه خود را به خط مقدم رساند. شخصا به تک تک سنگرها سرزد و از رزمنده ها که بسیار دوستشان داشت، دلجویی کرد شب را با هم به سنگری رفتیم تا صبح ایشان نخواستند و آن قدر پشت سر هم نماز خواند تا صبح شد. ایشان از جا برخاست و سراغ برویچه های رزمنده رفت و آن ها را برای نماز بیدار کرد. (4)

ص: 124

1- هاشمیان دریای عرفان (زندگی نامه و شرح احوال آیت الله سید علی قاضی)، ص 39.

2- حافظ

3- اکبرنژاد امیر، شهر ص 33.

4- همان، ص 34

کسانی که به آستان قدس الهی راه می‌یابند پیش از آن خود را به اخلاق می‌آریند و همواره در تلاشند حقوق الهی و حقوق دیگران را پاس بدارند. آنان حتی لحظه‌ای حاضر نیستند عبادتشان راز و نیازشان و مناجاتشان، موجب آزار و اذیت دیگران گردد؛ چرا که دارای چنان ذوق و رفتارهای لطیف، ظریف و زیبایی می‌شوند که هرگز آزار در قاموس آنان نمی‌گنجد؛ افزون بر آن، رسیدن به مقامات معنوی را منافی با پایمال کردن حقوق دیگران می‌دانند.

خویشان حضرت امام قدس سره از نوجوانی ایشان یاد کرده و می‌گویند: «از پانزده سالگی ایشان که ما در خمین بودیم، آقا يك چراغ موشی كوچك می‌گرفتند و می‌رفتند به يك قسمت دیگر که هیچ کس بیدار نشود و آن جا نماز شب می‌خواندند.» خانم [خدیدجه ثقفی همسر گرامی امام قدس سره] می‌گویند: «تا حالا نشده که من از نماز شب ایشان بیدار شوم؛ چون چراغ را مطلقاً روشن نمی‌کردند؛ نه چراغ اتاق را روشن می‌کردند نه چراغ راهرو را و نه حتی چراغ دستشویی را. برای این که کسی بیدار نشود هنگام وضوی نماز شب، يك ابرزیر شیر [آب] می‌گذاشتند که آب چکه نکند و صدای آن کسی را بیدار نکند. (1)

یکی از یاران امام می‌گوید:

امام در ایام زیارتی که به کربلا مشرف می‌شدند در منزلی که یکی از ایرانیان مقیم کویت برای ایشان در نظر گرفته بودند مستقر می‌شدند. عده‌ای از طلبه‌ها هم در آن جا بودند نیمه شب که می‌شد امام جوری برای نماز شب بلند می‌شدند که با این که فصل تابستان بود و همه در حیاط منزل می‌خوابیدند

ص: 125

ولی کسی ابدا بیدار و متوجه نمی شد؛ و من چند سالی که در خدمت ایشان بودم با این که نمی دیدم؛ اما یقین داشتم که به موقع و به طور مخفیانه برای نماز شب بلند می شوند. گاهی هم که بیدار می شدم می دیدم آن قدر ملایم و بی سر و صدا بلند می شوند که ابدا کسی بیدار نمی شود. (1)

در حالات آیت الله سید علی قاضی طباطبایی رحمه الله، نیز گفته شد که ایشان برای این که مزاحم کسی نشوند، گاهی کفش از پای خود در می آوردند تا صدای آن، کسی را از خواب بیدار نکند و حتی مکان عبادت خود را از منزل به حجره ی مدرسه ی علمیه تغییر می دهند تا ناله هایش مزاحم اهل و عیال نشود.

شیدای بیست ساله

یکی از دوست داران آیت الله شیخ مرتضی زاهد رحمه الله نقل می کند که پدرش می گفت: «من پانزده شانزده سالم بود که شبی احتیاج به غسل پیدا کردم. در آن زمان برق و این طور چیزها نبود و من دقت نکردم چه ساعتی از شب است. برای رفتن به حمام از خانه بیرون آمدم. وقتی از جلوی خانه ی مرحوم مجد الذاکرین (پدر آقا شیخ مرتضی) رد می شدم، صدای خفیفی از درون خانه شنیده می شد شب بود و همه جا ظلمت و خاموشی بود و من کنجکاو شدم بینم این صداهای خفیف در این ساعت از شب برای چیست؟ مثلاً نکند دزدی آمده باشد به کنار در رفتم و گوشم را تیز کردم صدای آشنایی می آمد. صدای مناجات گریه ی آقا شیخ مرتضی زاهد بود. ایشان آمده بود در دالان خانه در جایی که مزاحم اعضای خانه نباشد، به نماز ایستاده بود و با معنویتی خاص و با گریه و زاری، با خدا مناجات

ص: 126

می کرد آقا شیخ مرتضی در آن زمان در حدود بیست سال داشت.» (1)

فیوضات انفاس سحرخیزان

اشاره

سحرخیزان همیشه بیدار و عبادت، پیشه در اثر مداومت ممارست و پشتکار، دارای نفس های گرم و تأثیرگذاری می گردند که شعاع نور آن، دیگران را نیز در بر می گیرد.

1. نماز شب و نورافشانی خانه ها

از استاد الهی و عارف ربانی مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد جواد انصاری همدانی نقل شده که می فرمود:

فلانی با این که شخص عوامی است شبی که برای نماز شب به پا خاسته مشاهده نموده که در حدود پانصد خانه از خانه های همدان نورافشانی می کند و به او الهام شده که در این خانه ها نماز شب خوانده می شود که تا آسمان کشیده شده است و الهام شده است که وجود مقدس حضرت بقیة الله است که به نماز شب ایستاده است. (2)

2. سپاس از دعای نماز شب

حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رحمه الله، روزی پس از پایان درس عازم حجره ی یکی از طلبه ها که در مدرسه دارالشفای قم بود به حجره ی آن طلبه وارد شد و پس از به جای آوردن مراسم احترام و اندکی جلوس برخاست و حجره را ترک گفت. هدف از این دیدار از او پرسیده شد. در پاسخ فرمودند: شب گذشته هنگام سحر فیوضاتی بر من افاضه شد که

ص: 127

1- سیف اللهی آقا شیخ مرتضای زاهد، ص 166-167.

2- علیقلی، سجاده عشق در فضیلت نماز شب، ص 40.

فهمیدم از ناحیه ی خودم نیست و چون توجه کردم دیدم این آقای طلبه به تهجد برخاسته و در نماز شبش به من دعا می کند و این فیوضات اثر دعای اوست. این بود که به خاطر سپاسگزاری از عنایتش به دیدار او رفتم. (1)

3. انفاس سحر خیزان

آقا احمد نواده ی مرحوم آیت الله وحید بهبهانی در کتاب «مرآة الاحوال» می نویسد:

از بعضی ثقات شنیدم که آخوند ملا محمد تقی مجلسی نقل کرده که در شبی از شب ها بعد از نماز و تهجد و گریه و زاری به درگاه قادر متعال خود را به حالتی دیدم که دانستم هرچه از درگاه احدیت مسألت کنم البته به اجابت مقرون [نزدیک] خواهد شد و فکر می کردم چه از خدا بخواهم؛ امری دنیوی یا اخروی؟ ناگاه صدای گریه ی فرزندم محمد باقر از گهواره بلند شد. من گفتم الهی! به حق محمد و آل محمد صلی الله علیه و اله، این طفل را مروج دین و ناشر احکام سید المرسلین گردان و او را به توفیقات بی نهایت خود موفق کن. (2)

به برکت دعای نیمه شب پدر و تلاش و استمرار علامه محمدباقر مجلسی، خدمات ارزشمندی به جهان اسلام عرضه کرد. علاوه بر درس و تربیت شاگردان بزرگ و صدور فتوا و مسؤولیت های مهم مرجعیت و مسافرت های مکرر یکی از تألیفات، او کتاب "بحار الانوار" است که حدود 110 جلد می باشد. در مجموع کلیه تألیفات عربی و فارسی او را می توان بالغ بر 300 جلد شمرد.

ستارگان شب با گریه ها و قنوت های طولانی آیت الله سید علی قاضی

ص: 128

1- همان، ص 50

2- مختاری سیمای فرزندگان ص 185؛ به نقل از: بهبهانی مرآة الاحوال جهان نما، ص 100.

طباطبایی بیشتر آشنا هستند. فرزندان بارها در خانه، آن قنوت های طولانی و گریه ها را دیده و شنیده اند و طلاب مدرسه نیز گاهی شب هایش را به تماشا نشسته اند مرحوم آیت الله سید محمد حسینی، صاحب تفسیر «انوار درخشان» که مدتی محضر آقای قاضی را درک کرده، از تأثیر آن مرحوم سخن گفته و با حسرت از آن دوران یاد می کند و می گوید:

در سال 1347 یا 1348 قمری که من در مدرسه ی قوام [نجف اشرف بودم مرحوم قاضی نیز به مدرسه ی قوام تشریف آوردند و از متصدی مدرسه حجره ای را خواستند که بعداً معلوم شد حجره ی را جهت عبادت و تهجد طلب کرده بودند؛ چون منزلشان کوچک بود و ایشان تصور می کردند هنگام، شب عبادتشان برای بچه ها مزاحمت ایجاد می کند.

شب ها حدود ساعت دوازده که معمولاً طلبه ها می خوابیدند، شب زنده داری و تهجد ایشان در آن حجره کوچک شروع می شد در آن جا بود که من شیفته ی مرحوم قاضی شدم حالت دعا و نیایش ایشان در آن حجره ی کوچک خیلی برای من جالب و زیبا بود ... بعد از چندی تمام ذکر و ورد من مرحوم قاضی شده بود به هیچ درسی توجه نمی کردم و تنها درس ایشان مورد توجه من بود. وقتی مقابل ایشان برای درس می نشستم و ایشان صحبت را آغاز می فرمودند، تمام درس های دیگر از خاطر من می رفت و تنها محو ایشان می شدم. تمام روز به چیزی جز فرمایشات ایشان نمی اندیشیدم شب هنگام که ایشان برای نماز و تهجد آماده می شدند، در عین این که نعلین خود را از پا می گرفتند که صدا نکند باز من بیدار می شدم و مخفیانه دعا و نیایش ایشان را زیر نظر می گرفتم خیلی برایم جالب بود تا صبح خوابم نمی برد و پیرامون آن می اندیشیدم. رفته رفته در اثر آن بیداری های شبانه و بی توجهی به درس های دیگر در من تغییراتی به وجود آمد و حالم عجیب شده بود؛ به صورتی که دیگران متوجه

شهید بزرگوار، ملا محمدتقی برغانی قزوینی می گوید: «روزی مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطا وارد قزوین شد و در منزل یکی از بزرگان رحل اقامت افکند. در آن منزل باغی نیز وجود داشت. هنگام خواب فرا رسید و همه خوابیدند و من هم در گوشه ی آن باغ خوابیدم. چون پاسی از شب گذشت، شنیدم شیخ مرا صدا می زند و می گوید: برخیز و نماز شب به جای آر. عرض کردم: بلی، بر می خیزم. شیخ عبور کرد و من دوباره خوابیدم. ناگهان صدایی به گوشم خورد و به دنبال آن روانه شدم. وقتی به نزدیک جایی که صدا می آمد، رسیدم دیدم جناب شیخ به تضرع و و گریه و مناجات مشغول است و صدای ایشان چنان در من اثر گذاشت که از آن شب تاکنون که 25 سال می گذرد هر شب بر می خیزم و به مناجات مشغول می شوم.» (2)

4. نیل به مقامات از برکت نماز شب

مقدس اردبیلی رحمه الله که مکرر خدمت حضرت حجت علیه السلام مشرف شد کارش به جایی رسیده بود که بر سر قبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام با آقا حرف می زده است. از خودش نقل شده که سبب رسیدن من به این درجات آن بود که در ابتدای تحصیل با طلبه ای هم حجره بودم و با او عهد بستم که هر چه برای ما پیش آید به کسی نگویم بالاخره وقتی پیش آمد که هیچ نداشتیم رفیقم در اثر فقر گرسنگی خیلی ضعیف شده بود و به واسطه ی عهدی که کرده بودیم با کسی صحبت نمی کرد روزی یک نفر به مدرسه آمد و در غیاب من، علت

ص: 130

1- حسن زاده اسوه، عارفان، ص 41-42 (با تلخیص).

2- تنکابنی، قصص العلماء، ص 193

ضعف را از رفیقم پرسیده بود و او نخست نگفته بود و بعد که او را قسم می دهد، حقیقتش را می گوید که از فرط فقر و گرسنگی، من و رفیقم این طور ضعیف گردیده ایم. آن شخص فوراً می رود طعام می آورد و کیسه ی پولی هم برای هر دو نفر می آورد. وقتی که ملا احمد (مقدس اردبیلی) می آید، به رفیقش اعتراض می کند که چرا گفتی؟ مگر ما عهد نکرده بودیم؟ خلاصه غذا را با هم می خورند و پول را هم نصف می کنند. مقدس اردبیلی شب می خوابد؛ نیمه های شب بیدار می شود می بیند حمام بر او واجب شده است به سوی حمام می رود تا غسل کند حمامی در را از داخل بسته بود مقدس اردبیلی اصرار کرد حمامی در را باز نکرد. گفت: دو برابر پول می دهم. گفت: باز نمی کنم. گفت: سه برابر.... خلاصه حاضر شد تمام پول هایی که روز گذشته به دستش آمده بود، بدهد تا حمامی در را باز کند و مقدس اردبیلی غسل بکند تا نماز شبش از او فوت نگردد. از همان شب خداوند الطاف خاصی به او فرمود که نتیجه اش همین بروز کرامات از اوست. (1)

هم نوا با شیدایان

اشاره

نه تنها انفاس سحرخیزان و بیداردلان در انسان ها تأثیرگذار است بلکه این تأثیرگذاری در سایر موجودات و حتی در جمادات نیز مشاهده می شود؛ چرا که تمام موجودات و ذرات عالم تسبیح گوی خداوند هستند و آن گاه که سحرخیزان در دل شب با خداوند به راز و نیاز می پردازند، با او هم نوا می شوند و زبان به تسبیح خدا می گشایند.

ص: 131

1. سبوح قدوس

در شرح احوال آخوند محمد کاشی (استاد آقا نجفی قوچانی و حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی و بسیاری دیگر از بزرگان) آورده اند:

هر نیمه شب نمازی چنان به سوز و گداز می خواند و بدنش به لرزه می افتاد که از بیرون حجره صدای حرکت استخوان هایش احساس می شد روزی پس از ختم درس یکی از طلاب به مدرس آن بزرگوار آمد و گفت: این شیخ می گوید که دیشب به وقت سحر دیدم که از در و دیوار مدرسه، صدای «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنَا وَ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ» بر می آید و چون در نگریستم، دیدم که آقای آخوند در سجده این ذکر را می گوید آخوند در جواب فرمود: این که در و دیوار به ذکر من متذکر باشند امری نیست مهم آن است که او از کجا محرم این راز گشته است. (1)

2. ایها العالم العامل

مرحوم تنکابنی صاحب قصص العلماء درباره ی پدرش مرحوم آیت الله میرزا سلیمان تنکابنی از شاگردان بزرگ حکیم معروف، ملا علی نوری می نویسد:

پدرم مواظب نماز اول وقت و نوافل رواتب داشت و هر روز يك جزء قرآن تلاوت می کرد و نیز هر روز سوره یس و صد مرتبه «لا اله الا الله الملك الحق المبين» و برخی اوراد دیگر را می خواند و سوره واقعه را در نافله ی عشا [قنوت نماز و تیره] قرائت می کرد و نماز شبش ترک نشد.

شبی وقت سحر از خواب بیدار شدم دیدم پدرم نشسته و به شدت می گریه. بعد از مدتی که گریه اش تمام شد از سبب آن سؤال کردم، فرمود: در قنوت نماز وتر مناجات «خمس عشره» می خواندم و می گریستم. ناگاه شنیدم که

ص: 132

1- مختاری، سیمای فرزندانگان، ص 188؛ به نقل از تاریخ حکما و عرفای متأخر بر صدر المتألهین، ص 75.

از سقف اتاق آوازی برآمد که: ایها العالم العامل... مرحوم والد، پیش از این سخنی نگفت و دنباله ی صدایی را که شنیده بود اظهار نکرد؛ سپس فرمود: وقتی آن آواز را شنیدم چنان گریه بر من مستولی شد که نتوانستم نماز را تمام کنم بی اختیار نشستم و گریستم... (1)

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

ص: 133

1- مختاری سیمای فرزندگان، ص 138؛ قمی، الفوائد الرضویه، ص 10.

قرآن کریم.

1. آذرگون، جواد نکته های نابی از نماز تهران: جواد آذرگون، 1386.

2. احمد پور ترکمانی، علی؛ نماز خوبان: حکایت ها و داستان هایی از دانشمندان و فرزندان؛ قم: مشهور، 1378.

3. اکبرنژاد، محمدتقی؛ امیر شهر زندگانی حاج آقا بزرگ عراقی قم بوستان کتاب 1388

4. انصاریان خوانساری، محمدتقی؛ مرزبان ایمان و یقین (آیت الله العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری)؛ قم انتشارات انصاریان، 1394.

5. باجلان، مجتبی؛ ثواب نماز جماعت و گناه ترک آن تهران برهان، 1372

6. بخشی، غلام حسن؛ ز ملک تا ملکوت متن سخنان مرحوم آیت الله حق شناس؛ تهران: شمیم یاس ولایت، 1388.

7. برخوردار فرید، شاکر؛ آداب الطلاب؛ تهران: لاهوت، 1385.

8. برخوردار، فرید شاکر؛ آفات الطلاب؛ تهران: لاهوت، 1385.

9. روحانی حمید؛ بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی در ایران؛ تهران اهواز [بی تا]

10. بنیاد علوم و معارف اسلامی دانش پژوهان؛ عارف کامل: مرحوم آیت الله محمد علی شاه آبادی؛ تهران: عارف کامل 1381.

11. بهشتی، سید جواد؛ خاطرات استاد (خاطرات حجت الاسلام والمسلمین قرائتی)؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، 1394.
12. تنکابنی، محمد؛ قصص العلماء؛ به کوشش محمد رضا برزگر خالقی و عفت کرباسی؛ تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، 1389.
13. خوانساری، محمد باقر؛ روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات؛ تهران [بینا] [بیتا].
14. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم گلشن ابرار خلاصه‌ای از زندگی اسوه‌های علم و عمل؛ قم سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم، جلد 2 (1392)، جلد 3 (1385)، جلد 12 (1395).
15. حاجی حسینی حسین؛ زاهد العلماء زندگی نامه آیت الله حاج شیخ مرتضی زاهد قم مطیع، 1394.
16. حسن زاده صادق و محمود طیار مراغی؛ اسوه عارفان گفته‌ها و ناگفته‌ها درباره عارف کامل علامه میرزا علی آقا قاضی تبریزی به ضمیمه جمال آفتاب (شرح حال آیت الله سید عبدالکریم کشمیری)؛ قم: مؤمنین، 1391.
17. حسن زاده صادق؛ طیب دلها؛ قم: اندیشه هادی، 1394.
18. حسینی طهرانی، سید محمد حسین؛ مطلع انوار تهران مکتب وحی 1434ق، 1392ش.
19. حسینی طهرانی سید محمد حسین؛ معاد شناسی تهران حکمت 1361-1360.
20. حسینی طهرانی سید محمد حسین؛ مه‌رتابان؛ مشهد: انتشارات علامه طباطبایی و انتشارات نور ملکوت قرآن، 1431ق.

21. حق شناس، عبدالکریم؛ مواعظ سلسله مباحث اخلاقی مرحوم آیت الله حق شناس؛ تحت اشراف محمد علی جاودان؛ تهران: مطبع، 1395.
22. حکیمی، محمدرضا بیدارگران اقالیم قبله؛ تهران دفتر فرهنگ نشر اسلامی، 1389.
23. خدادای، محسن؛ یک سبد گل محمدی گوشه هایی از زندگی رهبر معظم انقلاب تهران بامداد کتاب، 1383.
24. خسروی، موسی؛ پند تاریخ، اخلاقی تاریخی اجتماعی تهران اسلامیه، 1378
25. دستغیب، عبدالحسین؛ داستان های شگفت؛ [بی جا]، صبا، 1361
26. دستغیب، محمد هاشم؛ یادواره شهید حضرت آیت الله حاج سید عبدالحسین دستغیب؛ تهران یاسر، 1361
27. دفتر انتشارات انصاری فریادگر توحید؛ قم: انصاری، 1388.
28. دوانی، علی؛ حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت تهران دارالکتب الاسلامیه، 1354.
29. دیلمی، حسین؛ هزار و یک نکته درباره نماز، قم: مؤسسه فرهنگی انتشارات حرم، 1380.
30. راشد، حسینعلی؛ فضیلت های فراموش شده؛ تهران: پیام عدالت، 1389.
31. راوندی، کاشانی، فضل الله بن علی النوادر ترجمه صادقی اردستانی؛ تهران بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور، 1376.
32. رجایی غلام علی برداشت هایی از سیره امام خمینی تهران نشر عروج، جلد 3، چاپ 5، 1388

33. رجایی، غلام علی؛ سیره شهید بهشتی؛ تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی نشر شاهد
34. رخشاد، محمد حسین؛ در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت قم: مؤسسه فرهنگی سما، 1385.
35. رستمی علی کرامات مرعشیه گذری بر زندگانی عارف فقیه شهاب الدین مرعشی نجفی؛ قم مشهور، 1380.
36. زمانی وجدانی، مصطفی؛ سرگذشت های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی؛ تهران پیام آزادی، 1362.
37. ستوده، امیررضا؛ پایه پای آفتاب: ناگفته ها و گفته ها از زندگی امام خمینی؛ تهران پنجره 1380
38. سیف اللهی، محمد حسن؛ آقا شیخ مرتضای زاهد قم مسجد مقدس جمکران، 1389.
39. سیف اللهی، محمد حسن عبد کریم شرح حال اخلاقی عرفانی و تربیتی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حق شناس؛ تهران: نبوغ، 1390 .
40. شریفی، محمود؛ سید مرتضی پرچمدار علم و سیاست؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی مرکز چاپ و نشر، 1370.
41. الشعیری، تاج الدین محمد؛ جامع الاخبار؛ قم: حضرت عباس، 1392.
42. شیخ بهایی، محمد بن حسین؛ مفتاح الفلاح؛ تهران: حکمت، 1397.
43. صداقت، علی اکبر؛ روح و ریحان و صحبت جانان؛ قم: آیت اشراق، 1378.
44. عبدالله زاده خلیل؛ دیدار با ابرار (27)، محدث قمی حدیث اخلاق؛ تهران سازمان تبلیغات، اسلامی مرکز چاپ و نشر 1370

45. علم الهدی، حمید؛ نماز سرود ایمان؛ قم: هویزه، 1374.

46. علیقلی، محمد مهدی سجاده عشق (در فضیلت احکام و آداب نماز، شب چهل داستان و اهمیت نماز شب)؛ تهران ستاد اقامه نماز، 1375.

47. علی مددی، مهدی؛ سیر و سلوک معنوی زندگی نامه و کرامات عالم ربانی میرزا جواد آقا ملکی تبریزی؛ قم: ارمغان یوسف، 1391.

48. غرویان عبدالجواد جلوه های ربانی شمه ای از حالات اسوه تقوی و فضیلت، آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی؛ قم: شفق، 1375.

49. غرویان، محسن؛ در محضر بزرگان مجموعه ای از خاطرات شیرین دوران تحصیل؛ قم دفتر نشر نوید اسلام، 1376.

50. غفاری، هادی؛ خاطرات حجت الاسلام والمسلمین هادی غفاری؛ تهران سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، 1374

51. فهری زنجانی سید احمد پرواز در ملکوت؛ [بی جا]، نهضت زنان مسلمان، 1359

52. قمی (شیخ) عباس؛ الفوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه قم بوستان کتاب، 1385.

53. قمی، (شیخ) عباس؛ سفینه البحار؛ بیروت: دار المرتضی، 1413ق.

54. قوچانی، محمود؛ خاطرات سال های نجف؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد 1، 1392

55. کارگر محمدیاری، رحیم؛ بهترین پناهگاه حکایات و داستان های نماز؛ تهران ستاد اقامه نماز، 1388.

56. کلینی، محمد بن یعقوب الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1365

57. کوهستانی، عبدالکریم؛ بر قله پارسایی: شرح حال عالم ربانی، حضرت آیت الله حاج شیخ محمد کوهستانی؛ قم: زمینه ساز ظهور امام عصر، 1381.
58. گروهی از نویسندگان ستارگان حرم اختران حریم معصومه قم آستان مقدسه قم، انتشارات زائر، 1377.
59. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار؛ بیروت مؤسسه الوفا، 1403ق.
60. محمودی، گلپایگانی، محمدحسین؛ در محضر مجتهدی تهران لاهوت، 1389.
61. محمدی ری شهری، محمد؛ زمزم عرفان یادنامه فقیه عارف حضرت آیت الله محمدتقی بهجت قم دار الحدیث، چاپ سوم، 1393.
62. مختاری، رضا سیمای فرزندگان قم: بوستان کتاب، 1386.
63. مزدآبادی، علی اکبر طریق دوست مجموعه رهنمودهای اخلاقی حضرت آیت الله مجتهدی تهرانی؛ تهران: نشر یازهر، 1393.
64. مطهری، مرتضی؛ گفتارهای معنوی؛ تهران: صدرا، 1363
65. مقدادی اصفهانی علی؛ نشان از بی نشان ها: شرح حال و کرامات آیت الله حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی؛ تهران: جمهوری، 1374.
66. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه،
67. ملکی تبریزی جواد اسرار الصلاه؛ ترجمه کامل جوادین شفیع؛ تهران احمد فرهمند، 1380.
68. ملکی تبریزی، جواد؛ رساله لقاء الله؛ ترجمه سید احمد فهری؛ قم: اندیشه مولانا: انتشارات دار الفکر، 1390

69. ملکی تبریزی جواد المراقبات؛ ترجمه ابراهیم محدث قم نشر؛ اخلاق، 1375
70. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ آب، آئینه، آفتاب؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1382.
71. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت؛ حبیب و محبوب (حالات پیشوایان و بزرگان در نماز)؛ تهران مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، 1391
72. موسوی خمینی، روح الله؛ رساله توضیح المسائل؛ تهران: پیام عدالت، 1377.
73. مهدوی، سید ابوالحسن؛ اسوه بندگی زندگی نامه مرحوم آیت الله سید بهاءالدین مهدوی؛ اصفهان مؤمنون، 1395 .
74. نجفی قوچانی، محمد حسن؛ سیاحت شرق تهران امیرکبیر، 1393
75. نراقی، محمد مهدی؛ تحفه الرضویه قم: بوستان کتاب، 1386.
76. نظری، مرتضی؛ آن مرد آسمانی خاطره هایی از زندگی علامه سید محمد حسین طباطبایی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380
77. نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل تهران المكتبه الاسلامیه، 1382ق.
78. هاشمیان، هادی؛ دریای عرفان زندگی نامه و شرح احوال آیت الله سید علی قاضی طباطبایی؛ قم: مؤسسه فرهنگی طه، 1379.
79. هیأت تحریریه مؤسسه شمس الشموس آسمانی شرح زندگانی آیت الله العظمی میرزا محمد علی شاه آبادی؛ تهران: شمس الشموس، 1383.
80. هیأت تحریریه مؤسسه شمس الشموس؛ دلشده: احوالات مرحوم سید هاشم حداد تهران شمس الشموس، 1386.
81. هیأت تحریریه مؤسسه شمس الشموس؛ عطش: ناگفته هایی از سیر

توحیدی کامل عظیم حضرت آیت الله سید علی قاضی طباطبایی؛ تهران شمس الشموس، 1385.

ب) مقاله ها و مصاحبه ها

83. «حاج شیخ عباس قمی، حدیث نجابت (2)»؛ مجله مبلغان، ش 84، اردیبهشت 1386
84. «مصاحبه با استاد بزرگوار آیت الله اراکی»؛ مجله ی حوزه دوره ی 2، شماره ی 12 زمستان 1364
85. «مصاحبه با حجت الاسلام شیخ علی اکبر آشتیانی»؛ مجله ی پاسدار، اسلام، شماره 92، سال 1368
86. «مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین توسلی»؛ مجله ی حوزه، شماره ی 45 مرداد و شهریور 1370
87. «مصاحبه با حضرت آیت الله سید مصطفی خوانساری»؛ مجله حوزه شماره ی 32 سال 1368
88. «نماز اول وقت» مجله طوبی شماره ی 7، خرداد و تیر 1385
89. محسنی ملایری، محمد باقر؛ «خاطراتی ویژه از زندگی آیت الله بروجردی»، مجله حوزه، شماره 43 و 44، سال 1370.
90. مصباح یزدی، هفته نامه پرتو، چهارشنبه 8 تیر 1379.

ج) سایت ها و روزنامه ها

91. پایگاه اطلاع رسانی حسین انصاریان،

92. <http://www.erfan.ir> . روزنامه اطلاعات شماره ی 21835 ، ص 14 .

93. روزنامه جمهوری اسلامی ویژه اربعین سال 68

94. روزنامه رسالت، 1368/4/14.

95. سایت تبیان <https://article.tebyan.net>.

96. سایت دفتر حفظ نشر و آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای. <http://farsi.khamenei.ir>

97. سایت قنوت (مرکز تخصصی نماز) <http://qunoot.net>.

98. مجله اطلاعات هفتگی، شماره 2442

ص: 143

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

